

آشنایی اجمالی با  
وضعیت سیاسی-اجتماعی  
«عراق»

تألیف: سید محمد ذوالفقاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

دیباچه.....	۹
مقدمه.....	۱۱

### **فصل اول: جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی**

۱. جغرافیای طبیعی.....	۱۷
الف) آب و هوا.....	۱۷
ب) منابع طبیعی.....	۱۹
ج) رودها و سدها.....	۱۹
د) ارتفاعات.....	۲۲
۲. جغرافیای انسانی.....	۲۲
الف) ترکیب نژادی و گروه‌های قومی (اقوام و نژادها).....	۲۳
ب) زبان و خط.....	۲۵
۳. جغرافیای سیاسی.....	۲۶

### **فصل دوم: وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی**

۱. وضعیت اجتماعی.....	۳۱
الف) چالش‌های جامعه عراق امروز.....	۳۱
ب) خانواده.....	۴۴

- ج) رسانه‌ها ..... ۴۶
- د) بهداشت ..... ۴۷
۲. وضعیت سیاسی ..... ۴۹
- الف) پیشینه سیاسی ..... ۴۹
- ب) نوع و ساختار حکومت ..... ۵۳
- یک - قانون اساسی ..... ۵۴
- دو - قوای سه‌گانه ..... ۵۵
- سه - تقسیمات کشوری ..... ۶۰
- ج) احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی ..... ۶۰
- یک - احزاب کرد ..... ۶۰
- دو - احزاب و گروه‌های سنی ..... ۶۴
- سه - احزاب و گروه‌های شیعی ..... ۶۵
- د) پیشینه مبارزاتی شیعیان و مرجعیت ..... ۶۸
- یک - ائتلاف عراق یکپارچه ..... ۷۴
- دو - ائتلاف میهنی عراق ..... ۷۸
- سه - حزب بعث ..... ۷۹
۳. وضعیت اقتصادی ..... ۸۲
- الف) منابع طبیعی ..... ۸۴
- ب) کشاورزی و صنعت ..... ۸۷
- ج) بخش مالی و بازرگانی خارجی ..... ۹۰
- د) سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی ..... ۹۲
۴. وضعیت فرهنگی و مذهبی ..... ۹۵
- الف) فرهنگ ..... ۹۵
- یک - فرهنگ سیاسی ..... ۹۶
- دو - فرهنگ اجتماعی ..... ۱۰۳
- سه - فرهنگ شیعیان عراق ..... ۱۰۵

ب) آموزش .....	۱۰۶
یک - وضعیت خدمات آموزشی.....	۱۰۷
دو- مراکز مهم آموزشی.....	۱۰۸
ج) ساختار دینی - مذهبی عراق .....	۱۰۹
یک - توزیع جغرافیای جمعیت مذاهب مختلف.....	۱۱۳
دو- شیعیان.....	۱۱۴
سه - مراکز فرهنگی و دینی.....	۱۱۶
چهار- اماکن و شهرهای مذهبی.....	۱۱۷
نجف .....	۱۱۸
کوفه .....	۱۲۲
مسجد جامع کوفه .....	۱۲۳
مرقد میثم تمار .....	۱۲۵
قصر دار الاماره یا مقر والی کوفه .....	۱۲۵
مسجد سهله .....	۱۲۶
مسجد صعصعه بن صوحان .....	۱۲۶
مسجد زید بن صعصعه .....	۱۲۷
مقام یونس <small>عليه السلام</small> .....	۱۲۷
آرامگاه ابراهیم الغم .....	۱۲۷
کربلا .....	۱۲۷
سیر تاریخی کربلا .....	۱۲۸
معنا و اسامی کربلا .....	۱۲۹
کربلا پس از شهادت امام حسین <small>عليه السلام</small> .....	۱۳۰
کاظمین .....	۱۳۱
سامرا .....	۱۳۲

## فصل سوم: جایگاه عراق در عرصه بین الملل

۱. روابط خارجی.....	۱۳۹
الف) اصول و مبانی سیاست خارجی.....	۱۳۹

- ب) عضویت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی ..... ۱۴۰
- ج) نمایندگی‌های سیاسی در خارج ..... ۱۴۱
- د) چالش‌های سیاست خارجی ..... ۱۴۲
۲. تأثیرات سیاسی - اقتصادی ..... ۱۴۶
- الف) تأثیرپذیری ..... ۱۴۶
- ب) اثرگذاری ..... ۱۴۷
۳. تأثیرات فرهنگی و آموزشی ..... ۱۴۸

### فصل چهارم: رابطه با جمهوری اسلامی ایران

۱. ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ..... ۱۵۳
- الف) سیاسی ..... ۱۵۳
- ب) علمی - فرهنگی ..... ۱۵۵
- ج) اقتصادی ..... ۱۵۸
۲. جایگاه در استراتژی نظام جمهوری اسلامی ..... ۱۵۹
- کتابنامه ..... ۱۶۱



## دیباچه

با توجه به سابقه روابط فرهنگی ملت ایران و عراق، مرزهای طولانی جغرافیایی و زمینه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی، کشور عراق یکی از کشورهای مهم و استراتژیک منطقه برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

مهم‌ترین بعد مذهبی تعامل ایران و عراق به مزار ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین مزار برخی از صحابه و عالمان بزرگ شیعه در عراق بر می‌گردد. پس از سرنگونی صدام، برای اولین بار در طول تاریخ سیاسی عراق، شیعیان در صدر قدرت سیاسی قرار گرفتند و ابعاد دینی تعامل ایران و عراق تقویت شد؛ از این رو تعداد زائران ایرانی نیز افزایش یافت. سفر عتبات، علاوه بر ابعاد دینی، از جهت فرهنگی و سیاسی نیز مهم است. در این سفر، زائرانی با فرهنگ و سبک زندگی متفاوت وارد کشوری دیگر می‌شوند که ممکن است سؤالات زیادی را برای آنها ایجاد کند. البته محیط شیعی حاکم بر اماکن زیارتی کشور عراق، سبب می‌شود که زائران احساس غریبی نکنند و با توجه به شباهت‌های موجود در مناسک، تا حد زیادی احساس انس فرهنگی و اجتماعی دارند.

اثر حاضر که با زحمات جناب حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد ذوالفقاری آماده شده است، سعی دارد زائران را به صورت اجمالی با وضعیت سیاسی و اجتماعی عراق آشنا کند. این کار با توجه به تنوع فرهنگی و مذهبی در عراق، در کنار سرعت تغییر تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در قرن حاضر، کار آسانی نبود؛ ولی با زحمات ایشان محقق شد. امیدواریم این اثر بتواند ره توشه مناسبی برای زائران عتبات عالیات باشد و به روحانیان کاروان کمک کند تا بتوانند به پرسش‌های سیاسی و اجتماعی زائران در مورد عراق پاسخ دهند.

پژوهشکده حج و زیارت

گروه مطالعات اجتماعی

## مقدمه

عراق سرزمین آستان مقدس امامان معصوم علیهم‌السلام و بسیاری از سادات و وابستگان به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام است که هر سال، میلیون‌ها عاشق و ارادتمند به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را به سوی خود جذب می‌کند.

زیارت امیر مؤمنان علیه‌السلام و شهید مظلوم کربلا علیه‌السلام، علمدار رشید عاشورا و اصحاب باوفایش، در کنار زیارت امامان کاظمین علیهم‌السلام و همچنین زیارت امامان غریب و مظلوم علیهم‌السلام در سامرا و صدها زیارتگاه دیگر در عراق، آرزوی هر مسلمانی است. این شوق سرشار و ارزشمند برای زیارت امامان معصوم و دیدن آثار تاریخی اسلامی، نباید ما را از این مطلب غافل کند که یکی از لوازم و مقدمات مهم یک سفر مفید، شناخت مقصد مسافرت است. به طور طبیعی بخشی از این شناخت در هنگام سفر حاصل می‌شود و بخشی نیز پیش از آن؛ هرچه این شناخت پیشین بیشتر باشد، مسافرت آسان‌تر، به‌یادماندنی‌تر و لذت‌بخش‌تر خواهد بود.

تحولات پرفراز و نشیب سال‌های گذشته عراق و صحنه رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، عراق را به میدان تحولات وسیع و عمیقی تبدیل کرده است که مسافران و زائران راهی این کشور را متحیر می‌کند.

این کتاب ضمن توجه به سرعت تغییرات و تحول مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه عراق، در چهار فصل ذیل سامان یافته و تلاش می‌کند، تصویری نسبتاً روشن و گویا از وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیارتی این کشور به علاقه‌مندان ارائه کند:

- جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی؛

- وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛

- جایگاه عراق در عرصه بین‌الملل؛

- رابطه با جمهوری اسلامی ایران.

این تحقیق بدون حمایت و تشویق مسئولان محترم پژوهشکده حج و زیارت، به‌ویژه برادر ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محسن محمدی و راهنمایی‌های ارزشمند و دلسوزانه استاد گرامی، جناب آقای دکتر فلاح‌زاده به انجام نمی‌رسید.

در اینجا لازم است از همکاری و تلاش‌های علمی جناب آقای سیدسعید هاشمی‌نسب که اینجانب را در انجام این پژوهش یاری کرد نیز تشکر کنم.

از همه صاحب‌نظران و اصحاب تحقیق و پژوهش، استدعا دارم با تذکرات و رهنمودهای خود، در جهت تکمیل و پربار شدن این مجموعه گام بردارند.

میلاد حضرت جواد الائمه علیه السلام

۱۳۹۲

قم المقدسه

سید محمد ذوالفقاری



پرچم کشور عراق



نشان کشور عراق



بارگاه مطهر امام علی علیه السلام در نجف

### شناسنامه کشور عراق

نام رسمی کشور: جمهوری عراق (الجمهورية العراقية) (Republic of Iraq)

پایتخت: بغداد (۵/۷۵۱/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲).

زبان: عربی (رسمی)، کردی (رسمی)، ترکمنی، آشوری و ارمنی

(رسمی در مؤسسه‌های آموزشی یا خصوصی).

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی با یک مجلس قانون‌گذاری.

مذهب: ۹۷٪ اسلام (رسمی) [۶۰٪ - ۶۵٪ شیعه و ۳۲٪ - ۳۷٪ سنی]،

۳٪ سایر ادیان.

واحد پول: دینار جدید عراق.

عضویت: سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب، سازمان کشورهای

صادرکننده نفت (اپک).

جمعیت: ۳۱/۱۲۹/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ (سی و نهمین کشور جهان).

تراکم جمعیت: ۶۶ نفر در هر کیلومتر مربع.

درصد رشد جمعیت: ۳۴ / ۲٪.

روز استقلال: ۱۹۳۲/۱۰/۳ میلادی از انگلستان.

روز ملی: انتفاضه شعبانیه، هفدهم شعبان ۱۴۱۱ ه.ق.

شهرهای مهم: موصل (۱/۴۴۷/۰۰۰ نفر)، اربیل (۱/۰۰۹/۰۰۰ نفر)،

بصره (۹۲۳/۰۰۰ نفر)، سلیمانیه (۸۳۶/۰۰۰ نفر)، نجف و کربلا.

نژاد: عرب: ۷۵ - ۸۰٪؛ کرد: ۱۵ - ۲۰٪؛ ترکمن، آشوری و دیگر نژادها: ۵٪.

مساحت: ۴۳۸/۳۱۷ کیلومتر مربع (پنجاه و هفتمین کشور جهان).<sup>۱</sup>

۱. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

# فصل اول:

## جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی





## ۱. جغرافیای طبیعی

عراق با نام رسمی جمهوری عراق (الجمهورية العراقية)، در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا واقع شده است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در جنوب، مرز آبی کوچکی نیز با خلیج فارس دارد<sup>۱</sup> و با ۴۳۸/۳۱۷ کیلومتر مربع، پنجاه و هشتمین کشور دنیا از جهت وسعت محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> این موقعیت جغرافیایی، سبب شده تا عراق از آب و هوا و منابع طبیعی متنوعی برخوردار باشد (در ادامه به طور خلاصه به این امور می‌پردازیم).

## الف) آب و هوا

کشور عراق آب و هوای گوناگونی دارد و از این نظر به چهار بخش تقسیم می‌شود:

«مناطق بیابانی در غرب و جنوب غربی»، «سرزمین‌های مرتفع و هموار در میان دو رودخانه دجله و فرات»، «مناطق کوهستانی در شمال

---

۱. جغرافیای کشور عراق، محمدحسن نامی و علی محمدپور، ص ۲۷.

۲. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

و شمال شرقی» و «جلگه‌های آبرفتی در مسیر جریان رودخانه‌ها». منطقه بیابانی عراق، در واقع بخشی از منطقه بیابانی سوریه است که از سوی غرب به کشور سوریه و از سوی جنوب به کشور عربستان محدود می‌شود. اگرچه این پهنه گسترده از زمینی بی حاصل تشکیل شده، ولی در کناره‌های آن، به علت جریان فصلی و اتفاقی چند آبراهه، مناطق مسکونی کم جمعیت و چادرنشین تشکیل شده است.

منطقه مرتفع عراق، بیش‌تر در قسمت‌های شمالی رودخانه دجله و فرات واقع شده است؛ این منطقه به نام جزیره معروف است. اگرچه آب در این مناطق فراوان است، ولی به علت ناهمواری و وجود دره‌های عمیق و نیز به خاطر نبود امکانات در استفاده از این آب‌ها، این منطقه نیز خشک است.

مرتفع‌ترین منطقه عراق در شمال شرق آن واقع است. این منطقه تا مرزهای کشور ایران و ترکیه امتداد دارد. در واقع منطقه پیش‌گفته، دامنه مناطق کوهستانی این دو همسایه عراق است و قسمت‌های پایینی این مناطق، با جلگه‌های عریض آغاز می‌شود و با کوه‌هایی به ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر ادامه می‌یابد.

مناطق جلگه‌ای و آبرفتی عراق از شمال بغداد شروع شده و تا سواحل خلیج فارس ادامه می‌یابد. این پهنه با دلتاهای رودخانه‌ای آمیخته شده و کانال‌های متعدد دو رودخانه دجله و فرات سطوح آن را ناهموار کرده است. در لابه‌لای این مناطق در نواحی پست، به علت تجمع و انحراف آبراهه‌ها، دریاچه‌ها و باتلاق‌هایی که بیشتر آنها دائمی هستند، تشکیل شده است.<sup>۱</sup>

۱. جغرافیای کشور عراق، صص ۱۰ و ۱۱.

متوسط سالیانه بارش باران در عراق ۸۰۰ میلیمتر است که میزان آن از ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر در مناطق صحرایی و زمین‌های کم ارتفاع، ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیمتر در مناطق جلگه‌ای بین‌النهرین و ۸۰۰ تا ۱۸۹۲ میلیمتر در مناطق کوهستانی شمال و شمال شرقی متغیر است.<sup>۱</sup>

### ب) منابع طبیعی

عراق با ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام (حدود ۱۱ درصد از نفت جهان) پس از عربستان و ایران، سومین دارنده ذخایر بزرگ نفتی جهان به شمار می‌آید. بیش از ۶۵ درصد نفت عراق به طور فشرده در جنوب این کشور قرار دارد.<sup>۲</sup> همچنین ذخایر گازی اثبات‌شده این کشور، ۳/۱۱۴ تریلیون متر مکعب برآورد می‌شود.<sup>۳</sup> از دیگر منابع مهم معدنی این کشور، می‌توان به فسفات (حدود ۱۰ میلیارد تن)، آهن، نقره، سرب، روی، سولفور، نمک، زغال‌سنگ و مس اشاره کرد.<sup>۴</sup>

### ج) رودها و سدها

منابع آبی عراق به چهار دسته رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، سدها و آب‌های معمولی تقسیم می‌شود. مهم‌ترین رودخانه‌های داخل عراق عبارت‌اند از: دجله، فرات و شط‌العرب.

---

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. تاریخ کشور عراق، میلاد شیرالی، به نقل از سایت شناخت جغرافیایی تاریخ عراق، ۱۳۹۱/۹/۳۰، به آدرس:

<http://daneshgeography-1370.persianblog.ir/>

دجله: این رودخانه از کوه‌های «توروس» و کوه‌های جنوب غرب دریایچه «وان» در کشور ترکیه سرچشمه می‌گیرد. طول آن حدود ۱۷۱۸ کیلومتر است که از این مقدار، ۱۴۱۸ کیلومتر در خاک عراق و بقیه در خاک ترکیه جریان دارد.

فرات: فرات نهر بسیار معروفی در غرب کشور عراق است. سرچشمه فرات نزدیک رود ارس در سرزمین ارمنستان است که در نزدیکی خلیج فارس به رودخانه دجله می‌پیوندد و از آن پس «شط العرب» نامیده می‌شود. طول فرات حدود ۲۹۰۰ کیلومتر است.

شط العرب: دجله و فرات در شمال بصره در ناحیه‌ای به نام «القرنه» به هم پیوسته و شط العرب را پدید می‌آورند. شط العرب با عرض ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر و عمق ۱۰ تا ۱۵ متر تا ۸۰ کیلومتری دهانه خلیج فارس در خاک عراق جریان می‌یابد و پس از آن با اتصال به رودخانه کارون، مرز بین‌المللی ایران و عراق را شکل می‌دهد که از این قسمت به بعد اروندرود نام دارد.<sup>۱</sup> ایران و عراق سابقه مناقشات طولانی بر سر مالکیت و حق استفاده از این رودخانه دارند. این مناقشات سابقه‌ای ۴۰۰ ساله دارد و از زمان هم‌جواری امپراطوری عثمانی با مرزهای غربی ایران آغاز شده است.<sup>۲</sup> در طول این مدت، قراردادهای متعددی برای چگونگی بهره‌برداری از این رودخانه بین دو کشور به امضا رسیده است. مهمترین این پیمان‌ها، پیمان ۱۹۷۵ الجزایر است که بخشی از آن در ارتباط با

---

۱. ر.ک: تجلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، عزت الله عزتی، صص ۲۲ - ۲۸؛ جغرافیای کشور عراق، صص ۲۰ - ۲۶.

۲. ر.ک: چالش‌ها و تعاملات عراق در نیمه نخست قرن بیست، مسعود کوهستانی‌نژاد، ص ۲۸۱.

تعیین مرز در محل رودخانه می‌باشد. این قرارداد پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تا امروز پابرجا مانده است.<sup>۱</sup>

دریاچه‌های عراق: مهم‌ترین دریاچه‌های عراق عبارت‌اند از: «حبابیه» در جنوب غرب رمادی، دریاچه «ابودیسی» در شمال غرب کربلا، دریاچه «ثرثار» که به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از طغیان دجله و فرات استفاده می‌شود و دریاچه «نجف» که در کنار شهر نجف اشرف قرار دارد.<sup>۲</sup>

سدها: سدهای مهم عراق عبارت‌اند از: سد «نجمه» با ظرفیت ۳/۸۲ میلیارد متر مکعب بر روی رودخانه زاب کوچک در تنگه نجمه، سد «دوکان» با ظرفیت ۴/۵ میلیارد متر مکعب بر روی رودخانه زاب در تنگه دوکان، سد «دربندیخان» با ظرفیت ۳/۵ میلیارد متر مکعب بر روی رودخانه دیاله، سد «سامره» که بر روی رودخانه دجله ساخته شده است و معمولاً زائران و مسافران شهر سامرا آن را در مسیر حرکت مشاهده می‌کنند،<sup>۳</sup> سد «هندیه» که قدیمی‌ترین سد عراق است و بر روی رودخانه فرات ساخته شده است و سد «کوت» که بر روی رودخانه دجله ساخته شده است. همچنین عراق از جنوب از طریق بندر «ام القصر» به خلیج فارس و آب‌های آزاد ارتباط دارد.<sup>۴</sup> علاوه بر این بر اساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق بین ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌شود.<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: پایان جنگ، محمد دورودیان، ص ۲۱۱؛ تاریخ سیاسی جنگ، علی‌اکبر ولایتی، صص ۱۵ - ۴۴.

۲. جغرافیای کشور عراق، صص ۲۵ و ۲۶.

۳. عراق، گروه نویسندگان، ص ۱۳۴.

۴. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، محمدرضا حافظ‌نیا، ص ۲۵۷؛ تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، صص ۲۷ و ۲۸.

۵. تجلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، ص ۳.

## د) ارتفاعات

مناطق کوهستانی در عراق زیاد نیست؛ از نظر وسعت، کمی بیش از ۵ درصد خاک عراق کوهستانی است که در واقع دنباله رشته کوه‌های زاگرس ایران و توروس ترکیه است که با شیب ملایمی به داخل عراق کشیده شده است.<sup>۱</sup>

## ۲. جغرافیای انسانی

از عوامل مهمی که ساختار نظام سیاسی یک کشور را قوام می‌دهد، جمعیت آن کشور است. همان‌گونه که گفته شد، عراق از لحاظ سرزمین، کشوری غنی است و پتانسیل‌های طبیعی فراوانی دارد. از لحاظ جمعیت نیز کشور عراق، کشوری غنی و ثروتمند محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۲ میلادی، جمعیت عراق ۳۱/۱۲۹/۰۰۰ نفر اعلام شد (سی‌ونهمین کشور جهان) که ترکیب جمعیتی آن بدین گونه بود:

جمعیت ۰ - ۱۴ سال: ۳۷/۶٪ (۵/۹۵۹/۵۶۲ مرد و ۵/۷۵۱/۹۷۰ زن)؛

جمعیت ۱۴ - ۶۴ سال: ۵۹/۳٪ (۹/۳۵۵/۱۷۶ مرد و ۹/۰۹۴/۹۵۳ زن)؛

جمعیت بالای ۶۴ سال: ۳/۱٪ (۴۵۰/۵۱۶ مرد و ۵۱۷/۰۴۸ زن).<sup>۲</sup>

نرخ رشد جمعیت در این کشور در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۲/۳۴٪ بود.<sup>۳</sup>

این میزان جمعیت با تراکمی معادل ۶۶ نفر در هر کیلومتر مربع در

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۱۲.

۲. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۳. همان.

سرزمین عراق پراکنده شده‌اند که از این نظر، عراق رتبه ۱۲۵ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است.<sup>۱</sup> همچنین بر اساس آمار سال ۲۰۱۰ میلادی، ۶۶ درصد جمعیت عراق را جمعیت شهری تشکیل می‌داد.<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۲ میلادی شهرهای بغداد با ۵/۷ میلیون، موصل با ۱/۴ میلیون، اربیل با ۱ میلیون، بصره با ۹۲۳ هزار و سلیمانیه با ۸۳۶ هزار نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین شهرهای عراق به شمار می‌آمدند.<sup>۳</sup>

### الف) ترکیب نژادی و گروه‌های قومی (اقوام و نژادها)

عراق کشوری است با قومیت‌های گوناگون و ساکنان آن را عرب، کرد، ترکمن، آشوری، کلدانی، صائبین مندایی<sup>۴</sup> و... تشکیل می‌دهند. حدود ۷۵ - ۸۰ درصد مردم این کشور، عرب هستند. عرب‌ها جلگه‌های غربی و دره رود نیل و فرات را از بصره تا دشت موصل در اختیار دارند.<sup>۵</sup>

گُردها به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت، حدود یک پنجم جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند (۱۵ - ۲۰٪ کرد).<sup>۶</sup> مساحت کردستان عراق، ۷۰ هزار کیلومتر مربع یا برابر با ۱۶ درصد از کل سرزمین عراق است. کردها بیشتر در مناطق شمالی و شمال شرق عراق در استان‌های سلیمانیه، اربیل، موصل و

۱. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۲. همان.

۳. همان.

۴. صائبین مندایی از ادیان موحد، صاحب کتاب، پیغمبر و خط و زبان است و در قرآن کریم طی آیاتی به آن اشاره شده است ([www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)).

۵. نهضت اسلامی شیعیان عراق، ان ویلی جوینس، صص ۲۱ و ۲۲.

۶. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، الاسدایر دراسیل، صص ۲۱۳.

کرکوک سکونت دارند.<sup>۱</sup> دین مردم کرد، اسلام و مذهب بیشتر آنها سنی است. در سده اخیر دولت مرکزی عراق بر خوردهای نظامی متعددی با کردهای این کشور داشته است. کردها معمولاً خواستار خودمختاری بوده‌اند؛ هرچند بسیاری از صاحب‌نظران، این خودمختاری را مقدمه استقلال‌طلبی آنها می‌دانند.<sup>۲</sup> آخرین دور از درگیری‌های کردها و دولت مرکزی عراق، در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رخ داد که در آن، عراق در عملیاتی موسوم به «الانفال» از سلاح شیمیایی برای سرکوب کردها استفاده کرد و فاجعه حلبچه را پدید آورد که در آن ۱۰۰ هزار نفر کشته شدند.<sup>۳</sup>

البته کردها بعد از جنگ عراق و کویت، در سال ۱۹۹۱ میلادی و بعد از سقوط صدام تا به امروز، به دلیل شرایط داخلی و فشارهای بین‌المللی تا حدودی استقلال و خودمختاری را تجربه کرده‌اند. امروزه قومیت کرد در سامان فضای سیاسی عراق نقش مؤثری دارد؛ به گونه‌ای که بر اساس قانون اساسی فدرال عراق، قوم کورد دارای خودمختاری بوده و رئیس جمهور عراق نیز بر اساس قانون اساسی باید از کردها انتخاب شود.<sup>۴</sup>

بقیه جمعیت (حدود ۵٪) را دیگر اقوام، مانند آشوری‌ها و ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند. ترکمن‌ها به زبان ترکی صحبت می‌کنند و شیعه هستند.<sup>۵</sup> عرب‌ها از نژاد سامی، کردها از نژاد آریایی و ترکمن‌ها از نژاد ترک آسیای مرکزی هستند.

۱. کردها، کندال و دیگران، ص ۱۷۵.

۲. عراق پس از سقوط بغداد، بی‌نام، ص ۶۹.

۳. همان.

۴. جلال طالبانی رئیس‌جمهور کنونی عراق (سال ۱۳۹۰ ه. ش) کرد است.

۵. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.



**ب) زبان و خط**

بر اساس ماده ۴ قانون اساسی عراق، زبان عربی و کردی، زبان‌های رسمی عراق هستند و عراقی‌ها حق دارند طبق اصول آموزشی، زبان‌های مادری مانند ترکمنی یا سریانی ارمنی یا هر زبان دیگری را در مؤسسه‌های آموزشی دولتی یا خصوصی به فرزندان خود آموزش دهند. همچنین نهادها و دستگاه‌های فدرال در منطقه کردستان، از هر دو زبان استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup> عده‌ای نیز در این کشور به زبان‌های دیگری صحبت می‌کنند که عبارت‌اند از:

- ترکمنی: شامل ۳۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۲ میلادی (در شهرهای کرکوک، اربیل، مقدادیه، خانقین، مندلی و ناحیه موصل).
- فارسی: شامل ۲۲۷ هزار نفر در سال ۱۹۹۴ میلادی که معمولاً شیعیانی هستند که در شهرهای کربلا، نجف، کاظمین و بعضاً در بصره زندگی می‌کنند.<sup>۲</sup>
- کلدانی نو (از زبان‌های آرامی): ۱۲۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۴ میلادی را شامل می‌شد و بیشتر آنها در شهرهای موصل، بغداد، بصره و جنوب شرقی عراق سکونت داشتند.
- ارمنی: حدود ۶۰ هزار نفر.
- آشوری: ۳۰ هزار نفر (شمال عراق، بغداد و بصره).
- دوماری (از زبان‌های هندوآریایی): ۲۳ هزار نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی.
- گورانی (از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی): ۲۱ هزار نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی.

۱. برگرفته شده از سایت مجلس نواب عراق ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <http://parliament.iq/Iraqi>.

۲. تاریخ نوین عراق، فب مار، ص ۳۱.

- باجلانی (از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی): ۲۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۶ میلادی (شمال خانیقین و استان موصل).
- سارلی (از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی): کمتر از ۲۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۵ میلادی (شمال موصل، استان کرکوک).
- آیداغی (از زبان‌های قفقازی): ۱۹ هزار نفر در سال ۱۹۹۳ میلادی.
- شبک (از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی): ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۹ میلادی (شمال موصل).
- کوی سنجق (از زبان‌های آرامی): ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵ میلادی (کوی سنجق و شمال عراق).<sup>۱</sup>

### ۳. جغرافیای سیاسی

کشور عراق از یک سو با قرار گرفتن در میان کشورهای نظیر ایران، عربستان سعودی، کویت، پادشاهی اردن و جمهوری سوریه و دسترسی به خلیج فارس از سویی دیگر، از نقش استراتژیک مهمی در منطقه برخوردار است. موقعیت جغرافیایی این کشور، طوری است که جهان عرب را از کشورهای مسلمان غیر عرب (ایران و ترکیه) جدا می‌کند و در واقع پل ارتباطی میان این دو گروه محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین وجود منابع نفتی، بر اهمیت استراتژیکی آن افزوده و همواره توجه ابرقدرت‌ها را به خود جلب کرده است.

۱. اطلاعات کشور عراق در سایت دایرة المعارف ویکی‌پدیا در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

<http://fa.wikipedia.org>

۲. ر.ک: عراق و همسایه‌ها، سیمین خاتمی، پیشین.



از لحاظ حقوق اساسی، پرچم فعلی عراق که از سال ۱۹۶۳ میلادی طراحی شد، شامل سه نوار قرمز، سفید و سیاه است که پیش از آن برای جمهوری عربی متحده طراحی شده بود. این جمهوری قرار بود از ادغام عراق، سوریه و مصر تشکیل شود، ولی تحقق نیافت. بر روی نوار سفید رنگی که در وسط پرچم قرار دارد، سه ستاره سبز رنگ به نشانه سه کشور پیش گفته دیده می‌شد؛ در سال‌های اخیر نیز عبارت «الله اکبر» در قسمت سفید بین ستاره‌ها افزوده شده است که پس از سرنگونی صدام، رسم الخط «الله اکبر» به کوفی تغییر یافته و در اوایل سال ۱۳۸۷ ه.ش با تصویب کنگره عراق، ستاره‌های پرچم نیز حذف شد.



الله اکبر



شهر بغداد پایتخت این کشور است که در مرکز کشور و در ساحل رود دجله قرار دارد. دیگر شهرهای مهم عراق عبارت‌اند از: بصره، کربلا، نجف، سامرا، ناصریه، سماوه، موصل، کرکوک، سلیمانیه و اربیل.<sup>۱</sup>

---

۱. اطلاعات کشور عراق در سایت دایرةالمعارف ویکی‌پدیا در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:  
<http://fa.wikipedia.org>

# فصل دوم:

وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی



## ۱. وضعیت اجتماعی

عراق با بهره‌مندی از منابع طبیعی و اقتصادی فراوان، نیروی کار بسیار و آماده به کار و موقعیت استراتژیک و حساس خود، پتانسیل بسیاری برای رشد و جهش در اختیار دارد. این عوامل، به‌ویژه پس از سقوط دیکتاتوری بعثی، زمینه مناسب‌تری برای عراق نسبت به دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس فراهم کرد تا بتواند در سال‌های پیش رو از رشد و توسعه مناسبی بهره‌مند شود.

کشور عراق تاریخی پرفراز و نشیب دارد که سبب شده تا این کشور به مسائل گوناگونی مبتلا شود و میراث آنها را امروزه با خود به همراه داشته باشد. این مسائل که در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی گسترده شده‌اند، فرصت‌ها و تهدیدهای خاصی را برای این کشور فراهم آورده‌اند. در واقع شناخت عراق، مستلزم آشنایی - هرچند مختصر - با این مسائل است.

## الف) چالش‌های جامعه عراق امروز

از لحاظ اجتماعی، عراق با عبور از فراز و نشیب‌های سیاسی فراوان طی یک قرن گذشته، میراث‌دار مسائل مهمی است که به طور خلاصه عبارت‌اند از:

یک - ضعف انسجام و فقدان هویت ملی فراگیر: یکی از عوامل مهمی که در توضیح علل بحران‌های عراق مطرح بوده و هست، تجانس نداشتن بافت قومی، مذهبی و قبیله‌ای این کشور بوده است. تنوع‌های فرهنگی و قومی، در کنار فرهنگ قبیله‌ای و تعارض‌های مذهبی و دسیسه‌های خارجی، هیچ‌گاه فرصت انسجام‌بخشی و ایجاد هویت مشترک را به مردم و دولت عراق نداده است. شاید دلیل آنکه دولت مرکزی در بعد داخلی، برای ایجاد نظم و انسجام، همواره از زور و نیروی نظامی بهره می‌برد، همین امر باشد.<sup>۱</sup> با چنین زمینه‌ای، بیشتر تحلیل‌گران و حتی مردم عراق، هیچ‌یک از ائتلاف‌های برجسته چهارگانه عراقی را ائتلافی فراگیر و به تمام معنا ملی نمی‌شناسند. در حقیقت هر یک از این ائتلاف‌ها وابسته به یکی از خرده‌هویت‌های عراقی هستند. بدین ترتیب، دو ائتلاف ملی و دولت قانون، نمایندگان شیعیان محسوب می‌شوند و ائتلاف کردستان، نماینده کردها و عراقیه نیز - هرچند خود را نماینده سکولارهای ناسیونالیست عراقی معرفی می‌کند - در باور عامه، جناح نزدیک به سنی‌ها محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

در راستای چالش‌های میان شیعه و سنی، موضوع حکم اعدام طارق الهاشمی، معاون پیشین رئیس جمهوری عراق، بسیار اهمیت دارد؛ گروه‌های شیعی، دولت عراق و همچنین دستگاه قضایی عراق بر این باورند که طارق الهاشمی و اطرافیان وی، به یک سری عملیات‌های

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۳۱۵.

۲. کالبدشکافی ریشه‌های بحران عراق، اردشیر پشنگ، سایت بررسی استراتژیک، ۸ مهر ۱۳۸۹ به آدرس: <http://strategicreview.org/>.



تروریستی اقدام نموده یا از آنها حمایت کرده‌اند و بر این اساس، دستگاه قضایی عراق این فرد را به اعدام محکوم کرده است. اما جریان‌های مدافع و شخص طارق الهاشمی، معتقد هستند که این حکم سیاسی است و تمامی مسائل مربوط به این حکم، ناشی از اختلاف‌های سیاسی است.

هر چند که حکم اعدام هاشمی از سوی دستگاه قضایی عراق مبتنی بر مستندات عینی بسیاری است، ولی جدا از آنکه این اتهام‌ها چه بوده و آیا این حکم صحیح بوده یا خیر، این مسئله باز هم نشان‌دهنده زمینه‌ها و چالش‌های بالقوه میان گروه‌های سیاسی در عراق است؛ بدین معنی که رویکرد دوگانه سنی‌ها و تداوم تنش‌های شیعی - سنی در عراق، نشان‌گر تداوم چالش‌های سیاسی و پیامدهای امنیتی آن در عراق است.

نکته‌ای که باید توجه داشت، این است که گروه‌بندی‌های سیاسی عراق، تنها سیاسی نیست، بلکه این گروه‌بندی‌ها و ائتلاف‌ها، مبتنی بر گروه‌های قومی و فرقه‌ای است؛ بدین معنا که شکاف‌های قومی - فرقه‌ای، شکاف‌های سیاسی را شکل داده‌اند. بر این اساس شاهد هستیم که شکاف‌های سیاسی با اختلاف‌های قومی و فرقه‌ای بر یکدیگر منطبق شده‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از عوامل تشدید تعارض‌ها، این واقعیت است که پراکندگی چاه‌های نفتی عراق در سراسر کشور یکسان نیست؛ بیشتر تولید این کشور در جنوب (استان بصره ۵۹/۱ درصد نفت را تولید می‌کند) قرار دارد و دومین میدان نفتی نیز در کرکوک (۱۲/۱ درصد) واقع شده است. این مسئله به اختصاص یافتن درآمدهای بیشتر به این مناطق، افزایش

۱. در اخبار شیعیان، «عراق»، ش ۸۴، صص ۲۰ و ۲۱.

رفاه آنان و در نتیجه کاهش توجه به دیگر مناطق غیرنفتی یا کمترنفتی - که بیشتر شامل مناطق اعراب سنی نشین است - می شود. همچنین این امر به افزایش تنش های قومی در عراق و هرچه کمرنگ تر شدن هویت ملی در این کشور زده و در بُعد امنیتی، حتی می تواند تمامیت سرزمینی این کشور را با خطر جدی رویارو سازد.<sup>۱</sup>

**دو - آمار بالای فقر و بیکاری:** یکی از پیامدهای مهم و مخرب سال ها جنگ، ناامنی و اشغال در عراق، آمار بالای فقر و بیکاری است. طبق گزارش سازمان مرکزی آمار عراق، ۷ میلیون عراقی با فقر مطلق دست و پنجه نرم می کنند. این سازمان، مبنای تعیین خط فقر در عراق را درآمد کمتر از ۶۶ دلار در ماه برای هر نفر قرار داده است که بر این اساس، نزدیک به یک چهارم از مردم عراق زیر خط فقر مطلق هستند. با این حال، کارشناسان بر این باورند که این رقم، بیشتر از آمار اعلام شده از سوی نهادهای رسمی است.<sup>۲</sup> همچنین در اثر جنگ و سال ها اشغال و ناامنی، هزاران نفر در عراق بیکار هستند که این، خود زمینه مناسبی برای رشد گروه های مسلح فراهم کرده است (نرخ بیکاری در عراق، به طور رسمی ۳۷/۲ درصد است).<sup>۳</sup>

**سه - زنان بی سرپرست:** طبق آمار وزارت امور اجتماعی عراق، بین

۱. روند پژوهشی توسعه نفت عراق بر امنیت ملی ایران در سایت شخصی اردشیر پشنگ در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <http://ardeshir58.persianblog.ir>

۲. ۲۳ درصد مردم عراق زیر خط فقر هستند، سایت خبری فارس نیوز، در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به کد <http://www.farsnews.com> و آدرس: ۸۸۰۷۰۱۰۹۵۹

۳. اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی، علیرضا ثقفی، در سایت کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ <http://kanoonmodafean1.blogspot.com> به آدرس: ۱۳۹۱/۹/۳۰

یک‌ونیم تا سه میلیون زن سرپرست خانوار در عراق وجود دارد که در تلاش برای اداره زندگی خود و فرزندانشان هستند. طرحی برای افزایش کمک مالی در قالب طرح شبکه حمایت اجتماعی وجود دارد تا حداقل کمک مالی به زنان بیوه به ۶۵ هزار دینار برسد.<sup>۱</sup> بر اساس گزارش سازمان «آزادی زنان در عراق»، ۱۵ درصد زنان عراقی در اثر جنگ بیوه شده‌اند.<sup>۲</sup>

**چهار - افزایش کودکان یتیم:** مقامات دولتی عراق، تعداد کودکان یتیم در این کشور را پنج میلیون نفر اعلام کرده‌اند. کودکانی که در جنگ و دوران محنت‌بار اشغال، والدین خود را از دست داده‌اند، با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند که در نهایت، مشکلات اجتماعی بسیاری را برای نسل‌های آتی عراق به وجود خواهد آورد.<sup>۳</sup>

**پنج - خشونت علیه زنان:** تازه‌ترین آمارهای سازمان بهداشت جهانی، نشان می‌دهد که حدود ۲۴ درصد زنان عراقی، خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند و ۳۳ درصد نیز سوء رفتارهای عاطفی را تجربه کرده‌اند.<sup>۴</sup> بنا بر گزارش رسمی «سازمان غیردولتی زنان در عراق» آمار زنان و دختران ناپدیدشده بعد از تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق، به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد که ۲۰ درصد آنان کمتر از ۱۸ سال دارند. گفتنی است که بیشتر مشکلات و وضعیت نابهنجار و وخیم زنان عراقی، ناشی از جنگ و اشغال این کشور به دست نیروهای آمریکایی بوده است.

۱. روزنامه جام‌جم، ش ۲۴۰۵، ص ۶.

۲. روند پژوهشی توسعه نفت عراق بر امنیت ملی ایران در سایت شخصی اردشیر پشنگ.

۳. همان.

۴. روزنامه جام‌جم، ش ۲۴۰۵، ص ۶.

**شش - آوارگی:** ناامنی و اشغال کشور عراق باعث شده، بسیاری از شهروندان عراقی سرزمین مادری خود را ترک کنند و بار هجرت و غربت را به دوش بکشند؛ بر همین اساس وجود حدود ۴/۷۰۰/۰۰۰ آواره عراقی، از دیگر مشکلات اجتماعی این کشور به شمار می‌آید.<sup>۱</sup> بسیاری از این آوارگان در کشورهای ایران، اردن، مصر و ... به سر می‌برند.

**هفت - ناامنی:** عراق در چند سال اخیر، شاهد مبارزه بین گروه‌های مختلف نظامی در این کشور بوده است. ناامنی‌های عراق به درگیری‌های هویتی، قومی و فرقه‌ای مربوط است. شکاف‌های قومی و فرقه‌ای در این کشور، پیش از سال ۲۰۰۳ و حمله آمریکا نیز وجود داشت، ولی صدام با استفاده از زور، تلاش کرد تا از تبدیل شدن این شکاف‌ها به درگیری‌های قومی - فرقه‌ای جلوگیری کند؛ اما در دوره پس از صدام و با توجه به فضای جدید این کشور و شکل‌گیری روند سیاسی دموکراتیک، شکاف‌های قومی - فرقه‌ای، فرصت بروز و ظهور پیدا کرده و مادر مناقشه‌های قومی - منطقه‌ای شدند. همچنین در شرایطی که نوعی دموکراسی پارلمانی توافقی در عراق برای ایجاد ثبات، مورد توجه قرار گرفت، این انتظار وجود داشت که هم‌گرایی قومی - فرقه‌ای در عراق ایجاد شود و این کشور را به سمت ثبات و آرامش هدایت کند. ولی تداوم ناامنی‌ها پس از گذشت چندین سال، نشان می‌دهد که دیدگاه واحدی در خصوص دولت در عراق به وجود نیامده و گروه‌های مختلف عراقی،

۱. یک‌پنجم خانواده‌های عراقی آواره شده‌اند، بی‌نام، در سایت واضح در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

هنوز به نظر واحدی در خصوص اداره این کشور نرسیده‌اند. این مشکل سبب شده که در دو بعد، شاهد ناآرامی و بی‌ثباتی در عراق باشیم:

اول - اختلافات در مسائل سیاسی: تاکنون میان گروه‌های مختلف عراقی، از نظر سیاسی، اجماع و توافقی ایجاد نشده و با وجود برخی توافقات در برخی دوره‌ها (همانند دوران پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ که سبب تشکیل یک دولت ائتلافی شد)، در دوره‌های بعدی، باز هم اختلافات سیاسی آشکار شد. در سال‌های اخیر، بحث‌های مختلفی میان عراقیه و دولت قانون یا میان کردها و دولت نوری المالکی وجود دارد و این امر نشان‌دهنده تداوم اختلافات سیاسی در عراق است.

دوم - افزایش ناامنی: این موضوع نیز از به توافق نرسیدن گروه‌های مختلف عراقی و همچنین برخی دخالت‌های خارجی ناشی می‌شود؛ ولی مشکل امنیتی، بیشتر در میان دو گروه شیعه و سنی وجود دارد. به نظر می‌رسد که کردها تا اندازه زیادی در مناطق کردنشین امنیت ایجاد کرده‌اند؛ ولی در مناطق شیعی و سنی، هنوز این ناآرامی‌ها تداوم دارد. یک وجه این مسئله به داخل عراق و نداشتن اجماع و توافق میان گروه‌های عراقی، به‌ویژه میان شیعیان و سنی‌ها مربوط است که سبب شده تا تعدادی از سنی‌های عراق، هنوز از ابزارهای نظامی و امنیتی در مقابل دولت استفاده کرده و در این میان، گروه‌های خارجی همانند القاعده نیز از این فرصت سوءاستفاده کنند. علاوه بر این، نوع نگاه و تلاش بازیگران خارجی برای نفوذ در عراق هم این اختلاف‌های سیاسی را تشدید کرده است.<sup>۱</sup>

۱. در اخبار شیعیان، «عراق»، ش ۸۴، صص ۲۰ و ۲۱.

یکی دیگر از نکات مهم در عراق، پدیده تروریسم یا ارهاب است. این مسئله به بهانه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که بیشتر آنها رنگ مذهبی به خود گرفته است. بسیاری از مردم معتقدند که ترورها به دست وهابی‌ها و با حمایت سعودی‌ها صورت می‌گیرد؛ چراکه تعداد زیادی از بمب‌ها در مناطق شیعه‌نشین و به قصد تخریب شعار مذهب شیعه و مشاهده ائمه هدی (علیهم‌السلام) صورت می‌گیرد که مهم‌ترین و دردآورترین آن، تخریب حرمین عسکرین و بمب‌گذاری‌های متعدد در ایام عاشورا و اربعین حسینی بوده است. هدف بسیاری از ترورها، افرادی چون شیعیان، پلیس عراق، دانشمندان و ... بوده‌اند.

طی سال ۱۳۸۷ دولت مالکی با انجام یک سلسله عملیات امنیتی در استان‌های الانبار، بصره، موصل، دیالی، العماره و شهرک صدر بغداد، اقتدار امنیتی خود را تقویت کرد و با تکیه بر نتایج این عملیات زنجیره‌ای، کنترل امنیتی برخی شهرهای عراق را از نیروهای آمریکایی گرفت. عملیات مذکور به دو دسته کلی تقسیم شده بود: نخست عملیات در مناطق و استان‌های شیعه‌نشین، نظیر بصره، شهرک صدر بغداد و العماره و دوم، عملیات علیه القاعده در سه استان سنی‌نشین الانبار، نینوا و دیالی. دولت مالکی در چارچوب سیاست پیش‌گفته، با به کارگیری سیاست جدا کردن عشایر سنی از القاعده در استان الانبار، به تدریج فضا را بر القاعده تنگ کرد و موفق شد القاعده را در سه استان الانبار، نینوا (موصل) و دیالی، زیر فشار عملیاتی قرار دهد و آنها را منفعل کند.<sup>۱</sup> اما با شعله‌ور شدن آتش فتنه

۱. مجله آیین، «عراق ۸۷»، مراد ویسی، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۷.

در کشور سوریه و تلاش مثلث استکبار، ارتجاع و ارباب در منطقه، بخشی از ناآرامی‌های کشور سوریه به عراق نیز سرایت کرده است که در این تحولات، دست استکبار و ایادی آن مشهود است.

عراق در سال ۱۳۸۷ دو توافق‌نامه مهم با آمریکا امضا کرد که یکی از آنها توافق‌نامه زمان‌بندی خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق بود و دومی توافق‌نامه همکاری‌های استراتژیک. توافق‌نامه زمان‌بندی خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق، پس از حدود یک سال رایزنی و هفت بار بازنگری در متن آن، تصویب و امضا شد. جدا از متن این توافق‌نامه، یکی از نکات مهم در فرآیند تدوین و تصویب توافق‌نامه پیش‌گفته، مقاومت دولت عراق در برابر فشارهای آمریکا بود.

تا قبل از ارائه آخرین پیش‌نویس از سوی ائتلاف یکپارچه، تیم مذاکراتی عراق با محوریت موفق الربیعی و برهم صالح، یک تیم مرعوب در مقابل آمریکا بود؛ ولی بعد از مقاومت‌های آیت‌الله سیستانی، زمینه برای مقاومت دولت عراق در برابر فشارهای آمریکا فراهم شد و مالکی به تشدید مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و اصرار بر تغییر مفاد توافق‌نامه پرداخت. پس از آن نیز دولت عراق با اجماع بر ضرورت اصلاح برخی بندهای توافق‌نامه امنیتی، به مقاومت مالکی در برابر آمریکا کمک کرد. در چارچوب این مقاومت، آخرین متنی که مورد قبول آمریکا و دولت عراق قرار گرفت، از سوی ائتلاف یکپارچه (جریان تحت رهبری حکیم و مالکی) به عنوان بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمان نوشته شد و در ۲۶ آبان ۱۳۸۷ (۱۶ نوامبر ۲۰۰۸) به تصویب هیئت وزیران

عراق رسید و سپس برای تصویب نمایندگان، به پارلمان این کشور ارسال شد و در تاریخ ۷ آذر (۲۷ نوامبر) نیز به تصویب پارلمان رسید و برای امضای نهایی و ابلاغ به شورای ریاست جمهوری ارسال شد.

کردها بیشترین هم‌سویی را با امضای توافق‌نامه داشتند و اعراب سنی نیز خواهان کسب تضمین‌هایی برای پیگیری چند مسئله خاص بودند که با مذاکرات طرفین، تمامی ملاحظات جریان‌های سیاسی در چاقوب سندی موسوم به سند اصلاح، تنظیم شد؛ این سند قبل از رأی‌گیری درباره توافق‌نامه، در پارلمان تصویب شد. در واقع اعراب سنی، تصویب این توافق‌نامه را مشروط به تعهد دولت در اجرای سند اصلاحات در کشور، شامل آزادی زندانیان بر اساس قانون عفو فراگیر و درخواست برای آزادی زندانیان تحت بازداشت آمریکا، بستن پرونده مهاجران و جذب و ادغام گروه‌های مسلح و نیروهای شوراهای بیداری در دستگاه‌های امنیتی و نظامی کردند و کردها نیز دولت مالکی را متعهد کردند که به فدرالیسم وفادار باشد. سرانجام قرار شد این همه‌پرسی در سال ۲۰۰۹ برگزار شود.

توافق‌نامه پس از امضای اعضای شورای ریاست جمهوری عراق و امضای جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، از اول ژانویه ۲۰۰۹ میلادی اجرایی شد و کمیته‌هایی در چهار سطح برای اجرای مفاد توافق‌نامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق تشکیل شد. کمیته‌های مذکور در سطح اداری، عملیات نظامی، همکاری‌های مشترک دو طرف و کمیته‌های فرعی تشکیل شدند که مأموریت هر کمیته با کمیته دیگر متفاوت بود.



همچنین دو طرف توافق کردند که برای اجرای توافق نامه همکاری‌های استراتژیک عراق و آمریکا، یک کمیته مشترک دیگر تشکیل شود. این کمیته مسئولیت سازمان‌دهی همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور را در زمینه‌های دیپلماتیک، اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و آموزشی بر عهده دارد.

در مورد خروج عراق از بند هفت منشور سازمان ملل نیز، شورای امنیت سازمان ملل، دوم دی‌ماه ۱۳۸۷، با رأی مثبت پانزده عضو این شورا و با صدور قطع‌نامه ۱۹۵۹ ضمن خارج ساختن عراق از شمول فصل هفتم منشور سازمان ملل (ناظر بر اشغال کشورها و اداره آنها در دوران اشغال) زمان پایان یافتن مأموریت نیروهای چندملیتی در عراق را به درخواست دولت کشور عراق، ۳۱ دسامبر (۱۱ دی ۸۷) تعیین، و نیز تمدید یک ساله مصونیت درآمدهای حاصل از فروش نفت این کشور را تصویب کرد.<sup>۱</sup>

در واقع موفقیت دولت شیعی مالکی در امر مدیریت مسائل امنیتی و چانه‌زنی با گروه‌های مختلف عراق، نشان از پشتوانه مردمی این دولت دارد، که در رأس آن، مرجعیت شیعه قرار گرفته است. آیت‌الله سیستانی و دیگر مراجع، با تیزبینی و رصد مسائل سیاسی و با حمایت‌ها و اندرزهای به‌موقع به دولت و وروده‌های پر قدرت و بجا به مسائل سیاسی، نقش و قدرت مرجعیت را به خوبی در سطح جامعه و تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی نشان داده‌اند. چنانچه خواست و مقاومت مردم و مرجعیت شیعه از دولت نبود، دولت مالکی نمی‌توانست این چنین با

۱. مجله آیین، «عراق ۸۷»، مراد ویسی، ش ۲۰ و ۱۹، ص ۱۴۸.

قدرت مسائل امنیتی پیچیده را حل کرده و زمینه ثبات را در کشور فراهم آورد. در واقع کنترل مسئله تروریسم از یک سو و اجبار نیروهای اشغالگر به خروج از عراق از سوی دیگر و خروج حقوق کشور عراق از بند هفتم شورای امنیت به سوی سوم، بزرگترین دستاورد دولت مالکی طی سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

**هشت - تهاجم فرهنگی گسترده:** تهاجم فرهنگی بسیار خطرناکی از طریق ماهواره‌ها در حال جریان است که نشانه‌هایش در رفتارهای اجتماعی، سبک زندگی، فرهنگ مذهبی مردم، فرهنگ مصرفی و علایق فرهنگی آنها دیده می‌شود. گیرنده شبکه‌های ماهواره‌ای در همه جای عراق از خانه‌های روستایی در حال خراب شدن تا مغازه‌ها و ... مشاهده می‌شود. در اثر تبلیغات ماهواره‌ها و شبکه‌های تجاری، مصرف‌گرایی در عراق غوغا می‌کند. همچنین وضعیت پوشش زنان و مردان در عراق به شدت تحت تأثیر منفی سریال‌های رسانه‌های جهان غرب است.

**نه - معیشت:** شغل بسیاری از عراقی‌ها، به‌ویژه در شهرهای زیارتی، کاسبی در بازار، رانندگی و جابجایی مسافران است؛ یعنی اقتصاد شهرهای نجف و به‌ویژه کربلا، به زائران وابسته است و در صورت حضور نداشتن زائران در مشاهد شریفه، بسیاری از کاسبان عراقی، ضربه جدی خواهند خورد.

در زمان صدام، مردم پول چندانی نداشتند؛ با سقوط صدام، حقوق کارکنان دولت افزایش یافت. به عنوان نمونه، حقوق دبیران چندین برابر شد. همچنین به علت سقوط صدام، کسب و کار در مناطق زیارتی رونق گرفت؛

در نتیجه میزان نقدینگی جامعه، نسبتاً زیاد شد که منجر به افزایش قیمت‌ها و تورم گردید. در واقع افزایش پول در دست مردم، کمکی اساسی به آنها نکرد؛ زیرا از یک سو قیمت‌ها افزایش یافت و از سوی دیگر، مردم عراق به تهیه اقلام غیرضروری علاقه‌مند شدند؛ وسایلی چون اتومبیل، ماهواره، لباس‌های مد روز و ... که نشان از ترویج آرام مصرف‌گرایی دارد.

**ده - اشغالگران:** در نظر مردم عراق، این آمریکایی‌ها هستند که کشورشان را اشغال کرده‌اند و دیگر کشورهای اشغالگر، چندان مورد توجه مردم نیستند. این امر می‌تواند از دلایل زیر نشأت گرفته باشد:

بیشترین حضور نظامی در عراق از آن ایالات متحده بوده و از طرفی هم مدتی اداره کشور به دست آنها بوده است؛ همچنین رهبری اشغالگران نیز با آمریکاست و دیگر کشورهای حاضر در عراق، متحدان او به حساب می‌آیند. بنا به گفته مردم عراق، زندگی در عراق قبل و بعد از اشغال از لحاظ امنیت، نقش دادن به مردم در زندگی اجتماعی، معیشت و رفاه زندگی، تغییر چندانی نداشته است. حتی آزادی نیز به معنای واقعی وجود ندارد؛ چراکه امروزه نیز عراقی‌ها نمی‌توانند از اتومبیل‌های نظامی آمریکایی سبقت بگیرند، تنها تفاوت موجود، رهایی از دست صدام است.

البته برخی روشنفکران عراق، حضور آمریکا را فرصتی مناسب برای استفاده از پیشرفت‌های آنها قلمداد می‌کنند. برخی دیگر از مردم، به‌ویژه جوانان، علاقه‌مندان به حزب بعث و نیز برخی از روحانیون، با حضور نیروهای بیگانه در خاکشان مخالف‌اند و مبارزاتی را نیز در این راستا انجام می‌دهند. بسیاری از بزرگان سیاسی، علمی و دینی عراق، آمریکا را

به عنوان دوست واقعی خود نمی‌شناسند، اما به هر حال، آن را منجی خود از دست صدام دانسته و معتقدند که آمریکا باید دستمزد خود را از این کار مهم دریافت کند و تا وقتی که کشور امن نباشد، آمریکا بهانه خوبی برای حضور بیشتر و سود بیشتر دارد.

دید دانشجویان عراقی نسبت به اشغالگران نیز به سه دسته تقسیم می‌شود؛ برخی مخالف حضور آمریکایی‌ها در عراق هستند؛ تعداد این افراد چندان زیاد نیست. تعدادی دیگر از آمریکایی‌ها راضی و خشنود هستند و آنها را ناجیانی می‌دانند که ایشان را با نجات از دست صدام، در راه پیشرفت کشورشان کمک نیز خواهند کرد؛ تعداد این افراد نیز بسیار کم است. دسته سوم که تعدادشان زیاد است، به آمریکا دید خوبی ندارند، ولی از آنجا که ایشان را از دست صدام نجات داده، خوشحال هستند و ضمن اینکه آنها را غارتگر می‌دانند، حضور در عراق را نیز از حقوق آنها می‌پندارند.<sup>۱</sup>

## ب) خانواده

زوج‌ها به دو طریق می‌توانند زندگی خود را آغاز کنند: همراه با خانواده شوهر و تشکیل خانواده گسترده یا به صورت یک خانواده هسته‌ای. در حال حاضر، با توجه به مشکلات اقتصادی، خانواده‌های عراقی بیشتر تمایل دارند در خانواده‌های گسترده زندگی کنند. خانواده گسترده، شامل پدر و مادر، فرزندان پسر به همراه همسر و خانواده‌شان و دختران ازدواج نکرده می‌شود. سایر خویشاوندان وابسته نیز، ممکن است بخشی از این جمع

۱. بر اساس مشاهدات نگارنده.

باشند و پیرترین مرد جمع، ریاست را بر عهده دارد. او دارایی‌ها را مدیریت می‌کند و در مورد مسائلی همچون نوع تحصیل فرزندان، اشتغال به کار آنان و اینکه با چه کسی ازدواج می‌کنند، تصمیم‌نهایی را می‌گیرد. در این شیوه زندگی، کارهای خانه و مراقبت از فرزندان، میان تمام اعضای مؤنث بزرگ‌تر خانواده تقسیم می‌شود. زنان، حتی اگر خارج از خانه کار کنند، تمام مسئولیت‌های داخل خانه و مراقبت از فرزندان را نیز بر عهده دارند. بیشتر خانواده‌های عراقی، پرجمعیت هستند.<sup>۱</sup>

جنگ‌های پی‌درپی و اعدام‌های مکرر، نهاد خانواده در عراق را به گونه‌ای حیرت‌انگیز از هم گسیخته است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، حدود ۵۰ درصد از زنان عراقی، نان‌آور خانواده هستند؛<sup>۲</sup> ولی برای حضور در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری تجربه‌ای ندارند؛ بلکه زندگی، ناگزیر آنها را از خانه، به جامعه بزرگ‌تر وارد کرده است. این موضوع باعث شده تا زنان عراقی با فشارهای کشنده روانی و روحی روبه‌رو شوند. از سوی دیگر، نبود سواد و تخصص در زنان عراقی، سبب شده است که آنها به سراغ کارهای دون‌پایه و غیرتخصصی روی آورند.<sup>۳</sup>

نکته دیگری که نباید از یاد برد، تأسیس مؤسساتی از سوی اشغالگران در عراق است که در مورد زنان فعالیت می‌کند؛ این مؤسسات و انجمن‌ها، آزادی زنان را به عنوان یک شعار مطرح می‌کنند و از طریق آن، وارد

۱. دایرةالمعارف فرهنگ و ملل (The encyclopedia of countries and culture)، بی‌نام، ص ۱۵.

۲. برای آمار کشته‌شدگان عراقی پس از حمله آمریکا به منبع ذیل رجوع کنید:

جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلتیک، محمدحسین نامی و علی محمدپور، صص ۳۵ و ۳۶.

۳. تاریخ نوین عراق، ص ۴۴۴.

طرح‌هایی برای کنار گذاشتن ارزش‌های اسلامی شده‌اند. در این زمینه و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، بحث‌های تندی مطرح و به مسائلی مانند حجاب، منع تعدد همسر برای مردان، حق زنان برای طلاق گرفتن مانند مردان و ... پرداخته شده است. از دیدگاه آنها، عراق دروازه‌ای است که طرح مورد نظر آنان از طریق آن، وارد منطقه خاورمیانه می‌شود.<sup>۱</sup>

### ج) رسانه‌ها

رسانه‌های عراق بعد از فروپاشی صدام، وارد دوره رونق شده‌اند؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ روزنامه، بیش از ۱۰۰ شبکه ماهواره‌ای و ۱۵ شبکه رادیویی از سوی گروه‌های مختلف فکری و سیاسی در عراق فعال‌اند. برخی از روزنامه‌های توزیع‌شده در عراق، روزنامه‌های بین‌المللی هستند که در بغداد نیز چاپ می‌شوند و برخی دیگر، روزنامه‌های عراقی هستند که از سوی احزاب، سازمان‌های مختلف غیردولتی و دولت منتشر می‌شوند.

شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای نیز وابسته به سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی، احزاب، و ارگان‌های مختلف هستند. همچنین شبکه‌هایی با رویکرد خدماتی و تربیتی نیز در عراق راه‌اندازی شده‌اند، ولی دفتر مرکزی بخشی از این شبکه‌ها در خارج از عراق است که می‌توان به شبکه البغداده اشاره کرد که دفتر آن در قاهره است.<sup>۲</sup>

۱. اشغال عراق توسط آمریکا، پیامدها و نتایج طرح خاورمیانه بزرگ، محمدصادق الهاشمی، ص ۱۰۷.  
 ۲. «عراق: موانع، پیشرفت‌ها و چشم‌اندازها»، عدید داویشا؛ سامان سیاسی در عراق جدید، امیر محمدحاجی یوسفی و احمد سلطانی‌نژاد، ص ۲۹۵.

**(د) بهداشت**

مردم عراق در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، از وضعیت بهداشتی و معیشتی بسیار نامطلوبی برخوردار هستند. جنگ و فروپاشی تأسیسات زیربنایی عراق، تهدیدات بهداشتی را تشدید کرده، به شبکه‌های فاضلاب آسیب رسانده و منابع آب پاکیزه را مختل ساخته است. ضعف بهداشت در عراق ناشی از چند دلیل است: اولاً، عراق کشوری است که سال‌های بسیاری را تحت حاکمیت دیکتاتوری صدام و در تحریم شدید به سر می‌برده است. بی‌توجهی صدام به امر بهداشت، زیرساخت‌های بهداشتی این کشور را تضعیف کرده است. ثانیاً، جنگ و اشغال این کشور، به تخریب بیشتر زیربناهای بهداشتی منجر شده و ناامنی را تشدید کرده است، به طوری که این امر، مانع فرصت‌های سرمایه‌گذاری دولتی شده است. در نهایت همین ناامنی و نبود زیرساخت‌های لازم، به قطعی مداوم برق، آلودگی آب، معماری کهنه و بافت فرسوده دامن زده و از رشد فرهنگ در امر بهداشت نیز ممانعت به عمل آورده است. این مسئله موجب شده که شهرهایی چون نجف و کربلا، ظرفیت پذیرایی از تعداد زیاد زائر را نداشته باشند و حضور مستمر زائران سبب می‌شود که مدیریت بهداشت شهرها مشکل شود. همچنین گستردگی فقر در خانواده‌های عراقی، تعداد زیاد فرزندان و نداشتن سطح آگاهی کافی، موجب می‌شود که بهداشت و درمان در خانواده‌های عراقی، جدی گرفته نشود.<sup>۱</sup>

دسترسی به آب بهداشتی و سالم در عراق، یکی از مشکلات جدی

۱. جغرافیای کشور عراق، صص ۶۶ - ۶۹.

است. بر همین اساس است که به مسافران و زائران توصیه می‌شود، به هیچ عنوان از آب‌های غیرمعدنی و بسته‌بندی نشده استفاده نکنند. اسهال خونی و حصبه که از طریق آب و غذای آلوده شیوع پیدا می‌کند، در حال تبدیل به یک مشکل جدی برای کودکان است.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، عراق کشوری است که بیشترین مرگ و میر نوزادان را دارد. میزان مرگ و میر نوزادان در عراق، ۴۱ نوزاد در هر هزار تولد است. همچنین تحریم‌های اقتصادی، باعث مرگ بیش از ۵۰۰/۰۰۰ کودک شده است.<sup>۲</sup>

با کاهش شاخص‌های بهداشتی در اثر جنگ، تحریم، اثرات کاربرد سلاح‌های شیمیایی به دست صدام و استفاده نیروهای آمریکایی از بمب‌های حاوی اورانیوم ضعیف‌شده، زنان عراقی - به‌ویژه در مناطق جنوبی - دچار بیماری‌های جسمی و روانی مانند سرطان، کم‌خونی، شب‌کورگی و سوءتغذیه شده‌اند. بیماری‌های روانی و عصبی نظیر افسردگی، اضطراب و اسکیزوفرنی و مشابه آنها، در میان زنان و دختران شیوع یافته است. از هر ۱۰۰۰ تولد، ۳۷ مادر در هنگام زایمان می‌میرند (این رقم در جهان ۲۱ نفر است).

فرار کارکنان سیستم درمانی عراق، به تندرستی مردم عراق آسیب فراوانی زده است. بر اساس اطلاعات صلیب سرخ جهانی، در سال ۱۹۹۰ میلادی، تعداد ۳۴۰۰۰ نفر پزشک در عراق مشغول به کار بوده‌اند.

۱. وب‌سایت عراق، پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران به تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

<http://www.irteb.com>

۲. اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی.



در سال ۲۰۰۸ میلادی، تعداد آنان به ۱۶۰۰۰ نفر رسید. بر اساس نظر صلیب سرخ جهانی در بیشتر کشورهای جهان، در کنار هر پزشک، سه پرستار کار می‌کنند؛ ولی در عراق، هم‌اکنون تعداد پرستاران ۱۷۰۰۰ نفر است که این تعداد کمی بیشتر از تعداد پزشکان است.<sup>۱</sup>

## ۲. وضعیت سیاسی

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین وجه یک کشور، وضعیت سیاسی آن است. در واقع این ویژگی‌ها و تحولات سیاسی یک کشور است که نمایانگر وضعیت کلی آن به دیگر کشورهاست. از سویی، مهم‌ترین معیار در تحلیل نهایی یک کشور، توجه به وضعیت و ویژگی‌های سیاسی آن است. اما شناخت امر سیاسی، خود مستلزم توجه به ابعاد گوناگون است. آنچه اکنون کشور عراق از آن برخوردار شده، حاصل انباشت طولانی‌مدت میراث تاریخی آن است.

### الف) پیشینه سیاسی

از لحاظ جغرافیایی، عراق کنونی که در منطقه میان دو رود دجله و فرات واقع شده است، جایگاه تاریخی تمدن خاورمیانه بوده است. در این منطقه، «سومری»ها زندگی می‌کردند که شامل گروه‌های مختلف قومی و زبانی بودند و امرار معاش ایشان از طریق شبنانی و کشاورزی صورت می‌گرفت. این گروه که به دوره چهارهزار سال قبل از میلاد مسیح تعلق داشتند، از لحاظ سیاسی، تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت‌سر

۱. اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی.

گذاشتند. می توان مهاجرت «آکاد» های آواره سامی به این منطقه را (حدود ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد) نقطه عطفی در تاریخ عراق به حساب آورد. شهر بابل به عنوان مرکز حکومت جدید این گروه، به مدت دو هزار سال دوام آورد تا در نهایت به دست کوروش، پادشاه ایرانی سقوط کرده و هزار سال بعدی را تحت سیطره تمدن ایرانی به سر بردند.<sup>۱</sup>

در دوره پس از اسلام نیز این سرزمین با ناملایمات فراوانی روبه رو شد. پس از ضعف امپراتوری ایرانی بر اثر جنگ های طولانی با رومی ها و به دلیل قدرت جاذبه ارزش های مطلوب اسلامی از یکسو و فساد نظام اداری و دستگاه حاکم ایرانی از سوی دیگر، اعراب مسلمان توانستند امپراتوری ایران را شکست داده و وارد این سرزمین شوند. در دوره حاکمیت اسلام، بین النهرین به سرزمینی مورد اختلاف میان امویان و عباسیان و بعدها عثمانیان و ایرانیان تبدیل شد. پس از مرگ عثمان و شهادت امیر المؤمنین علیه السلام، با قدرت یابی معاویه و گسترش حوزه نفوذش به سمت سوریه و عراق، این منطقه در اختیار امویان قرار گرفت. اما پس از امویان، مروانیان بر این منطقه حاکم شدند و در نهایت با پیروزی عباسیان، بنیان حاکمیت این سرزمین در اختیار ایشان قرار گرفت. با حمله مغولان در سال ۶۳۷ قمری، حکومت عباسیان برچیده شد و این منطقه به صحنه کشمکش چهارصد ساله میان دو امپراتوری ایرانی و عثمانی تبدیل گشت. سرانجام در سال ۹۱۱ قمری، این منطقه به تصرف عثمانیان در آمد، گرچه بعدها با به قدرت رسیدن شاه عباس، برای مدت

---

۱. عراق ساختارها و فرایند گرایش های سیاسی، حسین سیف زاده، صص ۲۷ - ۳۰.

کوتاهی این سرزمین به ایران بازگشت، اما عثمانیان باز آن را تسخیر کردند. این تضادها سبب شد تا شیعیان این منطقه، در پی اختلاف‌های مذهبی، از قدرت‌یابی محروم شوند. ولی سرانجام نبود تسلط کامل عثمانی بر این منطقه و قبیله‌گرایی حاکم در نظام عثمانی، موجبات نفوذ غریبان و به‌ویژه انگلستان را فراهم کرد.<sup>۱</sup>

با این توصیفات، عراق به صورت یک کشور و از لحاظ نظریه‌های جدید سیاسی، کشوری است که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و به تدبیر سیاسی - نظامی انگلستان، از به هم پیوستن سه استان بصره، بغداد و موصل تأسیس شد.<sup>۲</sup> پس از تضعیف و رو به نابودی نهادن امپراتوری عثمانی، زمینه نفوذ انگلستان در منطقه بین‌النهرین فراهم شد. انگلیسی‌ها که در سال ۱۱۸۱ ه. ق موفق به تأسیس کنسولگری در بغداد شده بودند، با دامن زدن به مسائل قومیتی، نغمه جدایی‌طلبی عراق از عثمانی را کوک کردند و سرانجام موفق شدند عراق را تحت قیمومیت خود درآورند.<sup>۳</sup>

پس از جدایی از عثمانی و قیمومیت بریتانیا بر عراق در دهه ۱۹۲۰ میلادی، اولین دولت تحت قیمومیت، با ده وزیر تشکیل شد. البته این تشکیلات کاملاً صوری بود و تسلط انگلیس بر عراق بر کسی پوشیده نبود. با وجود اینکه بیشتر مردم این کشور شیعه بودند، در این کابینه، تنها

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، شمس‌الله مریجی، صص ۲۴ و ۲۵.

۲. جغرافیای جهان اسلام، غلامرضا گلی زواره، صص ۲۰۳.

۳. عراق ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، صص ۲۷ - ۳۲.

یک وزیر شیعه عضویت داشت، در حالی که هشت سنی و یک یهودی، اعضای دولت بودند و از کردها کسی در کابینه حضور نداشت.<sup>۱</sup>

بر اثر مبارزات مردم مسلمان عراق به رهبری علمای شیعه، وقتی انگلیسی‌ها مشاهده کردند در تصرف و استعمار مستقیم عراق کاری از پیش نخواهند برد، با آوردن ملک فیصل، پادشاهی جدیدی در این کشور پی‌ریزی کردند و بدین‌گونه، عراق کشوری پادشاهی شد و در سوم اکتبر سال ۱۹۳۲ میلادی، از سوی مجمع ملل متحد به رسمیت شناخته شد. پس از ملک فیصل، پادشاهی به فرزندش ملک غازی و پس از او به فرزند خردسالش، ملک فیصل دوم رسید که به دلیل کم‌سالی او، «عبدالله» (دایی او) و «نوری السعید» (نخست وزیر عراق) کشور را اداره کردند تا سرانجام در ۱۴ جولای ۱۹۵۸ میلادی، یکی از افسران ارتش عراق به نام «عبدالکریم قاسم» با کودتای نظامی، سیستم پادشاهی را نابود و نظام جمهوری را اعلام کرد. عبدالکریم قاسم نیز پس از سه سال به دست ژنرالی دیگر به نام عبدالسلام عارف برکنار شد. عبدالسلام نیز در اثر سقوط بالگرد درگذشت و پس از او، برادرش عبدالرحمن عارف به قدرت رسید؛ اما در ۱۷ جولای ۱۹۶۸ میلادی، حزب بعث توانست با کودتا، حکومت را در دست بگیرد. با تصویب قانون اساسی جدید، احمد حسن البکر، رئیس جمهور عراق شد؛ ولی پس از چندی، قدرت به دست معاونش صدام افتاد.<sup>۲</sup>

۱. الشیعه و الدولة القومية فی العراق، حسن العلوی، صص ۱۷۳ - ۱۸۱.

۲. راهنمای اماکن سیاحتی زیارتی عراق، احسان مقدس، صص ۲۶.

پس از یک دوره طولانی حکومت، همراه با ظلم و تحمیل جنگ نظامی به مردم ایران و کویت و کشتار وسیع مردم عراق، با حمله آمریکا به عراق، به بهانه حاکم کردن دموکراسی و پاسداری از صلح جهانی در ۲۹ اسفند ۱۳۸۱ ه.ش، طومار حزب بعث در هم پیچیده شد. صدام در شامگاه روز شنبه، ۲۲ آذرماه ۱۳۸۲ ه.ش، در شهرک «الدوره»، در نزدیکی تکریت دستگیر و در ۹ دی ۱۳۸۵ در صبح روز عید قربان، به دار آویخته شد.<sup>۱</sup>

### ب) نوع و ساختار حکومت

بر اساس قانون اساسی جدید عراق، این کشور دارای نظام جمهوری دموکراتیک فدرال<sup>۲</sup> است و نظام حکومتی آن پارلمانی است.<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که کردستان عراق، یک منطقه خودگردان در شمال عراق است که شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه و دهوک می‌شود. کردستان خودمختار، دارای مجلس و ریاست جمهوری است و رئیس جمهور آن در حال حاضر مسعود بارزانی است.<sup>۴</sup>

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۳۰۹.

۲. نظام فدرال، نظامی است که از اتحاد چند ایالت خودمختار تشکیل می‌شود که بر اساس قانون اساسی در امور داخلی مستقل هستند، اما در امور خارجی و مواردی که قانون اساسی معین کرده، تابع حکومت مرکزی هستند. این نوع سیستم حکومتی، در برخی کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا، آلمان، کانادا، استرالیا و ... حاکم است. رک: فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی و مینو افشاری‌راد، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۳. جغرافیای کشور عراق، ص ۲۵۱.

۴. اطلاعات کشور عراق در سایت دایرةالمعارف ویکی پدیا در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

<http://fa.wikipedia.org>

## یک - قانون اساسی

دولت موقت در ژوئن ۲۰۰۴، اداره امور عراق را به دست گرفت و دولت انتقالی عراق با برگزاری انتخابات و تشکیل مجمع ملی انتقالی در ژانویه ۲۰۰۵ شکل گرفت. این دولت با تدوین پیش‌نویس قانون اساسی، آن را در اکتبر ۲۰۰۵ به همه‌پرسی عمومی گذاشت که این قانون با کسب حداکثر آرای مردم، به تصویب رسید.<sup>۱</sup> گرچه دولت در عمل برگزارکننده انتخابات بود، اما کمیته‌ای ویژه به نام «کمیساریای عالی انتخابات» به طور مستقیم این کار را دنبال می‌کرد. به گفته ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر وقت عراق، به جهت سرعت بخشیدن به انجام مأموریت، کمیته دیگری به نام «کمیته حمایت قانون اساسی» با حضور هشت وزیر زن و مرد تشکیل شد. این کمیته، زیر نظر مستقیم جعفری و با ریاست نماینده وی، یعنی صفاءالدین صافی، وزیر مشاور در امور مجمع ملی، انجام وظیفه می‌کرد.<sup>۲</sup>

با وجود مانع تراشی‌ها و سنگ‌اندازی‌هایی که به منظور شکست پروژه دولت‌سازی و ملت‌سازی انجام می‌گرفت، ابراهیم جعفری توانست با اتکا به پشتوانه مردمی و جذب مشارکت حداکثری آنها در انتخابات، تمامی موانع را پشت سر گذاشته و انتخابات را در زمان مقرر برگزار کند. مسئله‌سازی بر سر راه انتخابات، آن قدر زیاد شد که مرجعیت دینی، چاره‌ای جز ورود به صحنه انتخابات ندید و با نفوذی که در میان مردم

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۳۳۴.

۲. تجربه حکومت، ابراهیم جعفری، ص ۸۷.

داشت، آنها را به شرکت در انتخابات تشویق و مصمم کرد. نکته مهم آن است که ابراهیم جعفری، نخست وزیر وقت، از این حرکت مرجعیت حمایت کرده و با تمایز نهادن میان عملکرد گروه دیگری از روحانیت که بر طبل تفرقه و فتنه‌انگیزی می‌کوبید، در عمل سیاست و دیانت را در راستای یکدیگر تعریف کرد. از نظر جعفری، مرجعیت نقش نظارتی و مناسبی ایفا می‌کرد و مردم نیز به صورت هماهنگ، دعوت مرجعیت را اجابت کردند.<sup>۱</sup>

سرانجام قانون اساسی عراق در اکتبر ۲۰۰۵ مشتمل بر ۱۳۹ ماده و در شش بخش به تصویب رسید؛ بخش اول: اصول اساسی؛ بخش دوم: حقوق و آزادی‌ها؛ بخش سوم: قوای حکومت فدرال؛ بخش چهارم: وظایف و اختیارات دولت فدرال؛ بخش پنجم: وظایف و اختیارات مقامات مناطق و بخش ششم: احکام پایانی و انتقالی.<sup>۲</sup>

## دو- قوای سه‌گانه

قوای حکومت فدرال شامل قوه مقننه، مجریه و قضائیه است که هر یک از آنها بر اساس تفکیک وظایف بین قوا، مأموریت‌های خود را انجام می‌دهند. اول - قوه مجریه: بر اساس قانون اساسی، دولت عراق، متشکل از یک دولت مرکزی در بغداد و ایالت‌ها و واحدهای فدرال است. در حال حاضر تنها یک دولت فدرال گرد در شمال عراق حاکمیت دارد. وظایف

۱. تجربه حکومت، ابراهیم جعفری، صص ۹۱ و ۹۲.

۲. برگرفته شده از سایت مجلس نواب عراق در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

<http://parliament.iq/Iraqi>

و حاکمیت دولت، بین دولت مرکزی و واحدهای فدرال تقسیم می‌شود و تشکیل واحدهای فدرال، بر اساس نظرات اعمالی مردم استان‌ها و از طریق انتخابات صورت می‌گیرد. مقامات فدرال، حافظ وحدت، یکپارچگی، استقلال و حاکمیت نظام عراق هستند.<sup>۱</sup>

قوه مجریه از رئیس جمهور و شورای وزیران تشکیل شده است. رئیس جمهور، رئیس کشور و نماد وحدت ملی و حاکمیت کشور است. مجلس نمایندگان از میان نامزدهای ریاست جمهوری، با اکثریت دو سوم آرا، رئیس جمهور را انتخاب می‌کند. دوران ریاست جمهوری، چهار سال خواهد بود و رئیس جمهور می‌تواند برای بار دوم نیز نامزد شده و انتخاب شود. رئیس جمهور، نامزد ائتلافی را که در مجلس دارای اکثریت است، به تشکیل شورای وزیران مکلف می‌کند. نخست وزیر، مکلف است کابینه خود را ظرف حداکثر سی روز از تاریخ ابلاغ معرفی کند. نخست وزیر، اسامی وزرا و برنامه‌ها را به مجلس ارائه می‌کند و در صورت موافقت مجلس با تک تک وزرا و برنامه‌هایشان، با اکثریت مطلق آرا، کابینه رأی اعتماد می‌گیرد.

نخست وزیر، مسئول اجرای مستقیم سیاست‌های کلی دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است و اداره شورای وزیران و ریاست نشست‌ها را بر عهده دارد و حق دارد با موافقت نمایندگان مجلس، وزرا را بر کنار کند.<sup>۲</sup> به دلیل تنوع قومی و مذهبی و مشارکت نمایندگان تمام

۱. بخش سوم قانون اساسی عراق به نام قوای حکومت فدرال، به نقل از: جغرافیای کشور عراق، صص ۲۵۱ - ۲۵۹.

۲. ماده ۶۴ تا ۸۴ قانون اساسی عراق، همان، صص ۲۵۹ - ۲۶۶.



گروه‌ها در پارلمان، پست‌های سیاسی حکومت و هیئت دولت، بین احزاب و گروه‌های مختلف، طبق میزان نمایندگان آنها تقسیم می‌شود. در حال حاضر، نخست وزیر، شیعه، رئیس جمهور، کرد و رئیس مجلس در عراق، سنی مذهب هستند.<sup>۱</sup>

بر اساس قانون اساسی عراق، مهم‌ترین وظایف و اختیارات انحصاری مقامات فدرال عبارت است از:

۱. ترسیم سیاست خارجی، مذاکره درباره معاهدات بین‌المللی، سیاست‌های دریافت وام و ...؛

۲. ترسیم سیاست امنیت ملی و اجرای آن، از جمله تشکیل نیروهای مسلح، اداره آن و تأمین امنیت مرزهای عراق؛

۳. ترسیم سیاست مالی و گمرکی و انتشار اسکناس.

بر اساس قانون اساسی عراق، مهم‌ترین وظایف و اختیارات مشترک مقامات فدرال و مقامات مناطق به شرح ذیل است:

۱. اداره گمرکات؛

۲. سازماندهی منابع اصلی آب و برق و توزیع عادلانه آنها؛

۳. ترسیم سیاست‌های توسعه و برنامه‌های کلی؛

۴. ترسیم سیاست‌های بهداشتی؛

۵. ترسیم سیاست کل آموزش و تربیت.

هر آنچه که در وظایف و اختیارات انحصاری مقامات فدرال تصریح نشده است، در حیطه اختیارات مناطق و استان‌های سازماندهی شده هر

۱. بخش سوم قانون اساسی عراق به نام قوای حکومت فدرال، همان، صص ۲۵۱-۲۵۹.

منطقه است و اختیارات دیگر بین دولت فدرال و مناطق، مشترک است و در صورت وقوع اختلاف، اولویت با قانون منطقه است.<sup>۱</sup>

دوم - قوه مقننه: قوه مقننه، از دو نهاد «مجلس نمایندگان» و «شورای مناطق و استان‌ها» تشکیل شده است.

• مجلس نمایندگان: در مجلس نمایندگان برای هر یکصد هزار نفر، یک نماینده در نظر گرفته شده است که انتخاب آنان از طریق برگزاری انتخابات عمومی و مستقیم صورت می‌گیرد. همچنین زنان، حداقل یک چهارم اعضای مجلس مجمع ملی را تشکیل می‌دهند. مدت زمان دوران نمایندگی مجلس، چهار سال است. مهم‌ترین وظایف مجلس نمایندگان عبارت است از: وضع قوانین فدرالیسم، نظارت بر عملکرد قوه مجریه، تصویب معاهدات بین‌المللی، انتخاب و استیضاح رئیس جمهور و ...

• شورای فدرال: طبق قانون اساسی، تشکیل شورای قانون‌گذاری موسوم به «شورای فدرال»، متشکل از نمایندگان مناطق و استان‌ها و شروط عضویت و وظایف آن، در قانونی که به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس می‌رسد، مشخص می‌شود.<sup>۲</sup>

سوم - قوه قضائیه: قوه قضائیه فدرال، از شورای عالی قضاوت، دیوان عالی فدرال، دادگاه تشخیص فدرال، دادستانی، سازمان نظارت قضایی و دیگر دادگاه‌های فدرال که طبق قانون سازماندهی می‌شود، تشکیل شده است.

• شورای عالی قضایی: شورای عالی قضایی، دارای اختیارات زیر است:

۱. بخش چهارم قانون اساسی عراق به نام وظایف و اختیارات مقامات فدرال، همان، صص ۲۷۲-۲۷۴.

۲. ماده ۴۷ الی ماده ۶۳ قانون اساسی عراق، همان، صص ۲۵۱ - ۲۵۹.

۱. اداره امور قضایی و نظارت بر بخش قضایی فدرال؛
  ۲. انتخاب رئیس و اعضای دادگاه تشخیص فدرال، رئیس دادستانی و رئیس سازمان عالی نظارت قضایی؛
  ۳. پیشنهاد طرح بودجه سالیانه قوه قضاییه فدرال و ارائه آن به مجلس نمایندگان برای موافقت با آنها.
- دیوان عالی فدرال: دیوان عالی فدرال، از تعدادی قاضی، کارشناسان فقه اسلامی و کارشناسان حقوقی تشکیل می‌شود که تعداد، روش انتخاب آنها و فعالیت دادگاه بر اساس قانونی است که با اکثریت دو سوم اعضای مجلس نمایندگان تدوین می‌شود. وظایف دیوان عالی فدرال به شرح ذیل است:
۱. نظارت بر انطباق قوانین و نظام‌های اجرایی با قانون اساسی؛
  ۲. تفسیر متون قانون اساسی؛
  ۳. داوری در مسائلی که ناشی از اجرای قوانین فدرال، تصمیمات و اقدامات دولت مرکزی است؛
  ۴. داوری در اختلافاتی که بین دولت فدرال و حکومت‌های منطقه‌ای، استان‌ها، شهرها و شوراها رخ می‌دهد؛
  ۵. حل و فصل مناقشات میان حکومت‌های منطقه‌ای و استان‌ها؛
  ۶. داوری در اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزرا؛
  ۷. تأیید نتایج نهایی انتخابات عمومی نمایندگان مجلس؛
  ۸. داوری در اختلافات سازمان‌های قضایی فدرال و سازمان‌های قضایی مناطق و استان‌های خارج از مناطق؛

۹. داوری در مناقشات و اختلافات سازمان‌های قضایی اقلیم‌ها و

استان‌های خارج از زیرمجموعه مناطق.<sup>۱</sup>

### سه - تقسیمات کشوری

عراق از نظر تقسیمات کشوری، شامل ۱۸ استان می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- بغداد؛ ۲- صلاح‌الدین؛ ۳- دیاله؛ ۴- واسط؛ ۵- میسان؛ ۶- بصره؛ ۷- ذی‌قار؛ ۸- مثنی؛ ۹- قادسیه؛ ۱۰- بابل؛ ۱۱- کربلا؛ ۱۲- نجف؛ ۱۳- الانبار؛ ۱۴- نینوا؛ ۱۵- دهوک؛ ۱۶- اربیل؛ ۱۷- کرکوک؛ ۱۸- سلیمانیه.<sup>۲</sup>

### ج) احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی

از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی، عراق دارای دو شکاف عمده «عرب - کرد» و «شیعه - سنی» است. از میان این دو شکاف، سه گروه عمده اجتماعی نمایان می‌شوند: کردهای سنی، عرب‌های شیعه و عرب‌های سنی. در ادامه به بررسی این گروه‌های عمده می‌پردازیم.

### یک - احزاب کرد

بر اساس اسناد تاریخی، کردها در هزاره سوم قبل از میلاد، در کردستان فعلی عراق ساکن شدند. زبان ایشان آریایی و از خانواده زبان‌های ایرانی است.<sup>۳</sup>

این گروه، بیشتر در مناطق کوهستانی شمال و شرق و در استان‌های

۱. ماده ۸۵ الی ماده ۹۹ از قانون اساسی عراق، همان، صص ۲۶۶ - ۲۷۰.

۲. پایگاه اینترنتی وزارت خارجه جمهوری عراق به آدرس: <http://www.mofa.gov.iq>

۳. تاریخ کرد و کردستان، صدیق صفی‌زاده، صص ۴۰ - ۴۲.

سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک مستقر شده‌اند. پیوند و وابستگی میان کردها، مبتنی بر نظام قبیله‌گی است. به دلیل سیاست‌های غلط و سرکوب‌گرانه حکومت‌های پیشین، کردها همیشه بر جدایی فرهنگ سیاسی خود از فرهنگ ملی عراق اصرار ورزیده و این مسئله را با پیوند دادن با وحدت زبان کردی، تقویت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

به طور کلی، کردها دارای سه حزب بزرگ هستند:

اول - حزب اتحاد میهنی کردستان که شامل اهالی کرکوک تا خانقین شده و بیشتر آنها شیعی مذهب هستند.

دوم - حزب دموکرات کردستان عراق.

سوم - حزب کمونیست که متشکل از گروهی از کردهای شمال کردستان عراق است.<sup>۲</sup>

مهم‌ترین حزب کردها، حزب دموکرات است که شامل کردهای شمال و شرق می‌شود. این حزب در اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی، از سوی عده‌ای از کردهای تحصیل‌کرده و مبتنی بر ناسیونالیسم قومی شکل گرفت. ریشه‌های شکل‌گیری این حزب به کشتار مردم کرد در سال ۱۹۳۰ میلادی در سلیمانیه باز می‌گردد. پس از ملک فیصل، ثبات دولت‌ها متزلزل شد و کردها در پی کسب حقوق خود به اعتراض و شورش روی آوردند. مهم‌ترین این اعتراضات، مربوط به شیخ احمد بارزانی در سال

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۶. برای مطالعه بیشتر در مورد کردهای عراق به منبع ذیل رجوع کنید:

هادی البس، «خواستار کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق» در سامان سیاسی در عراق جدید، امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی‌نژاد، صص ۲۰۱ - ۲۲۶.

۱۹۳۲ میلادی و شورش ملامصطفی بارزانی در سال ۱۹۴۳ میلادی می‌شود. با وجود این تحركات، فقر و مشکلات اقتصادی از یک سو و فشارهای سیاسی حکومت از سوی دیگر، کردهای عراق را رها نکرد؛ از این رو به پیشنهاد ملامصطفی، حزب مستقلی در برابر احزاب کمونیست آن زمان به نام «حزب دموکرات» تشکیل شد. این حزب، برنامه‌های خود را در قالبی ملی و در پیوند با عراق تدوین کرد و بر آزادی مردم تأکید داشت؛ ولی نتوانست مناسبات اجتماعی و اقتصادی را وارد برنامه‌های خود کند؛ شاید به دلیل آنکه از رنجش مالکان و رؤسای قبایلی می‌ترسید که حاضر به امتیازدهی نبودند. در ۱۹۵۳ میلادی این حزب با پیشرفت‌هایی که داشت، نام خود را به «حزب دموکرات کردستان عراق» تغییر داد و با این کار، حوزه ناسیونالیستی خود را به سرتاسر عراق گسترش داد.<sup>۱</sup>

مهم‌ترین دستاورد حزب دموکرات، موافقت‌نامه‌ای بود که در بعد سیاسی میان کردها و دولت، در مارس ۱۹۷۰ میلادی به امضا رسید. بر اساس این موافقت‌نامه، کردها در برابر تحویل سلاح‌های سنگین و ایستگاه رادیویی خود به دولت، امتیازات زیادی را به دست آوردند؛ از جمله توانستند زبان کردی را به عنوان دومین زبان رسمی عراق به ثبت برسانند و از این طریق، حق ترویج و گسترش آموزش و فرهنگ کردی در مناطق کردنشین را به دست آورند. همچنین دولت موظف شد تا در مناطق کردنشین، از مأموران کردزبان در ادارها استفاده کند و حق تأسیس سازمان‌های مدنی مانند تشکل‌های دانشجویی، جوانان و زنان

برای کردها را به رسمیت بشناسد. از دستاوردهای دیگر، استقلال مناطق کردنشین در قالبی خودگردان و تخصیص بودجه‌ای مشخص برای این منطقه از سوی دولت بود. همچنین حق مشارکت مؤثر کردها در امور سیاسی کشور و کسب مقامات عالی کابینه و ارتش، برای کردها به رسمیت شناخته شد؛ به‌ویژه اینکه پست معاونت ریاست جمهوری نیز به کردها واگذار شد.<sup>۱</sup>

امروزه کردها در ساختار سیاسی عراق بسیار فعال ظاهر شده و دارای یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های سیاسی این کشور یعنی «ائتلاف کردستان» هستند. این ائتلاف از دو حزب اصلی کردهای عراق یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان تشکیل می‌شود. اتحادیه میهنی، از سوی جلال طالبانی که هم‌اکنون رئیس جمهور عراق است، رهبری می‌شود و در سلیمانیه متمرکز است. حزب دموکرات کردستان، از سوی مسعود بارزانی، رئیس دولت کردستان در شمال عراق رهبری می‌شود. احزاب کرد با در دست داشتن بخشی از کرسی‌های مجلس عراق، قسمتی از قدرت مرکزی، به‌ویژه پست ریاست جمهوری را در اختیار دارند و مهم‌تر از آن، با تشکیل دولت نیمه‌خودمختار کرد در شمال عراق، در پی تحکیم فدرالیسم کردی هستند. این احزاب، بیشتر تفکر سکولاریستی دارند و به دنبال کسب خودمختاری کردستان هستند.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ معاصر کرد، دیوید مک داول، ص ۵۱۳.

۲. جغرافیای کشور عراق، صص ۳۷۴ - ۳۸۰.

## دو- احزاب و گروه‌های سنی

در طول تاریخ، اهل سنت عراق بر اساس فقه سیاسی خود و بر اساس قاعده «الحق لمن غلب»، همواره مشروعیت نظام‌های حاکم را پذیرفته و به نحو انفعالی در پی سازگاری و حفظ وضع موجود و تبعیت از حاکمیت بوده‌اند. بنابراین شاهد آن هستیم که احزاب و گروه‌های سیاسی مؤثری از سوی فعالان سنی شکل نگرفته و توده‌ها، بیشتر وارد احزاب غیرمذهبی مثل سوسیالیسم و امثال آن می‌شوند. البته احتمال دیگری هم وجود دارد و آن اینکه این انفعال سیاسی، از آنجا ناشی می‌شود که عالمان سنی، همیشه آرزوی بازگشت خلافت اسلامی و وحدت امت اسلامی را در سر می‌پروراندند و همین امر، خود مانعی بر سر تشکیل چنین گروه‌ها و تشکل‌هایی در میان اهل سنت عراق بوده است.<sup>۱</sup>

به طور کلی در میان گروه‌های سنی عراق، «جبهه توافق عراق» و «جبهه گفتگوی ملی عراق» که متشکل از احزاب مختلف هستند، برجستگی بیشتری دارند و بخشی از کرسی‌های محلی عراق و ریاست آن را به خود اختصاص داده‌اند. جبهه توافق عراق، متشکل از سه حزب عمده سنی، یعنی حزب اسلامی عراق، کنگره اهل عراق و شورای گفتگوی ملی است و ریاست آن را عدنان الدلیمی برعهده دارد. این جبهه در اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی، برای نمایندگی جامعه عرب سنی شکل گرفت. رهبری جبهه گفتگوی ملی عراق نیز بر عهده صالح مطلق است. حزب اسلامی عراق به رهبری ایاد السامرائی نیز یکی از احزاب

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، ص ۴۶.



قدرتمند و بانفوذ سنی در عراق بوده و مشی آن میانه‌روی است.<sup>۱</sup>

### سه - احزاب و گروه‌های شیعی

سابقه تشیع در کشور عراق، بیش از هر کشور دیگر اسلامی است و چه‌بسا به لحاظ قدمت، اصیل‌ترین نوع تشیع از آن عراق باشد. اساساً تشیع در کوفه شکل گرفت و در قرن‌های سوم و چهارم با تشیع قم برابری می‌کرد. در قرون دوم و سوم، تشیع به بغداد گسترش یافت و در شهرهای کربلا، نجف و کاظمین و با حمایتی که آل‌بویه در قرن چهارم از شیعیان کرد، گسترش بیشتری یافت.<sup>۲</sup>

به دنبال جنگ جهانی اول و اشغال عراق از سوی بریتانیا، تحولات عمیقی در ساختار اجتماعی شیعیان این کشور به وقوع پیوست. در سال‌های پایانی حاکمیت عثمانی‌ها بر عراق، در راستای سیاست‌های این دولت در اسکان عشایر که از عهد مدحت پاشا و به شکل جدی پیگیری شد، سرانجام در پایان قرن نوزدهم، بخش عمده‌ای از این قبایل در یک جا ساکن شده و به زندگی روستایی روی آوردند. این مسئله باعث شد تا از سال ۱۹۲۱ میلادی، قبایل کوچ‌نشین به تدریج اهمیت خود را از دست داده و در اقلیت قرار گیرند. این در حالی بود که زندگی یک‌جانشینی و کشاورزی روزه‌روز در حال گسترش بود؛ در حالی که در سال ۱۸۶۷ میلادی، قبایل کوچ‌نشین، ۳۵ درصد جمعیت عراق عثمانی

۱. انتخابات عراق: ضعف نیروهای سنتی و شکل‌گیری ائتلاف‌های نوین، حمید احمدی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مشاهده شده در ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <http://fa.merc.ir/>

۲. تشیع در عراق مرجعیت و ایران، رسول جعفریان، ص ۱.

را تشکیل می‌دادند، در سال ۱۸۹۰ میلادی، این رقم به ۲۵ درصد، در سال ۱۹۰۵ میلادی به ۱۷ درصد و در سال ۱۹۳۰ میلادی به کمتر از یک درصد کاهش یافت. این در حالی بود که جمعیت روستایی از ۴۱ درصد در سال ۱۸۶۷ به ۵۰ درصد در سال ۱۸۹۰ و ۵۹ درصد در سال ۱۹۰۵ افزایش یافت. آمار جمعیت روستایی تا سال ۱۹۳۰ به رقمی معادل ۷۲ درصد رسید.<sup>۱</sup>

به دنبال استقلال عراق از امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت‌های ملی، روند تحول در ساختار جامعه مدنی عراق به گونه دیگری رقم خورد. در دوران پادشاهی و در عصر جمهوری، به تدریج و در نتیجه عوامل مختلف، بخش عمده‌ای از کشاورزان با مهاجرت از زیستگاه‌های طبیعی خود، به شهرهای بزرگ این کشور روی آوردند. از آنجایی که بخش عمده‌ای از این مهاجران را شیعیان تشکیل می‌دادند، این امر منجر به ظهور تحولاتی در میان جامعه شیعی عراق شد.

مهاجرت کشاورزان شیعه به شهرهای بزرگ و به‌ویژه بغداد، باعث تحول و دگرگونی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان از جمعیتی اکثراً روستایی به جمعیتی اکثراً شهری شد. اما با این حال، این مهاجران شیعه بودند که رتبه فقرای محروم و حاشیه‌نشین شهری را ارتقا دادند. آنها بدون داشتن کار مطمئن در حاشیه شهرها زندگی می‌کردند و برای نخستین بار، گروه منظمی از جامعه را تشکیل می‌دادند.

در نتیجه در حالی که در نیمه اول قرن بیستم، بخش عمده‌ای از

۱. دراسات فی السكان و التنمية فی العراق، منصور الراوی، صص ۱۱۸ - ۱۲۰.

شیعیان را کشاورزان فقیر روستایی تشکیل می‌دادند، در نیمه دوم، این گروه به شهرنشینان فقیر و طبقه متوسطی تبدیل شدند که آرمان‌ها و رویاهای جدیدی را دنبال می‌کردند. همچنین با تمرکز حکومت در بغداد ایجاد فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید، به‌ویژه بعد از کسب درآمدهای فزاینده نفتی، به تدریج جمعی از تجار شیعه از شهرهای مقدس نجف و کربلا به بغداد مهاجرت کرده و در پایتخت مستقر شدند. فرزندان این گروه، بعدها ضمن تحصیل در دانشگاه‌های جهان عرب و غرب، طبقه جدیدی را تشکیل دادند که پس از جنگ جهانی دوم، خود را در عرصه سیاسی عراق ظاهر ساختند.

از سوی دیگر، در کنار این تحولات اجتماعی، وقوع حوادث و رخدادهایی در طی قرن بیستم، در عرصه داخل و خارج از عراق، شرایط جدیدی را برای شیعیان این کشور به وجود آورد. وقوع انقلاب مشروطه ایران، رقابت دولت‌های بزرگ اروپایی در اشغال و غارت کشورهای اسلامی، جنگ جهانی اول و اشغال عراق، انقلاب ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم، قدرت‌گیری حزب بعث و پیروزی انقلاب اسلامی ایران از جمله تحولاتی بودند که جامعه شیعی عراق را به شدت متأثر کرد. به نظر می‌رسد که پیامد این تحولات، علاوه بر آنکه جامعه شیعی عراق را از حیث صورت‌بندی اجتماعی متحول و آن را به جامعه‌ای بیشتر شهرنشین تبدیل کرد، در عین حال در استحکام هویت قومی و ورود آن در عرصه فعالیت‌های سیاسی نیز نقش مؤثری داشت.<sup>۱</sup>

۱. فصل‌نامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، «تحول و دگردیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق در

از سوی دیگر، اندیشه سیاسی شیعیان عراق در تقابل با اندیشه سیاسی اهل تسنن قرار داشت. همان طور که گفته شد، تفکر سیاسی اهل سنت، مبتنی بر محافظه‌کاری و سازش با حکومت‌های ظالم زمانه بود. بر خلاف اندیشه سیاسی اهل سنت، اندیشه سیاسی شیعه به دلیل مبنای ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی‌اش، همیشه محمل مناسبی برای شکل‌گیری جریان‌های معارض و مخالف نظام‌های ظالم در طول تاریخ بوده است. در همین راستا حوزه علمیه نجف عراق، در طول تاریخ این کشور و به‌ویژه دهه‌های ابتدایی قرن بیستم، مرکز رهبری جریان‌های معارض حکومت عراق بوده است.

#### د) پیشینه مبارزاتی شیعیان و مرجعیت

در کل عالمان شیعه و توده‌های مردم، به نقش و حضور انگلستان در استقلال عراق با دیده تردید می‌نگریستند و در برابر جنگ انگلیسی‌ها با عثمانی‌ها، به طرفداری از مسلمانان ترک پرداختند. قیام معروف ۱۹۲۰ میلادی عراق، اولین واکنش گسترده مردم عراق علیه سلطه و استعمار غربی بود. نطفه این قیام با تصرف بصره در نخستین سال شروع جنگ جهانی اول بسته شد؛ اما اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷ میلادی و وفا نکردن انگلیس به عهد خود (اعطای استقلال به عراق پس از جنگ جهانی اول) و تحت‌الحمايه کردن عراق طی یک فرماندوم فرمایشی، تثبیت نظام قیمومت انگلیس بر عراق در «کنفرانس سان ریمو»<sup>۱</sup> و به‌ویژه

قرن بیستم»، سجاد دادفر، ش ۳۲، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۱. کنفرانسی از سران کشورهای پیروز در جنگ جهانی اول بود که طی آن قیمومت انگلیس بر عراق و قیمومت فرانسه بر سوریه مورد تأیید قرار گرفت.

فتوای «آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی» مبنی بر اینکه «هیچ کس جز مسلمانان حق ندارد، بر مسلمانان حکومت کند»، زمینه‌های تدریجی قیام پیش‌گفته علیه انگلیس را فراهم کرد.<sup>۱</sup> هدف مردم عراق از قیام علیه بریتانیا، رهایی از سلطه، تحت‌الحمایگی و قیمومت آن کشور بود. به همین جهت، با وجود ستم‌ها و ظلم‌های امپراتوری عثمانی نسبت به عراقی‌ها، هنگامی که بصره به اشغال بریتانیا در آمد، عراقی‌ها در کنار عثمانی‌ها علیه قوای بریتانیا وارد جنگ شدند.

رهبری سلسله قیام‌های دهه دوم قرن بیستم میلادی و قیام ۱۹۲۰ عراق با روحانیت و به‌ویژه با آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان بود؛ زیرا بر اساس فتوای ایشان، مردم در جهاد عمومی علیه بریتانیا در زمان اشغال بصره شرکت کردند<sup>۲</sup> و در پایان جنگ جهانی اول، از شرکت در رفراندوم انگلیسی در تأیید و تثبیت تحت‌الحمایگی عراق خودداری ورزیدند؛ همچنین به دستور معظم‌له، «کمیتة حیدری» مرکب از روحانیون برای هدایت انقلاب مسلحانه ضدانگلیسی تشکیل شد. با فوت وی قیام از سوی مرجع بعدی، یعنی «آیت‌الله فتح‌الله اصفهانی» معروف به «شیخ الشریعه» تداوم یافت.<sup>۳</sup>

قیام‌های مردم عراق که در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ میلادی روی داد، به پیروزی قاطع و آشکاری دست نیافت؛ زیرا جهاد عمومی مردم در سال‌های پس از اشغال بصره، به علت ساز و برگ نظامی برتر

۱. تاریخ اقتصادی سیاسی عراق، علی بیگدلی، صص ۲۷ - ۳۰.

۲. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، عبدالله فهد نفسی، ص ۱۲۹.

۳. تاریخ نهضت‌های دینی و سیاسی معاصر، علی‌اصغر حلبی، صص ۱۳۷ - ۱۴۵.

انگلیسی‌ها، تأثیر وعده استقلال که انگلیسی‌ها به شیوخ و مردم عراق داده بودند و نیز ناتوانی قوای عثمانی‌ها که ناشی از ضعف نظامی، رشد فساد و فقدان پایگاه اجتماعی آنان بود، منجر به پیروزی‌های پی‌درپی انگلیسی‌ها شد که با اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷ میلادی به اوج خود رسید. در مرحله بعد، انگلیس با بهره‌گیری از فروپاشی عثمانی و برخورداری از حمایت دولت‌های استعماری بزرگ، قیام مردم علیه تحت‌الحمایگی عراق را در هم کوبید.

با وجود اینکه روحانیان، از مبارزه سیاسی و نظامی با انگلیس دست برنداشتند، ولی بعد از شکست ۱۹۲۰، آنها بیشتر فعالیت‌های خود را در بخش‌های فرهنگی متمرکز کردند و به جای مبارزه نظامی و سیاسی با انگلیس، به مبارزه فرهنگی با آنها پرداختند. برای نمونه، آنها در میان زائران روستایی و عشایری عتبات و عالیات حضور می‌یافتند و به ترویج و تبلیغ دین می‌پرداختند و بذر مبارزه با بیگانگان را می‌کاشتند.

روحانیان بلندپایه، شش‌هزار طلبه را در بیست حوزه علمیه در عراق، تحت تعلیم و تربیت قرار دادند. کمک روحانیان به رفع فقر عراقی‌ها و برقراری رفاه آنان، تحسین برانگیز بود. روحانیان، نقش مهمی در مهار و کنترل کمونیسم در عراق داشتند و در این راه، قرآن و آموزش آیات جهاد، تأثیر بسزایی در تقویت روحیه بیگانه‌ستیزی داشت. تجلیل از عاشورا نیز شدت بیشتری یافت که خود نماد مبارزه با ظلم به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup>

اما پس از استقلال، شیعیان و رهبران روحانی آنها که فرصت را برای

۱. مجله رواق اندیشه، «عراق؛ خیزش‌های تاریخی شیعه»، مرتضی شیرودی، ش ۲۰، صص ۷۹ و ۸۰.

دخالت در امور سیاسی مغتنم دیدند، پا در عرصه فعالیت سیاسی گذاشته و پیشاپیشِ دیگران قرار گرفتند. اما نفوذ گسترده عالمان شیعه در میان جوامع شیعی و برخی جوامع سنی و استقلال مالی ایشان، برای انگلستان چاره‌ای جز تحکیم پیوند با سنی‌ها باقی نگذاشت؛ این امر شیعیان را هرچه بیشتر از حاکمیت دور نگه داشت.<sup>۱</sup>

گسترده‌گی اختلاف و نابرابری میان سنی‌ها و شیعیان، موجب آن شد تا برخی از قشر جوان و تحصیل‌کرده، جذب ایدئولوژی‌های انقلابی دیگری مانند کمونیست‌ها شوند. از این رو وجود تبعیض‌ها در امور سیاسی از یک سو و فشارهای رژیم بعث که از سال ۱۹۶۸ به بعد بر شیعیان وارد آمد از دیگر سو، موجب آن شد تا زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض شیعی فراهم شود.<sup>۲</sup>

پیشگام این جریان‌ها، «جماعة العلماء» بود که از سوی گروهی از روحانیان شیعی عراقی در سال ۱۹۵۸ میلادی برای خروج از انزوای سیاسی و مقابله با ایدئولوژی‌های منحرفی که برخی جوانان شیعی را جذب کرده بودند (مانند سوسیالیسم و ناسیونالیسم)، این حزب را پایه‌گذاری نمودند. اما بعدها به دلیل نبود انسجام داخلی و شرایط خفقان آن دوره، این حزب به دو گروه عمده تجزیه شد: گروه اول متشکل از علمایی چون سید محمدباقر حکیم، سید حسین صدر، سید عبدالعزیز حکیم و سید صدرالدین قبانچی بودند. در حالی که گروه دوم را علمایی

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، صص ۸۲ و ۸۳.

۲. همان، صص ۸۴ و ۸۵.

مانند سید محمدباقر ناصری، سید کاظم حائری، سید محمدمهدی آصفی، عبدالرحیم شوکی و شیخ محمدرضا ساعدی تشکیل می‌دادند.<sup>۱</sup>

سیاست سرکوب شدید صدام حسین که بخشی از آن ناشی از شرایط جنگی موجود در عراق (جنگ عراق علیه ایران) بود، امکان ادامه فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی مخالف را در داخل خاک عراق کاهش داد. از این رو «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» با الهام از اندیشه‌های سید محمدباقر صدر در خارج از عراق تشکیل شد؛ چنین اقدامی ادامه حیات و فعالیت اندک نهضت اسلامی را در داخل عراق نیز فراهم آورد. اندکی بعد از پایان جنگ تحمیلی، نارضایتی جدید ضد دولتی در واکنش به سلطه مستبدانه بعثی‌ها، در شیعیان آن کشور بروز کرد. بنابراین از ۱۳۶۸ ه. ش به بعد، ناراضیان شیعی مرداب‌های جنوب عراق، بارها از سوی نیروی هوایی عراق بمباران شدند. این اقدامات کمکی به توقف نارضایتی نکرد، بلکه نارضایتی گسترده‌تری با آغاز حمله عراق به کویت و به ویژه پس از شکست عراق از ائتلاف غرب، در مناطق شمال (کردها) و جنوب عراق (شیعیان) به وجود آورد.<sup>۲</sup>

پس از شهادت آیت‌الله محمدباقر صدر در سال ۱۳۶۱ ه. ش، جمعی از شاگردان آن شهید بزرگوار، تعدادی از علما و بعضی رهبران جنبش اسلامی عراق، برای جبران خلأ رهبری آیت‌الله صدر، ارتش آزادی بخش اسلامی در عراق را که متأثر از وقوع رخداد انقلاب اسلامی و ایجاد واحد

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، ص ۸۵.

۲. آینده خلیج فارس، فیلیپ رابینز و جان اتان استرن، صص ۹۵ - ۱۰۰.



نهیضت‌های آزادی‌بخش سپاه بود، به وجود آوردند. پس از آن، جمعیت علمای مجاهد عراق، دفتر انقلاب اسلامی و سرانجام با تلفیق و توسعه همه اینها، «مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق» با هدف بهبود اوضاع و نجات ملت عراق بر پایه نظامی متکی بر اسلام و شریعت اسلامی تشکیل شد. این مجلس، خود را نماینده حقیقی اکثریت شیعیان عراق، به شیوه انتخابات شورایی و پارلمانی می‌دانست. رهبری مجلس اعلا، معتقد است که این مجلس، نقطه مرکزی رهبری و فعالیت‌های جهادی، سیاسی و بسیج مردم است. حکومت مورد نظر مجلس اعلا، حاکمیت اسلام است؛ حکومتی که منتخب قشرهای مختلف ملت خواهد بود.<sup>۱</sup>

در انتفاضه سال ۱۹۹۱ میلادی، استان‌های شیعی، قیام گسترده‌ای را علیه رژیم حزب بعث پی‌ریزی کرده و بیشتر استان‌ها را از حاکمیت بعثی‌ها خارج کردند تا اینکه آمریکا با شعار «حفظ صدام ضعیف» و با کمک خود، باعث بقای صدام شد. در حقیقت، شیعیان عراق در انتفاضه ۱۹۹۱، اعتماد خود را نسبت به آمریکا از دست دادند. گرچه این بی‌اعتمادی تا حدی متقابل بود؛ زیرا آمریکا در ریزش‌های خود برای حکومت بعد از صدام، بیشتر به سکولارها و نظامیان سنی امید داشت؛ و در عمل نتوانست از شیعیان عراق چشم‌پوشی کند.<sup>۲</sup>

با این پیشینه تاریخی و مبارزاتی، شیعیان عراق، امروزه مهم‌ترین جناح سیاسی در کشور محسوب می‌شوند که به‌ویژه در تحولات بعد از

۱. ماهنامه زمان، گفتگو با آیت‌الله سید محمدباقر حکیم، ش ۲، ص ۴.

۲. کابوس ژئوپولیتیک عراق، تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران، حسن اکبری، ص ۱۴۷.

سقوط صدام، نقش محوری را بر عهده گرفته‌اند. در ادامه به مهم‌ترین ائتلاف‌ها و احزاب سیاسی ایشان می‌پردازیم:

### یک - ائتلاف عراق یکپارچه

این ائتلاف که در برگیرنده بخش عمده‌ای از احزاب شیعی و برخی احزاب کوچک‌تر دیگر است، در حال حاضر بزرگ‌ترین ائتلاف سیاسی عراق را تشکیل می‌دهد و بیشترین کرسی‌ها را در مجلس این کشور در اختیار دارد. اصلی‌ترین احزاب و گروه‌های این ائتلاف سیاسی، شامل «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «حزب الدعوه اسلامی»، «گروه صدر»، و «حزب فضیلت» است.

مجلس اعلای اسلامی عراق که پیش‌تر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق نام داشت، در سال ۱۳۶۱ ه.ش، پس از شهادت شهید سید محمدباقر صدر علیه السلام، از سوی سیاستمداران و روحانیان عراقی مقیم ایران، با هدف سرنگونی حکومت صدام و بهبود وضعیت ملت عراق، بر اساس نظام متکی بر اسلام و شریعت اسلامی تأسیس شد. ریاست این مجلس را ابتدا سید محمود هاشمی بر عهده داشت. بعد از وی، سید علیرضا حائری، سپس سید محمدباقر حکیم<sup>۱</sup>، پس از ایشان، سید عبدالعزیز حکیم (برادر سید محمدباقر حکیم) و پس از فوت وی، در حال حاضر فرزندش سید عمار حکیم، ریاست مجلس اعلای اسلامی را برعهده دارد.

مجلس اعلای اسلامی عراق، پس از سرنگونی حکومت حزب بعث

۱. فرزند برومند آیت‌الله سید محسن حکیم که در تیر ماه سال ۱۳۸۲ در نجف اشرف پس از اقامه نماز جمعه در جوار حرم امام علی علیه السلام به شهادت رسید.

در سال ۱۳۸۲ ه.ش، به عنوان مهم‌ترین حزب در عراق مطرح شد. بر اساس اعلامیه رسمی مجلس، اهداف و شعار ایشان آزادی، استقلال و عدالت بیان شده است.<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر، هرچند نفوذ آنها به تدریج کاهش یافته، اما هنوز بزرگ‌ترین حزب در مجلس نمایندگان عراق است و مسئولیت وزارتخانه‌های حساسی را در اختیار دارد. مجلس اعلیٰ، سازمان‌های خیریه، مدارس و کتابخانه‌هایی را نیز در کشور اداره می‌کند. خانواده حکیم، نقشی محوری در تأسیس مجلس اعلیٰ ایفا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

حزب الدعوة اسلامی یکی از احزاب قدیمی اسلامی شیعه در عراق است. این حزب در سال ۱۹۵۷ میلادی، مقارن با میلاد پیامبر اسلام ﷺ، از سوی عده‌ای از علما همچون سید محمدباقر صدر، سید مهدی حکیم و محمد صادق القاموسی در منزل مرجع دینی، آیت‌الله سید محسن حکیم تأسیس شد؛ پس از چندی، علامه سید مرتضی عسکری نیز به این جمع پیوست.<sup>۳</sup>

عمده فعالیت‌های حزب الدعوة در ابتدا، تبلیغ و دعوت مردم به آموزش و احیای باورهای دینی بود؛ اما با گذشت زمان، وارد فعالیت‌های سیاسی شده و با اندیشه‌های کمونیستی به مبارزه پرداخت؛ پس از روی کار آمدن حزب بعث سران حزب بعث از فعالیت‌های حزب الدعوة و به‌ویژه ارتباط آنها با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی ره، احساس خطر کرده و رهبران

۱. زمانه، «مجلس اعلیٰ اسلامی عراق»، سید محمود روحانی، ش ۹۵، صص ۶۰ و ۶۱.

۲. همان.

۳. «حزب الدعوة اسلامی عراق؛ پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، تهران»، حسین موسوی و عادل ادیب؛ عراق ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، ص ۲۲۴.

آن را دستگیر و به وحشیانه‌ترین شکل سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی را در ۱۹ فروردین سال ۱۳۵۹ ه. ش، به شهادت رساند.

پس از اعدام برخی مسئولان حزب، افراد باقیمانده، به کشورهای هم‌چون ایران، سوریه و برخی کشورهای اروپایی مهاجرت کردند. حزب الدعوه به لحاظ اندیشه سیاسی، یکپارچه نبوده و برخی از اعضا که در ایران بودند، به مدل و الگوی ایرانی حکومت اسلامی و اندیشه ولایت فقیه بسیار نزدیک شدند؛ اما افراد دیگر، به‌ویژه افرادی که در لندن و اروپا بودند، نظر دیگری داشتند.<sup>۱</sup> اگر بخواهیم مبانی فکری این حزب را بررسی کنیم، باید به طور ویژه، افکار و اندیشه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر را بازبینی کنیم. به طور خلاصه، افکار سیاسی ایشان به این شرح است:

۱. خدا منبع اصلی حاکمیت قدرت و ثروت است؛ این اصل انسان را از بندگی و استثمار انسان‌های دیگر رها می‌سازد.

۲. امت، نماینده خداوند بر روی زمین است؛ امت در قبال خدا مسئول است و امانت او را برای همیشه به دوش می‌کشد.

۳. شرع اسلام، منبع قانون‌گذاری و قانون اساسی است.

۴. مرجعیت صحیح، بیان و تجلی قانون اسلام و بزرگ‌ترین مرجع نایب عام یا نماینده امام غایب است. در این مقام، تمامی وظایف مهم به مرجع محول شده است.<sup>۲</sup>

در کل، نظریه‌پردازان این حزب، ولایت فقیه را پذیرفتند و کسانی

۱. «نگاهی به تاریخچه شیعیان عراق، همشهری دیپلماتیک»، هوان کول، ش ۳۴، ص ۱۰.

۲. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، ص ۹۰.

چون شیخ محمد مهدی آصفی و سید کاظم حائری، کتاب‌هایی در دفاع از نظریه ولایت فقیه نگاشتند. این حزب از مبارزه مسلحانه نیز دور نماند و به ویژه پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، با ایجاد نیرویی شبه نظامی موسوم به «قوات الشهدید الصدر» - که بیشتر از سربازان عراقی پناهنده به نیروهای ایرانی در جنگ علیه نیروهای بعثی شکل گرفته بود - در جنگ مشارکت کرد.<sup>۱</sup> در این ایام، انشعاب دیگری نیز در این حزب پدید آمد و طی آن «کریم عنزی» که در دولت ابراهیم جعفری وزیر امنیت شد، «حزب الدعوة - تنظیم العراق» را پایه‌ریزی کرد. در واقع در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، حزب الدعوة با چهار انشعاب روبه‌رو شد:

۱. حزب الدعوة (تنظیم الخارج) به رهبری ابراهیم جعفری در لندن و

جواد (نوری) مالکی در دمشق؛

۲. حزب الدعوة (خط البصره) به رهبری عزالدین سلیم؛

۳. حزب الدعوة (جناح ولایتی) به رهبری مهدی آصفی در تهران؛

۴. حزب الدعوة (تنظیم العراق) به رهبری کریم عنزی در تهران.

جریان صدر، دیگر گروه شیعی این ائتلاف است. جریان صدر در حال حاضر، منتسب به سید مقتدی صدر، فرزند سید محمد صادق صدر است که در سال ۲۰۰۱ میلادی به دست عوامل حزب بعث به شهادت رسید. این گروه، سابقه تاریخی ندارد و بعد از فروپاشی رژیم بعث تشکیل و گسترش یافت. این گروه مدعی است که پایگاه اجتماعی مستحکمی در میان شیعیان عراق و به ویژه جوانان و مردم فقیر شیعی

۱. سنوات حرب، حزب الدعوة الاسلامیه، ۱۹۸۴ م.

درد. شهرک صدر بغداد، یکی از کانون‌های اصلی فعالیت این گروه محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

**حزب فضیلت**، یکی دیگر از احزاب مهم در صحنه سیاسی عراق است که نسبت به گروه‌های پیش‌گفته محدودتر است و رهبری معنوی آن با آیت‌الله شیخ محمدالیعقوبی، یکی از علمای سرشناس شیعه عراق است و حوزه نفوذ آن، بیشتر در مناطق جنوبی عراق، مانند بصره می‌باشد. دبیر کل این حزب، سیدهاشم الهاشمی است.<sup>۲</sup>

**آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی**، بزرگ‌ترین شخصیت مذهبی شیعی تأثیرگذار در عرصه سیاسی عراق در دوره جدید بوده و حامی اصلی ائتلاف عراق یکپارچه به شمار می‌رود.<sup>۳</sup>

## دو - ائتلاف میهنی عراق

ائتلاف میهنی عراق یا القائمة العراقية الوطنية موسوم به العراقية، یک ائتلاف سیاسی انتخاباتی در عراق به رهبری «ایاد علاوی» است که در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ میلادی به پیروزی دست یافت. این ائتلاف که خود را جریانی سکولار و فراقومی معرفی می‌کند، با اتحاد ایاد علاوی، سیاستمدار شیعه سکولار و صالح مطلق، سیاستمدار سنی ملی‌گرا تشکیل

۱. کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، سلیمه دارمی، ص ۲۰؛ کابوس ژئوپولیتیک عراق، تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران، ص ۱۵۶.

۲. سایت رسمی حزب الفضیلة السلامی، تاریخ مشاهده ۹۱/۹/۲۳ به آدرس: [www.Alfadhela.Net.Iq](http://www.Alfadhela.Net.Iq).

۳. کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، صص ۱۵۹-۱۷۰، برای مطالعه نقش آیت‌الله سیستانی به منبع ذیل مراجعه کنید:

کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

شد. طارق الهاشمی، معاون سابق رئیس‌جمهور وقت عراق، محمود المشهدانی، عدنان باجه‌جی و جبهه ترکمنی عراق، از دیگر سیاستمداران و احزاب مهمی بودند که به این ائتلاف پیوستند. مهم‌ترین انتقاد به این ائتلاف، ارتباط آنها با اعضای حزب منحل شده بعث بود. ایاد علاوی و صالح مطلق، هر دو در گذشته، سابقه عضویت در حزب بعث را داشته‌اند؛ با این حال، رهبران این ائتلاف بر این نکته تأکید می‌کردند که آشتی ملی در عراق، باید بعضی‌هایی را هم که دستشان به خون مردم آلوده نیست، شامل شود.<sup>۱</sup>

علاوه بر ائتلاف و گروه‌های پیش‌گفته، احزاب و شخصیت‌های سیاسی دیگری نیز در عراق فعالیت می‌کنند که برجستگی و نقش کمتری در صحنه سیاسی عراق دارند. کنگره ملی عراق به رهبری احمد چلبی و سازمان عمل اسلامی به رهبری آیت‌الله مدرسی، از جمله گروه‌های شیعی کوچک‌تر محسوب می‌شوند که عمده اعضا و هواداران آنها، در کربلا و حومه آن هستند.

### سه - حزب بعث

در پایان این بخش، جا دارد از «حزب بعث» نیز به طور خلاصه بحث شود. حزب بعث به لحاظ تاریخی، پس از احزاب کمونیستی جهان عرب در کشور سوریه، پا به عرصه وجود نهاد. ریشه‌های این حزب، به اندیشه‌های ملی‌گرایانه‌ای باز می‌گردد که در دهه‌های اولیه قرن بیستم، سراسر جهان عرب را فرا گرفته بود. آن زمان، بیشتر سرزمین‌های عربی، تحت قیمومیت انگلستان و فرانسه قرار گرفته بودند و اعراب در اندیشه

۱. کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

رهایی از ظلم و استعمار، تأکید بر قومیت عربی را بهترین محمل برای اتحاد و استقلال خود یافتند.

عراق توانست در سال ۱۹۳۲ میلادی، استقلال خود را به دست آورد. بنابراین عراق به امید کشورهای عربی برای رهایی مبدل شد. اندیشه‌های حزب بعث، ابتدا در سال ۱۹۲۹ میلادی از سوی «صلاح‌الدین البیطار» و «میشل عفلق» - دو تبعه سوری که برای مبارزه با سلطه فرانسه و انگلیس در دمشق گرد هم آمدند و تحت تأثیر اندیشه‌های فیلسوفان دوره روشنگری فرانسه بودند - قوام یافت. ایشان با تأکید بر قومیت عرب و در آرزوی رهایی از استعمار، هدف خود را ایجاد کشوری یکپارچه و بزرگ شامل عراق، اردن، فلسطین، لبنان و سوریه قرار دادند و به دنبال آن بودند تا عراق را مرکز این کشور بزرگ قرار دهند. بنابراین ابتدا استراتژی خود را مبنی بر ایجاد حزب بعث در این کشور تدوین کردند و در نهایت موفق شدند در سال ۱۹۴۸ میلادی، این حزب را تأسیس کنند.<sup>۱</sup>

اصول اساسی حزب بعث مبنی بر رهایی از استعمار و تأکید بر ملی‌گرایی عربی، آزادی و سوسیالیسم بود. در نظر ایشان، رهایی اعراب از سلطه بیگانگان، در گروی خودباوری و تأکید بر قومیت عربی به عنوان عامل وحدت‌بخش میان همگان بود. از آنجا که تمامی اعراب، دین یکسانی نداشتند، بنابراین عامل «زبان»، مهم‌ترین عامل وحدت‌بخش محسوب می‌شد. نتیجه این امر آن بود که دین در مرام‌نامه حزب بعث، در راستای اهداف ناسیونالیستی تعبیر می‌شد و تنها در این حوزه

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، صص ۵۰ و ۵۱.



می‌توانست کارایی داشته باشد. از سوی دیگر، ایشان آزادی را به معنای آزادی بیان، اجتماعات، عقیده و به طور کلی آزادی از هر گونه قید و بندی، حتی اصول و عقاید دینی و مذهبی تعبیر می‌کردند؛ از این رو در بسیاری از موارد، گزاره‌های دینی را خلاف عقاید حزب می‌دانستند.<sup>۱</sup>

اصل اساسی دیگر حزب، تأکید بر اندیشه‌های جمع‌گرایانه و سوسیالیستی بود. آنها سوسیالیسم را در ارتباط با ملی‌گرایی عربی دانسته و به آن نه فقط به عنوان نسخه‌ای برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی، بلکه به عنوان مکتبی در جهت تعالی نهادهای اخلاقی و فلسفه زندگی می‌نگریستند.<sup>۲</sup>

همان‌طور که گفته شد، حزب بعث با تأکید بر ناسیونالیسم و آزادی، زمانی که در سال ۱۹۶۸ میلادی با کودتای خونین بر علیه «عبدالسلام عارف» و به فرماندهی «حسن البکر» به قدرت رسید، نتوانست هیچ صدای مخالف و مغایری با ایدئولوژی حزب را تحمل کند و تمامی مخالفان را تحت تعقیب و شکنجه قرار داد. صدام نیز در قالب همین اندیشه‌ها، وقتی به قدرت رسید، با آرزوی اینکه مانند «جمال عبد الناصر»، بتواند پس از او قهرمان و رهبر اعراب شود، مرام سوسیالیستی و سیاست‌های شوروی سابق را در پیش گرفت و بدون توجه به مخالفت‌های مردم و علما، دیکتاتوری مطلق را به راه انداخت.<sup>۳</sup> سرانجام با حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن، به حکومت چهل ساله حزب بعث در عراق پایان داده شد.

۱. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، صص ۵۳ - ۶۸.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. همان، صص ۶۴ - ۶۷.

### ۳. وضعیت اقتصادی

اقتصاد عراق با پشت سر گذاشتن بیش از یک دهه تحریم‌های اقتصادی و سه جنگ از دهه ۱۹۸۰، بسیار ضعیف شده است و به سرمایه‌گذاری و نوسازی نیاز دارد. بر اساس گزارش ناظران ویژه بازسازی عراق، بخش نفت عراق با چالش‌های فنی در تولید، حمل و نقل و ذخیره‌سازی نفت خام و فرآورده‌های نفتی روبه‌روست. این بخش همچنین با مشکلاتی از قبیل مدیریت قیمت و واردات، مبارزه با قاچاق و فساد مالی، بهبود بخشیدن تخصیص بودجه و اجرای آن و حفظ عملیات‌های نفتی مواجه است. بازسازی طولانی‌مدت و اساسی عراق، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه در برخواهد داشت که حداقل یک سوم این مبلغ به بخش نفت، گاز و برق اختصاص می‌یابد.

به طور کلی مشکلات عمده اقتصاد عراق پس از جنگ عبارت‌اند از: «بی‌کاری»، «تورم»، «کاهش شدید نرخ‌های رشد و گاه منفی شدن آنها»، «کاهش شدید سطح معیشت»، «نارسایی ساختاری در اقتصاد و نمودهای آن در ساختار تولید ناخالص ملی»، «تأمین بودجه عمومی کشور در ساختار واردات و صادرات»، «تفاوت آشکار در توزیع درآمد و ثروت»، «ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی»، «اختلال‌های فراوان در سیستم قیمت‌ها»، «اختلاف در ترکیب اجتماعی» و «تفاوت در سهم خانواده‌ها از بودجه عمومی».<sup>۱</sup>

ساختار اقتصادی عراق همانند تمامی کشورهای حاشیه خلیج فارس

۱. اصلاحات اقتصادی در عراق، عبدالحسین محمد العنبری، ص ۷۵.

تک محصولی و بر پایه نفت استوار است. بیش از ۹۵ درصد از درآمدهای دولت و ۶۵ درصد از درآمد ناخالص ملی عراق، از فروش نفت تأمین می‌شود. این در حالی است که این بخش (صنعت نفت) ظرفیت به کارگیری تنها یک درصد از نیروی کار این کشور را داراست.<sup>۱</sup>

در سال ۲۰۱۰ میلادی، تولید ناخالص داخلی عراق ۱۱۷ میلیارد دلار (شصت و چهارمین کشور دنیا) بود. در همان سال، درآمد سرانه عراق، ۳۶۰۰ دلار (صد و شصت و یکمین کشور دنیا) و نرخ واقعی رشد این کشور ۵/۵٪ (پنجاه و دومین کشور دنیا) بود.<sup>۲</sup> در حال حاضر، نرخ بیکاری در عراق به طور رسمی ۳۷/۲ درصد است.<sup>۳</sup> اقدام اشتغالگران در نابود کردن تأسیسات زیربنایی و بخش صنعتی عراق، نابودی تولید داخلی و مصرفی کردن کشور با ورود بی‌رویه کالاهای خارجی نسبتاً ارزان و بی‌کیفیت و بسته شدن بسیاری از کارگاه‌های کوچک و کارخانه‌های متوسط به دنبال قطع برق و ...، دلیل اصلی گسترش رشد بیکاری در عراق است.<sup>۴</sup> به طور کلی با توجه به جنگ‌های متوالی، تحریم‌های بین‌المللی، اشغال کشور از سوی بیگانگان، ناامنی فراگیر، نبود سرمایه‌گذاری، کمبود سوخت و برق (با آنکه عراق از منابع نفتی عظیمی برخوردار است) و بسیاری از عوامل دیگر، وضعیت اقتصادی عراق

۱. فصل‌نامه مصباح، «وضعیت اقتصادی عراق، قبل و بعد اشغال نظامی»، میرسعید مهاجرانی، ش ۵۴، صص ۴۴ و ۴۵.

۲. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۳. سایت کتابخانه تخصصی حج در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <http://hajj.ir>.

۴. اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی.

نامساعد بوده و بیشتر مردم به سختی زندگی می‌کنند و اقتصاد معیشتی حاکم است؛ به این معنا که مردم به گذران زندگی روزانه می‌پردازند و پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و آینده‌نگری اقتصادی وجود ندارد. در ادامه بخش‌های مختلف، اقتصاد عراق را به طور مختصر بررسی خواهیم کرد.

### الف) منابع طبیعی

عراق کشوری است که از لحاظ منابع طبیعی، بسیار غنی است و ذخایر بزرگ منابع طبیعی دارد. مهم‌ترین دارایی عراق از لحاظ منابع طبیعی، ذخایر گاز و نفت این کشور است. بر اساس آمار سال ۲۰۱۲، میزان تولید گاز طبیعی عراق برابر با ۲۲/۸۱ میلیارد فوت مکعب بود که در مقایسه با کل میزان تولید گاز طبیعی در خاورمیانه (۱۸/۳۳۲ هزار میلیارد فوت مکعب) و کل میزان تولید گاز طبیعی در جهان (۱۱۶/۲۵۵ هزار میلیارد فوت مکعب)، رتبه ۶۴ را در جهان داراست. همچنین، هیچ‌گونه صادرات و واردات گاز طبیعی، طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ ثبت نشده است. اما میزان ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی این کشور برابر با ۱۱۱/۵۲۲ تریلیون فوت مکعب بوده و رتبه دهم ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص داده است.<sup>۱</sup>

از نظر منابع نفتی نیز عراق کشور ثروتمندی است. در واقع هیچ چیز مانند نفت بر عراق تأثیرگذار نبوده است؛ به گونه‌ای که نفت عامل مهمی در جهت تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده و چشم‌های طمع

1 .www.cia.gov

بسیاری را چه از سوی نیروهای داخلی و چه از سوی قدرت‌های خارجی به عراق معطوف داشته است. از سوی دیگر درآمدهای سرشار نفتی در مقایسه با هر درآمد دیگری، بیشترین تأثیر را روی اوضاع اقتصادی عراق داشته است و پیش‌بینی می‌شود در قرن پیش رو نیز، همچنان تأثیرگذاری خود را به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ کند.<sup>۱</sup>

پس از جنگ اشغالگران غربی علیه عراق، آنچه از صنعت نفت باقی ماند، چیزی جز ویرانی نبود. هرآنچه قبل از اشغالگری وجود داشت، متوقف شد. اشغالگران با هدف چپاول، تعدادی از مستشاران امریکایی را بر صنعت نفت عراق، با اختیارات گسترده و بی‌قید و بند مسلط کرده و بدون هیچ‌گونه تعهدی نسبت به ملت عراق، به غارت منابع آنها پرداختند. در همین راستا، تأسیسات نفت عراق آن‌قدر به تاراج رفت که گفته می‌شد:

میزان ضرر و زیان، فراتر از چیزی بود که در جریان جنگ عراق و ایران و جنگ دوم خلیج فارس رخ داد. حجم این ویرانی عظیم که به صنعت نفت عراق وارد شد، به حدی بود که برخی از کارشناسان نفتی را بر آن داشت که بگویند بعد از سال‌ها بمباران، تحریم و غارت و چپاول اخیر، آماده کردن دوباره بخش نفت عراق، نیازمند هزینه‌ای پانصد میلیارد دلاری است.<sup>۲</sup>

ذخایر اثبات‌شده نفت عراق در پایان سال ۲۰۰۹، ۱۱۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است. دولت عراق برای افزایش درآمدهای نفتی خود و

۱. نفت و سیاست‌های نفتی عراق، حسن لطیف کاظم الزبیدی، ص ۹.

۲. همان، ص ۲۳.

احتمالاً برای احراز حق تولید بیشتر به هنگام پیوستن مجدد به نظام سهمیه‌بندی اوپک، در اکتبر ۲۰۱۰ در آمار پیش‌گفته تجدیدنظر و با افزایشی ۲۵ درصدی، ذخایر نفت این کشور را ۱۴۳ میلیارد بشکه اعلام کرد. با از سرگیری فعالیت اکتشاف و توسعه، چشم‌انداز روشنی از حجم بالای منابع نفت عراق به وجود آمد. شرکت‌های نفتی خارجی، موفق شده‌اند که بازده برخی از میدان‌های نفت جنوب عراق را افزایش دهند و زودتر از زمان مورد انتظار به سوددهی برسانند. این کامیابی عراق را در دستیابی به هدف تولید سه میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۲، کمک خواهد کرد.

آمار وزارت نفت عراق نشان می‌دهد که میانگین صادرات ماهیانه در نیمه اول سال ۲۰۱۱ به ۲/۲ میلیون بشکه در روز رسید و بیشترین صادرات نفت این کشور در ماه می ۲۰۱۱ به میزان ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود. در اواخر سال ۲۰۱۰، ظرفیت پالایشگاهی عراق، ۸۵۶ هزار بشکه در روز تخمین زده شد. جدیدترین برآورد ژورنال نفت و گاز (در دسامبر ۲۰۱۰) از ظرفیت پالایشگاهی عراق نشان می‌دهد که ظرفیت آن ۶۳۷/۵۰۰ بشکه در روز است. عراق دارای ۱۰ واحد پالایشگاهی و تقطیر اتمسفری است. بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق، تأسیسات «بایجی» است که ظرفیت آن، سیصد هزار بشکه در روز است. مسائل و مشکلات پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های برق عراق در سال‌های اخیر، سبب شد که عراق، فرآورده‌های نفتی مورد نیاز خود را از ایران، اردن، کویت، سوریه و ترکیه وارد کند.<sup>۱</sup>

۱. خبرنامه انرژی (ویژه عراق)، ش ۱۲۶، صص ۵ - ۷.

## ب) کشاورزی و صنعت

بخش کشاورزی عراق، چندان قدرتمند و پیشرفته نیست و در بسیاری از بخش‌ها و مناطق عراق، به شکل سنتی در جریان است. مهم‌ترین محصولات کشاورزی عراق، گندم (بیش از ۲۰۳ هزار تن در سال ۲۰۰۷)، جو (۷۴۸ هزار تن در سال ۲۰۰۷) و انواع میوه شامل انگور، انار، سیب، زردآلو، گلابی، انجیر، آلبالو و ... (بیش از ۳۷۰ هزار تن در سال ۲۰۰۷) است. برنج، سبزیجات، پنبه و پرورش گاو و گوسفند، سایر محصولات بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup> محصول عمده کشاورزی در عراق خرماسه و بعد از نفت، دومین محصول صادراتی این کشور را شامل می‌شود که بیشتر آن در مناطق جنوبی به دست می‌آید.

شرایط نامناسب آب و هوایی مانند کاهش بارندگی‌ها، گرد و غبار، کمبود آب مورد نیاز (به‌ویژه پس از احداث سد در کشورهای ترکیه و سوریه روی رودخانه‌های دجله و فرات)، افزایش شوری زمین، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، واردات بی‌رویه، سرایت برخی بیماری‌ها، ناامیدی و نبود روحیه کار و تلاش، از مشکلات مهم بخش کشاورزی عراق به شمار می‌آیند. بر اساس آمار سال ۲۰۰۵ میلادی، فقط کمی بیش از ۱۲ درصد از اراضی عراق، قابل کشت و کشاورزی است.<sup>۲</sup>

در بخش صنعت نیز، عراق وضع مناسبی ندارد. بیشتر صنایع عراق در اختیار دولت قرار دارد. دلیل اصلی فعال نبودن برخی از واحدهای

۱. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>

۲. جغرافیای کشور عراق، صص ۱۷۳ - ۱۸۲.

صنعتی، در کنار وضعیت امنیتی نامناسب، واردات گسترده کالاهای مشابه است. «صنایع فرآورده‌های معدنی غیرفلزی» (نفت و پتروشیمی)، «صنایع تبدیلی مواد غذایی و نوشیدنی‌ها» و «صنایع نساجی»، به ترتیب بیشترین آمار واحدهای صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند. کمترین فراوانی نیز به صنایع حمل و نقل، رادیو و تلویزیون و تجهیزات الکترونیکی اختصاص دارد. حجم آسیب‌دیدگی صنعت از جنگ و تحریم‌ها در کنار نیازهای روزافزون این کشور در بخش‌های مختلف به کالاهای صنعتی، باعث شده است تا عراق تبدیل به یک واردکننده صرف شود و تنها با اتکا به درآمدهای نفتی، تراز مالی سالیانه خود را مثبت نگاه دارد.<sup>۱</sup>

در این میان توجه به صنعت برق عراق، می‌تواند مهم باشد. در آغاز سال ۲۰۰۳ م، صنعت برق عراق در اثر سه دهه دیکتاتوری، سیزده سال تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل و آسیب دیدن زیرساخت‌های کشور، با مشکلات بسیاری مواجه بود. در طول جنگ اخیر نیز کل صنایع عراق، آسیب فراوانی دید. در دهه ۱۹۸۰، ظرفیت تولید برق در این کشور، ۴۵۰۰ مگاوات بود که ۷۵ درصد آن توسط نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شد. ظرفیت تولید در سال ۱۹۹۰ به ۹۵۰۰ مگاوات رسید، اما تولید آن در عرض یک هفته، ۱۸۰۰ مگاوات ساعت کاهش یافت. در طول جنگ سال ۲۰۰۳ نیز با غارت‌هایی که در صنعت برق انجام شد، ظرفیت تولید کاهش یافت. اما با پایان یافتن جنگ، از سرگیری عرضه برق به تأسیسات نفتی و مردم عراق، از محورهای اصلی مورد توجه حکومت

۱. کالدشکافی ریشه‌های بحران عراق.



ائتلافی و وزارت نیرو در این کشور بوده است.<sup>۱</sup>

میزان تولید برق طی سال ۲۰۰۸ بر اساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی، ۳۴/۶ میلیون مگاوات ساعت و میزان مصرف برق نیز در همین سال، ۳۳/۵۷ میلیون مگاوات ساعت بود. ظرفیت نصب‌شده آن نیز طی سال ۲۰۰۸، ۷۲۰۰ مگاوات گزارش شده است. در حال حاضر، ۲۹ نیروگاه در عراق وجود دارد که در کل دارای ۳۲ مولد حرارتی و ۶۶ مولد توربین گازی و ۲۸ مولد هیدروالکتریک است. سیستم انتقال نیز شامل ۳۵۰۰ کیلومتر، خطوط ۴۰۰ و ۱۳۲ کیلوولتی است که خطوط ۴۰۰ کیلوولتی، بسیار غارت شده و بیشتر تجهیزات آن نابود شده است. با وجود این، دولت در راه‌اندازی شبکه انتقال و توزیع، بهتر از راه‌اندازی نیروگاه عمل کرده است. نیروگاه‌ها در اثر سپری شدن عمر مفید آنها، کمبود قطعات یدکی و نبود سرمایه‌گذاری برای تعمیر و نگهداری، قادر به تولید پایدار نیستند. علاوه بر این، عراق بدون سرمایه‌گذاری خصوصی، قادر به عرضه قابل اطمینان نیست.<sup>۲</sup>

در سال ۲۰۱۰ میلادی، بخش کشاورزی ۹٪، صنایع (بیشتر صنعت نفت) ۶۳٪ و خدمات ۲۷٪ از تولید ناخالص داخلی عراق را تشکیل می‌داد.<sup>۳</sup> به طور کلی، اقتصاد عراق همچنان بر اساس وابستگی به صنعت نفت اداره می‌شود و اقتصادی تک‌محصولی به شمار می‌آید.<sup>۴</sup>

۱. خبرنامه انرژی (ویژه عراق)، ش ۱۲۶، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۴. کالبدشکافی ریشه‌های بحران عراق.

### ج) بخش مالی و بازرگانی خارجی

عراق دارای ۴۳ بانک، به اضافه بانک مرکزی است که شامل ۷ بانک دولتی، ۲۳ بانک خصوصی، ۷ بانک اسلامی و ۶ بانک خارجی است. حداقل سرمایه جهت تأسیس بانک در عراق، بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دینار عراق (۸۵ میلیون دلار) است. بانک‌های عراقی که با سرمایه‌گذاری خارجی دایر شده است، بدین شرح است: بانک التجاری (۴۹٪ سهام آن مربوط به بانک الاهلی المتحد از بحرین)، بانک بغداد (۴۹٪ سهام آن مربوط به بانک الخلیج المتحد از بحرین)، بانک الاهلی العراقي (۴۹٪ سهام آن مربوط به بانک الصادرات و التمويل از اردن)، بانک الائتمان العراقي (۷۵٪ سهام آن مربوط به بانک الکویت الوطني و ۱۰٪ متعلق به مؤسسه التمويل الدولیه ICF)، بانک دارالسلام (۷۰٪ سهام آن مربوط به شرکت بانکی هنگ کنگ شانگهای HSBC)، بانک الاقتصاد (۴۹٪ سهام آن مربوط به شرکت الاعیان از کویت)، بانک المنصور (۶۰٪ سهام آن متعلق به بانک القطر الدولي)<sup>۱</sup>.

در سال ۲۰۱۰ میلادی، صادرات عراق ۴۹ میلیارد دلار (پنجاه و پنجم جهان) بود. عمده محصولات صادراتی نفت خام ۸۴٪ (فرآورده‌های خام شامل سوخت‌ها، محصولات غذایی و حیوانات زنده) بود. در سال ۲۰۰۹ میلادی، بزرگ‌ترین شرکای صادراتی عراق، کشورهای آمریکا (۲۷٪)، هند (۱۴٪)، ایتالیا (۱۰٪)، کره جنوبی (۸٪)، تایوان (۵٪)، چین (۴٪)،

۱. معرفی بانک‌های خارجی عراق، سایت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ساری، دیده‌شده در

http://mccim.ir به آدرس: ۱۳۹۱/۹/۳۰

هلند (۴٪) و ژاپن با (۳٪) بودند. صادرات عراق به ایران عبارت‌اند از: برخی فلزات و ضایعات آنها مانند آلومینیوم و مس، برخی ماشین‌های راه‌سازی و همچنین برخی از محصولات کشاورزی.

در سال ۲۰۱۰ واردات عراق ۴۲ میلیارد دلار (پنجاه‌ویکم جهان) بود. واردات عراق شامل مواد غذایی، دارو و کالاهای صنعتی می‌شود. در سال ۲۰۰۹ بزرگ‌ترین شرکای وارداتی عراق کشورهای ترکیه (۲۴٪)، سوریه (۱۷٪)، آمریکا (۸٪)، چین (۶٪)، اردن (۴٪)، ایتالیا و آلمان (۳٪) بودند.<sup>۱</sup> واردات عراق از ایران عبارت‌اند از: فرش، انواع میوه‌ها، یخچال فریزر، ماشین‌های صنعتی، موتور سیکلت، کولر، دستگاه‌های تهویه مطبوع، کفش‌های ضد آب و ...

نرخ تورم در عراق در اثر جنگ و تحریم‌های اقتصادی و از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی بسیار بالا بوده، به گونه‌ای که تاکنون مردم این کشور، تورم ۲۸ تا ۶۰ درصدی را تجربه کرده‌اند.<sup>۲</sup> این در حالی است که نیروی کار عراق، جمعیتی حدود ۸ میلیون نفر (سال ۲۰۰۹) را شامل می‌شود. بر اساس آمار سال ۲۰۰۸، جمعیت زیر خط فقر عراق ۲۵٪ برآورد شده است.<sup>۳</sup>

از لحاظ بدهی‌های خارجی، عراق یکی از بدهکارترین کشورهای منطقه است که بدهی‌هایش بیشتر ریشه در جنگ‌ها و نبود توسعه اقتصادی آن دارد. وزیر دارایی عراق در سال ۲۰۰۵، بدهی‌های عراق را ۲۰۰ میلیارد

۱. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۲. جغرافیای کشور عراق، ص ۱۱۰.

۳. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

دلار اعلام کرد. سهم عمده‌ای از این بدهی‌ها، کمک‌هایی است که کشورهای عربی در طی جنگ عراق و ایران به این کشور کرده‌اند و اکنون مدعی هستند که آن کمک‌ها وام بوده و بلاعوض نبوده است.<sup>۱</sup>

#### د) سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی

مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی عراق عبارت است از:

یک - جذب سرمایه‌گذاری خارجی: از سیاست‌های اقتصادی مهم عراق، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، به ویژه در بخش نفت و گاز و افزایش تولید نفت است. در اثر حضور و حمایت‌های کشورهای غربی و به ویژه آمریکا، عراقی‌ها توانسته‌اند در دو مناقصه بین‌المللی برای بازسازی و توسعه صنعت نفت خود، نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی را جلب کنند. مهم‌ترین هدف صنعت نفت این کشور، رسیدن به رکورد تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۱۷ است که در این راستا، قدم‌های مهمی برداشته‌اند.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز برای مهار نقدینگی حاصل از صادرات نفت، نرخ سپرده‌های بانکی را از ۱۶ درصد به ۲۰ درصد افزایش داد. همچنین دینار عراق در چارچوب سیاست ارزی مدیریت شناور، ۱۶ درصد تقویت شد. پیگیری سیاست کاهش نرخ بهره که به دلیل کوچکی بازار پول و توسعه نیافتگی بازار سرمایه عراق، اکنون به صورت دستوری از سوی بانک مرکزی این کشور دنبال می‌شود نیز، روند افزایش سرمایه‌گذاری

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. کالبدشکافی ریشه‌های بحران عراق.

صنعتی در عراق را تشدید کرد؛ به طوری که نرخ رشد تولیدات صنعتی عراق در سال ۱۳۸۸ ه.ش از ۱۰ درصد فراتر رفت.<sup>۱</sup>

دو - مذاکرات مستمر دولت با صندوق بین‌المللی پول و بسیاری از کشورها به منظور لغو بدهی‌ها: رژیم سابق عراق با مقادیر زیادی وام (۴۸۰ میلیارد دلار)، حال و آینده عراق را به مخاطره انداخته بود. بسیاری از نشست‌ها و توافق‌های دوجانبه و چندجانبه‌ای که دولت عراق با صندوق بین‌المللی پول و بعضی از کشورهای طلبکار داشته، با موضوع بخشودگی یا کاهش بدهی‌ها بوده است؛ به طوری که قسمت بسیاری از این بدهی‌های سرسام‌آور لغو شد. بر اساس اعلام وزارت دارایی عراق در خصوص آخرین مورد لغو بدهی‌ها، دولت عراق در گفتگوهای خود با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، توانسته است توافقنامه مشترک خود با این دو سازمان جهانی را تمدید کند و با کمک این دو نهاد، چارچوب اصلاحات اقتصادی در آینده را ترسیم نماید. در اولین توافق عراق با صندوق بین‌المللی پول، ۳۰ میلیارد دلار از بدهی‌های این کشور بخشوده شد.

سه - برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی: نمایشگاه بازسازی عراق، نمونه‌ای از این دست است که شرکت‌ها و بازرگانانی از کشورها و گروه‌های مختلف، ضمن حضور در این نمایشگاه، در خصوص راهکارهای بازسازی و آبادانی عراق و فرصت‌های پیش روی شرکت‌های دولتی و خصوصی در پروژه‌هایی که باید انجام شود، به بحث و بررسی پرداختند. نمونه دیگر تلاش دولت عراق در جهت

۱. فرجام اصلاحات اقتصادی عراق، ۲۲ فروردین ۱۳۸۹ به آدرس: <http://www.khabaronline.ir>.

جذب سرمایه‌های خارجی و خصوصی، در صنعت انرژی این کشور است. در همین راستا در سال ۱۳۹۰ ه.ش، این کشور دومین کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی انرژی عراق را به همت اتاق صنایع و بازرگانی عراق و آمریکا و با پشتیبانی وزارت نفت این کشور در مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی بغداد برگزار کرد. در این نمایشگاه بزرگ که با حضور شرکت‌های بزرگ و بین‌المللی نفت و گاز دنیا برپا شد، علاوه بر معرفی پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و انرژی عراق، شرکت‌ها، توانمندی‌های خود در این صنعت را در معرض دید بازدیدکنندگان نمایشگاه، به‌ویژه مدیران صنعت نفت و انرژی عراق قرار دادند. اولین دوره این نمایشگاه نیز در سال ۲۰۰۸ برگزار شد. با توجه به این برنامه‌ها، تولید نفت عراق به بالاترین حد خود در ۳۰ سال اخیر رسیده است و در اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی، زمزمه‌های پشت سر گذاشتن ایران در سقف تولید در اپک نیز به گوش می‌رسد؛ چنان‌که رئیس سازمان بازاریابی نفت عراق اذعان کرده است که میزان تولید روزانه نفت عراق، ۳/۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز است.<sup>۱</sup>

چهار - گسترش بخش خصوصی: از دیگر سیاست‌های اقتصادی عراق، گسترش بخش خصوصی است. ایجاد محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری از طریق وضع قوانین و پی‌ریزی سازوکارهای عمل اقتصاد بازار و نظارت بر اجرای آن، در دستور کار دولت قرار گرفته است. این اقدام، موجب نقش فعال‌تر بخش خصوصی و ایجاد فرصت‌های شغلی

۱. روزنامه شرق، «رکوردشکنی نفتی عراق طی ۳۰ سال گذشته»، ش ۱۶۱۷، ص ۴.

بیشتر می‌شود و به تنوع در اقتصاد می‌انجامد. در همین راستا، سیاست دیگر عراق، آزادسازی نظام تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی در شرایط مناسب و همچنین ایجاد مناطق آزاد تجاری است. این امر به روند متنوع‌سازی اقتصاد، تحرک بیشتری می‌بخشد. دولت عراق تدابیری برای برداشتن موانع مرزی به روی کالاها اتخاذ کرده و با هدف تسریع در بازسازی کشور، مالیات یکپارچه ۵ درصدی را اعمال کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. وضعیت فرهنگی و مذهبی

کشور عراق از دیرباز، مهد تمدن‌های باستانی بوده است؛ این مسئله به عنوان یک سرمایه معنوی غنی، مایه افتخار و مباهات مردم عراق است. شهر تاریخی بابل (در نزدیکی شهر حله امروزی) یکی از مراکز تاریخی - فرهنگی عراق است که یادآور پادشاهانی چون حمورابی و بخت النصر می‌باشد. غیر از مسئله تاریخ عراق، باید به اماکن مذهبی عراق اشاره کرد که به این کشور، رنگی متفاوت بخشیده است. در این بخش، در ذیل عنوان وضعیت فرهنگی و مذهبی، به سه موضوع فرهنگ، آموزش و ساختار دینی - مذهبی عراق اشاره خواهیم کرد.

#### الف) فرهنگ

فرهنگ را می‌توان رفتار ویژه نوع بشر نامید که همراه با ابزار مادی، جزو جدایی‌ناپذیر رفتار شناخته می‌شود. به طور مشخص، فرهنگ از زبان، افکار، اعتقادات، سنت‌ها، قراردادهای، سازمان‌ها، ابزارها، روش‌های

۱. اصلاحات اقتصادی در عراق، صص ۹۲ و ۹۳.

کاری، آثار هنری، مراسم مذهبی، مراسم اجتماعی و ... تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر فرهنگ کلیتی درهم‌تافته از باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه دارد و مشخص‌کننده ساختار و تحول کیفیت زندگی بشر است.<sup>۱</sup> در ادامه، تلاش می‌شود تا در ذیل این تعریف، نگاهی به فرهنگ عراق بیاندازیم.

### یک - فرهنگ سیاسی

قبل از آغاز بحث در مورد فرهنگ عراق، باید به یکی از عوامل مهم و سازنده فرهنگ عراق در دوران معاصر، به‌ویژه فرهنگ سیاسی و عمومی عراق اشاره کرد؛ حکومت دیکتاتوری صدام حسین و حزب بعث را می‌توان مهم‌ترین عامل در نیمه دوم قرن بیست دانست که تأثیر زیادی بر سبک زندگی و فرهنگ عمومی این کشور گذاشته است. در واقع هیچ شهروند عربی، به اندازه شهروند عراقی، تحت حکومت صدام حسین از وجود یک حکومت دیکتاتوری با سیاست‌های ماجراجویانه خارجی و جنگ، دچار ضربه روحی و روانی نشده است. در این بین شکل نگرفتن هویت ملی واحد و عمق گرفتن شکاف‌های اجتماعی و قومیتی، از مهم‌ترین تأثیرات حکومت صدام حسین بوده است.

بهرتر است از بافت جمعیتی عراق به عنوان مبنای اصلی تفاوت فرهنگی در این کشور ناهمگون آغاز کنیم. عراق از بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی برخوردار است. از کل جمعیت آن ۷۵ - ۸۰ درصد را اعراب و بقیه را گروه‌های غیر عرب‌زبان، همچون کردها (۱۵ - ۲۰ درصد جمعیت)،

۱. مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، سیدرضا صلاحی امیری، ص ۱۵.



ترکمن‌ها و آشوریان تشکیل می‌دهند. از ۹۷ درصد جمعیت مسلمان عراق، ۶۰ - ۶۵ درصد آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند.

تا سال ۱۹۲۰ این گروه‌های سه‌گانه، تجربه زندگی مشترک را در چارچوب یک دولت مدرن نداشتند. در حالی که همه آنها تحت حاکمیت حکام عثمانی بودند. استان بصره جدا از استان بغداد بود و استان موصل در شمال، به صورت یک منطقه مورد مناقشه باقی ماند؛ به نحوی که سال‌ها مورد ادعای ترکیه بود. وضعیت عراق به قدری مخدوش و مغشوش بود که در زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی، ساکنان شهر جنوبی نجف، جداگانه اعلام استقلال کرده و قانون اساسی جداگانه‌ای تدوین کردند و در موصل نیز نزاع داخلی به وقوع پیوست.<sup>۱</sup>

بعد از آنکه در سال ۱۹۳۲ میلادی، یک نظام سلطنتی مستقل در عراق ایجاد شد، این نظام، سیاست‌های مختلفی را در ارتباط با جامعه عراق در پیش گرفت؛ از یک سو با فروختن آتش کشمکش بین نهادها و تشکیلات اعراب سنی، با اقلیت‌هایی نظیر آشوریان و کردها، در صدد حفظ تسلط سنی‌ها برآمد و از سوی دیگر، در پی یافتن راه‌حل‌ها، سازش‌ها و فرم‌های معین انتخاباتی و سیستم‌های دموکراتیک بود. این مسئله، تا حدودی در خاندان هاشمی ریشه داشت که با انگلستان از زمان جنگ جهانی اول، رابطه ویژه‌ای داشتند. روابط آنها با انگلستان، مانند ابزاری برای کسب مشروعیت و قدرتی بود که باعث می‌شد برای رهبری بر عراق، ناگزیر به اعمال هرچه بیشتر سیاست‌های

۱. مجله مطالعات راهبردی، «فرهنگ خشونت در عراق»، شفیق ن. غبرا، ش ۱۵، ص ۱۳۶.



سرکوب و اجبار نگردند.<sup>۱</sup>

در مقابل، کودتای سال ۱۹۵۸ میلادی، با برانداختن نظام سلطنتی حاکم، یک رژیم نظامی را بر سر کار آورد که از گروه‌های دهقانی تشکیل می‌شد و بر خلاف اندیشه رایج در میان نخبگان عراقی، فاقد هرگونه اندیشه آزادمنشانه بود. در سطح محلی، ذهنیت انحصارگرایانه رهبری جدید، به کشمکش‌ها و رقابت‌های قبیله‌ای منجر شد که به نوبه خود، به سرکوب داخلی و ماجراجویی خارجی انجامید و اینها هر دو، قدرت رژیم را تقویت کردند. این فرهنگ سیاسی انحصارگرا، در سطح ملی بین جوامع اصلی سه‌گانه یعنی سنی‌ها، شیعیان و کردها شکاف ایجاد کرد و این شکاف، منجر به ماجراجویی‌های خارجی رژیم بغداد، از جمله تجاوزات سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آن رژیم به دو کشور ایران و کویت شد.<sup>۲</sup>

بعد از انقلاب ۱۹۵۸، تشکیلات حاکم بر عراق، یک دولت خشن و انعطاف‌ناپذیر ایجاد کرد و رهبرانش، یا کسانی را که دیدگاه‌های هم‌سو نداشتند، به هلاکت رسانده و دارایی‌هایشان را مصادره کردند یا اتهاماتی را علیه دشمنانشان مطرح کرده و با آنها به ستیز و نزاع برخاستند. چنین وضعیتی، نیاز به وجود یک رهبر مستبد را تقویت کرد و منجر به ایجاد یک جامعه نظامی در عراق شد که کاملاً متمایز از جامعه زمان نظام سلطنتی بود.

یکی از شاخصه‌های ساختار نوین قدرت در عراق، این بود که

۱. تاریخ نوین عراق، صص ۷۰ - ۷۸، برای مطالعه بیشتر در مورد خاندان هاشمی به صص ۷۰ و ۷۱ همین مأخذ مراجعه کنید.

۲. همان، ص ۱۳۷.

خانواده‌های نخبگان عراقی که پیش از این تنها ازدواج‌های درون‌گروهی داشتند، ازدواج دختران خود با مقامات یا کارمندان دون‌پایه را مجاز دانسته و بدین ترتیب، نظامی‌گری به نماد نوین منزلت و کرامت مبدل شد؛ در حالی که مالکیت، ثروت و سوابق خانواده شهری، کاملاً مرتبط با رژیم قدیمی باقی ماند.

در طول چهار سال بعد از انقلاب ۱۹۵۸، صدها هزار نفر از مردم عراق، با وجود اینکه اتباع یک کشور ثروتمند تولیدکننده نفت بودند، کشورشان را ترک کردند؛ این مهاجرت بزرگ‌ترین ریزش جمعیتی در تاریخ نوین کشور عراق تلقی می‌شد. به مرور زمان، تعداد مهاجران رو به فزونی نهاد و امروزه شمار آنها بالغ بر سه میلیون نفر برآورد شده است.

در نتیجه ناسازگاری، بی‌ثباتی و وجود اجبار در سیاست‌های کشور عراق که با سوء مدیریت بسیار و بیگانه‌انگاری شیعیان و کردها همراه بوده، چندین مورد کودتا علیه مقامات آن کشور ترتیب داده شد. در نهایت در سال ۱۹۶۸ میلادی، رژیم بعث روی کار آمد. این رژیم بعد از کسب قدرت، در صدد برآمد تا هرج و مرج موجود را با روی کار آوردن دیکتاتوری سازمان دهد که خودش را بر کلیه شئون و امورات مردم تحمیل کند. حزب بعث و بسیاری از مردم عراق، به اشتباه معتقد بودند که یک دیکتاتور مصلح، می‌تواند همه مشکلاتشان را حل کرده و به اختلافاتشان پایان دهد. با این منطق، پدیده صدام حسین در اعماق قلمروی سیاسی و اجتماعی مردم عراق استوار شد. این مسئله، تفکری بود که با شواهد زیادی تأیید شد.

در شعر و فرهنگ سیاسی عراق، رهبرانی همچون استالین یا مائو، هوشی‌مینه یا کاسترو، همواره تحسین و ستایش شده‌اند. مباحث و مجادلات اجتماعی دهه ۱۹۵۰ یا دهه ۱۹۶۰، اشتیاق مردم را - نه تنها در عراق بلکه در سراسر منطقه - برای ظهور منجیان سیاسی آشکار کرد. رهبرانی که با قدرت زیاد فرمان می‌راندند، احساس مسئولیت می‌کردند و رویای عدالت در سر می‌پروراندند. رهبری همچون صلاح‌الدین ایوبی یا حتی آتاتورک (بنیان‌گذار ترکیه جدید) مورد خواست انبوه توده‌ها بود؛ در کشور عراق نیز به ظهور چنین رهبری مقتدر و خودرأی، به خاطر دسته‌بندی‌ها، چالش‌ها و مشکلات کشور، احساس نیاز می‌شد. همه این ویژگی‌ها موجب شد، دوران حکومت صدام حسین و سقوط وی به نقطه عطفی در زندگی مردم عراق تبدیل شود؛ به طوری که در بسیاری از مواقع، هنگام گزارش دادن از زمان اتفاقی خاص (چه شخصی و چه عمومی) به قبل یا بعد از سقوط صدام اشاره دارند.

در دوران صدام، بسیاری از عراقی‌ها در زندان بودند و در زمانی که حقوق یک دبیر، سه هزار دینار محاسبه می‌شد، عوارض خروج از کشور، حدود سیصد هزار دینار بود. صدام با این کار، هرگونه حضور در خارج از عراق و آشنایی با عقاید نو، آزادی‌بخش و آرمانگرا را غیرممکن ساخته و موجبات تحکیم دیکتاتوری خویش را بیش از پیش فراهم آورده بود.

عراقی‌ها قبل از گرفتار شدن به دست حزب بعث و حکومت دیکتاتوری صدام، دارای کشوری بودند که سرمایه‌های زیرزمینی نفت، خاکی حاصل‌خیز، آبی فراوان در بین‌النهرین، تاریخ و تمدنی غنی و

شهرهای مهم علم‌آموزی در تاریخ جهان اسلام را داشته؛ ولی با شروع دیکتاتوری، زورگویی و ظلم‌های صدام و به‌ویژه پس از تحریم‌های جهانی علیه عراق (به دلیل حمله به کویت) اوضاع کشور از لحاظ اقتصادی، علمی و فرهنگی رو به وخامت نهاد. بسیاری از دانشمندان و نخبگان از کشور اخراج شدند یا فرار کردند (بالغ بر سه میلیون عراقی در زمان صدام از عراق گریختند)؛ بقیه نیز اجازه هیچ نوآوری و ابداعی را نداشتند. حقوق‌ها بسیار کم و ناچیز بود. رابطه علمی و فرهنگی با کشورهای قوی‌تر برقرار نمی‌شد؛ در نتیجه عراق ۳۵ سال بدون پیشرفت باقی ماند.

نکته بسیار جالب این است که بسیاری از پیرمردان و پیرزنان عراقی، باسواد هستند. به طور کلی، عراقی‌ها در دوران قبل از صدام، انسان‌هایی اهل مطالعه در جهان عرب شناخته می‌شدند. ضرب‌المثلی عربی می‌گوید: «مصری‌ها کتاب می‌نویسند، لبنانی‌ها چاپ می‌کنند و عراقی‌ها می‌خوانند». ولی اکنون مردم عراق، افرادی دور از کتاب و علم‌آموزی هستند و فرسنگ‌ها راه برای رشد و توسعه در پیش دارند.

در قسمت رسانه‌های جمعی نیز همین‌گونه بوده است. عراقی‌ها هیچ شبکه‌ای به غیر از دو شبکه (شبکه عامه و شبکه الشباب به ریاست پسر صدام) را نمی‌دیدند که این دو شبکه نیز متعلق به حکومت بعث بود. استفاده از ماهواره و اینترنت در عراق ممنوع بود. اینترنت در سال‌های اخیر در عراق رشد کرده است. ماجرای تلفن ثابت و همراه نیز همین‌گونه است. بعد از سقوط صدام، با افزایش حجم پول، مردم به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای روی آوردند. در حال حاضر، عراقی‌ها

به بیش از ۳۰۰ شبکه ماهواره‌ای عربی زبان دسترسی دارند.

رسانه‌های در عراق، همچون تیغ دو لبه هستند. گرچه وجود آنها می‌تواند به رشد فرهنگی مردم بینجامد، ولی نبود بسترهای فرهنگی مناسب، موجب شده تا این رسانه‌ها، در جهت تخریب فرهنگ سنتی مردم حرکت کنند. تهاجم فرهنگی بسیار خطرناکی از طریق رسانه‌ها در حال انجام است که نشانه‌هایش در فرهنگ مذهبی مردم، فرهنگ مصرف و علایق فرهنگی آنها دیده می‌شود. برای نمونه، بیشتر فیلم‌های سینمایی رایج در کلوب‌ها، آمریکایی است. رتبه دوم هم به فیلم‌های عربی تعلق دارد که بیشتر آنها ساخت مصر و برخی نیز ساخت سوریه است؛ بیشتر این فیلم‌ها، فضایی غیردینی، بدحجابی و روابط عاشقانه و رمانتیک را به تصویر می‌کشد.

مردم عراق در دروان حکومت صدام از پیشرفت بازماندند و حتی پوسته تمدن مدرن نیز به این کشور وارد نشد. در نتیجه، عرب عراقی، بعد از صدام سعی می‌کند که با استفاده هرچه بهتر و بیشتر اتومبیل، لباس، موبایل و ... این عقب‌ماندگی را جبران کند. این مسئله با وجود تاریخ و گذشته غنی عراقی‌ها و به‌ویژه تعصب و برتری‌نمی نسبت به عجم‌ها، تشدید می‌شود؛ به طوری که یک عرب، بنا بر تعصب عربی خویش، برای خود ننگ می‌داند که از یک عجم، عقب‌مانده‌تر باشد. این مسائل در قالب مصرف‌گرایی افسارگسیخته در عراق ظاهر شده تا شاید مردم این کشور، از این طریق از حس خودکمتر بینی رهایی یابند. البته تعصب عرب‌ها نسبت به نژاد خود، بدین معنا نیست که همیشه اعراب، سرور و ارباب قوم‌های دیگر بوده‌اند، بلکه این حس از طریق استعمار

در قرون اخیر به اعراب تزریق شده تا بدین وسیله، اختلافی عمیق بین اقوام مسلمان ایجاد کنند.

چنان‌که دلایل دیگری نیز در توجیه رشد مصرف‌گرایی در عراق وجود دارد؛ برای نمونه، بر اثر جنگ‌ها و تحریم‌های بین‌المللی در دوران صدام، درآمد‌های اقل‌تار مختلف مردم بسیار پایین بود؛ به طوری که مردم فقط در حال گذران زندگی بودند و از آن مهم‌تر، اینکه صدام با انحصارطلبی حزب بعث، اعمال تبعیض‌های قومی و دینی و ...، چنان عرصه فکری و روانی را برای مردم تنگ کرده بود که دو نسل کنونی عراق، هیچ آرمان و آرزویی را جز رهایی از دست صدام در سر نمی‌پروراندند. بعد از ورود اشغالگران و سقوط صدام، مردم عراق گمان می‌کردند که به تمام آرزوهای خود خواهند رسید، ولی این طور نشد؛ چرا که ساختن عراق به فکر و اندیشه و آرمان‌هایی بزرگ نیاز داشت و اینها چیزهایی بود که مردم عراق از آنها دور نگه داشته شده بودند. متأسفانه امروزه نیز، شرایط به گونه‌ای نیست که مردم به مسائلی بیش از حوزه شخصی خود فکر کنند؛ زیرا بر اثر نبودن مسایلی همچون امنیت، آینده‌نگری و حکومتی باثبات و مقتدر، جوانان عراقی، سردرگم به دنبال نیازهای غریزی خود می‌روند و کسی در صدد هدایت آنها به مسیرهای سازنده نیست.

## دو- فرهنگ اجتماعی

زنان در عراق با حجاب هستند و از عبا یا همان چادر عربی استفاده می‌کنند و در شهرهای مذهبی همچون کربلا و نجف، هیچ زن بی‌حجابی دیده نمی‌شود. وضعیت حجاب زنان و مردان در عراق، از جنبه‌های

مثبت و منفی برخوردار است. متأسفانه بیشتر جنبه‌های مثبت از روی مسائل سنتی است و معرفت راسخی پشتیبان آن نیست؛ جنبه‌های منفی نیز در حال رشد هستند که بیشترین تأثیرات منفی، از سریال‌های رسانه‌های جهان عرب به وجود آمده است. همچنین فیلم‌های سینمایی موجود در ویدئوکلپ‌ها، تصاویر به‌کاررفته بر روی کالا‌های مختلف زندگی مردم و ... در حال تخریب حجاب در این کشور است. جایگاه زنان در عراق چندان مناسب نیست؛ البته در دولت جدید، زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی وارد شده‌اند. تعدادی از کرسی‌های پارلمان و مجلس استان‌ها به زنان تعلق دارد. البته این بدان معنا نیست که مردم به‌ویژه مردان عراقی، این مسئله را پذیرفته باشند؛ بلکه طبق قانون، مجبورند از هر سه رأی، به یک زن رأی دهند.

آداب سلام و احوال‌پرسی عراقی‌ها نیز این چنین است که اگر فردی را پس از مدتی ببیند یا تازه با او آشنا شوند، سه بار و در سلام‌علیک روزانه، یک بار روبوسی می‌کنند. اصطلاحاتی را که در احوال‌پرسی استفاده می‌کنند، بدین شرح است:

«الله یساعدک (یساعدکم)» برای تشکر و خسته نباشید؛

«رحم الله والدیک» برای تشکر و ابراز محبت؛

«شرفنا» برای خوشامدگویی و تعارف به معنای «به ما افتخار دادید»؛

در خداحافظی نیز از اصطلاحات زیر استفاده می‌کنند: «الله محمد

علی معک»، «الی القاء» و «مع السلامة». البته این جملات، فقط تعدادی از

اصطلاحاتی است که عرب‌های عراقی به کار می‌برند.



از آنجا که در عراق، قومیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند، مناسبت‌های تقویمی آنها نیز لحاظ می‌شود. بنابراین هم‌اکنون در عراق، روزهای جمعه و شنبه هر هفته، تعطیل هفتگی است. همچنین روزهای اول محرم (آغاز سال نوی هجری)، دهم محرم (روز عاشورا)، ۱۲ ربیع الاول (میلاد پیامبر اسلام ﷺ)، ۱۵ شعبان (سالروز میلاد امام مهدی عج) و سالگرد انتفاضه شعبانیه در جنوب عراق)، اول تا سوم شوال (عید فطر)، دهم تا سیزدهم ذی الحجه (عید قربان)، اول ژانویه (آغاز سال نوی میلادی)، ششم ژانویه (جشن ارتش)، ۱۱ مارس (نوروز)، اول می (روز کارگر)، ۱۴ جولای (اعلام تأسیس جمهوری عراق) و سوم اکتبر (روز استقلال) نیز تعطیل رسمی است.

### سه - فرهنگ شیعیان عراق

بر اساس مشاهدات میدانی، آنچه در مورد فرهنگ عمومی شیعیان عراق می‌توان گفت، بدین شرح است که شیعیان عراقی، به شمایل ائمه علیهم‌السلام بسیار علاقه داشته و از آنها در منزل، مغازه، مسجد و ... استفاده می‌کنند؛ همچنین از تصاویر مراجع دینی و علما (شهید حکیم، شهید صدر و ...) در شهرها و جاده‌ها استفاده می‌کنند. مردم عراق به مناسبت شهادت امام حسین علیه‌السلام در بسیاری از ایام سال، پرچم‌هایی به رنگ سیاه، قرمز و سبز بر بام منازل خود نصب می‌کنند. مهدویت یکی از مسائل مهم در عراق است و در طبقات مختلف جامعه، از دانشجو گرفته تا افراد روستایی، بی‌سواد و ... نفوذ دارد؛ چنان‌که یکی از اسامی محبوب در عراق، نام المنتظر است.

در بین عراقی‌ها، مداح‌ها بسیار مهم و محبوب هستند و بسیاری از مردم برای زنگ تلفن همراهشان از مداحی‌ها و مولودی‌خوانی‌ها استفاده می‌کنند. عراقی‌ها در صورت نیکی دیدن از کسی، در اولین فرصت آن را به بهترین شکل جبران خواهند کرد؛ اما اگر نخواهند با کسی رابطه خوبی داشته باشند، تمام سعی خود را می‌کنند که زیر دین وی قرار نگیرند. بهترین راه برای ایجاد رابطه با عراقی‌ها، این است که در برخورد اول، کاری برایشان انجام دهید.<sup>۱</sup>

## ب) آموزش

نظام آموزشی عراق از سه مرحله دبستان به مدت شش سال، راهنمایی به مدت سه سال و دبیرستان به مدت سه سال تشکیل شده است. در پایان هر مرحله، دانش‌آموزان باید یک آزمون را بگذرانند. دانش‌آموزانی که دوره دبیرستان را با موفقیت بگذرانند، می‌توانند وارد دانشگاه‌ها و مؤسسات عراق شوند.<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۲، میزان باسوادی در جمعیت بالای ۱۵ سال، ۷۸/۲٪ (مردان ۸۶٪ و زنان ۷۰/۶٪) بود؛<sup>۳</sup> از این رو، دولت عراق در راستای آموزش شهروندان خود و ارتقای سطح کیفی و کمی نظام آموزشی کشور، سیاست‌هایی را تدوین کرده است که عبارت‌اند از:

۱. افزایش سطح علمی دانشگاه‌ها و اعزام دانشجویان به خارج از کشور؛
۲. ساخت و تجهیز مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها؛

۱. مشاهدات نگارنده از سفر به عراق.

۲. جغرافیای کشور عراق، صص ۶۲ و ۶۳.

۳. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>

۳. گسترش آموزش حرفه‌ای در دانشگاه‌ها؛
۴. ریشه‌کنی بی‌سوادی؛
۵. تدوین نظام جامع آموزشی؛
۶. ساخت مراکز فرهنگی از قبیل موزه، کتابخانه، سالن نمایش فیلم و تئاتر و ...<sup>۱</sup>.

### یک - وضعیت خدمات آموزشی

با آنکه در بسیاری از مدارس خصوصی در کشور عراق، در ازای دریافت شهریه‌های کلان، امکاناتی عالی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، در مدارس دولتی، بسیاری از دانش‌آموزان، هم‌اکنون ناچارند بدون کتاب و در کلاس‌های تاریک و پرجمعیت تحصیل کنند. بر اساس بررسی‌ها، در مدارس خصوصی این کشور، از هر دانش‌آموز، شهریه‌ای معادل ۱۶۰۰ دلار دریافت می‌شود که پرداخت این میزان شهریه برای بسیاری از خانواده‌های عراقی ممکن نیست.

گزارش‌ها حاکی از آن است که شرایط بسیار بد نظام آموزشی، بسیاری از دانش‌آموزان را به ترک تحصیل ترغیب کرده و بر اساس گزارش سازمان ملل، هم‌اکنون از هر ۵ عراقی، یک نفر بی‌سواد مطلق است. طبق بررسی‌ها در برخی از کلاس‌های درسی، به‌ویژه در مدارس دولتی، در هر کلاس بیش از ۷۰ دانش‌آموز تحصیل می‌کنند که این امر، سطح یادگیری در کلاس‌ها را به حداقل کاهش داده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که حملات گسترده به مؤسسات

۱. خالد الطائی، سایت الموطنی در تاریخ ۲۰۱۱/۰۱/۲۰ به آدرس: <http://mawtani.al-shorfa.com>

آموزشی، یکی از مشکلات اصلی نظام آموزشی عراق است. طبق آمار، تنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، بالغ بر ۳۱ هزار و ۵۹۸ مورد حمله به مؤسسات آموزشی دولتی این کشور به ثبت رسیده است. طبق برآورد آژانس‌های بین‌المللی در زمینه توسعه و نوسازی، حدود ۸۰ درصد از ۱۵ هزار مدرسه عراق، بعد از جنگ سال ۲۰۰۳، احتیاج به بازسازی و نوسازی دارند و به‌علاوه دارای کمبود تسهیلات بهداشتی، کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی نیز هستند. طبق ارقامی که برای سنجش نیازمندی‌های بازسازی در عراق و برای دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ میلادی در کنفرانس مادرید ارائه شد، بخش آموزش، ۴/۸۱ میلیون دلار را به خود اختصاص داده است که از این لحاظ در جایگاه سوم قرار دارد.<sup>۱</sup>

از مجموع ۶۱ هزار دانش‌آموز مدارس دولتی که برای گرفتن دیپلم در آزمون‌های پایان دبیرستان شرکت کرده‌اند، تنها ۲۷ درصد موفق به کسب نمره قبولی شده‌اند که این خود، گویای کیفیت پایین خدمات تحصیلی در مدارس دولتی است.<sup>۲</sup> ناامنی، فقر، بیکاری و ناامیدی نسبت به آینده، از عوامل مهم نبود رشد و توسعه آموزش در کشور عراق است.

## دو- مراکز مهم آموزشی

دانشگاه‌های دولتی عراق: دانشگاه بغداد، دانشگاه المستنصریه، دانشگاه نهرین، دانشگاه اسلامی بغداد، دانشگاه تکنولوژی بغداد، دانشگاه نظامیه،

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۶۵.

۲. وضعیت نامساعد خدمات آموزشی در مدارس دولتی عراق، در پایگاه اطلاع‌رسانی تخصصی آموزش به

تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۵ (کد خبر: ۱۵۳۱) به آدرس: <http://edupress.ir>

دانشگاه بیت الحکمه، دانشگاه بصره، دانشگاه موصل، دانشگاه کربلا، دانشگاه کوفه، دانشگاه ذی قار، دانشگاه میسان، دانشگاه تکریت، دانشگاه بابل، دانشگاه دیالی، دانشگاه الانبار، دانشگاه قادسیه، دانشگاه واسط، دانشگاه مثنی، دانشگاه کرکوک، دانشگاه صلاح‌الدین، دانشگاه سلیمانیه، دانشگاه دهوک، دانشگاه کویه، دانشگاه پزشکی هولیر و دانشگاه کردستان اربیل.

دانشگاه‌های خصوصی عراق: دانشگاه رافدین، دانشگاه تراث، دانشگاه منصور، دانشگاه معارف، دانشگاه حدباء، دانشگاه رشید، دانشگاه یرموک، دانشگاه آمریکایی - عراقی سلیمانیه، دانشگاه علوم اقتصادی بغداد، دانشگاه داروسازی بغداد، دانشگاه لبنانی - فرانسوی تجارت و اداره، دانشگاه دجله، دانشگاه دروس انسانی نجف، دانشگاه اسلامی نجف، دانشگاه شهر علم بغداد، دانشگاه مأمون، دانشگاه شط‌العرب، دانشگاه شیخ محمد کسنزان و دانشگاه شیخ طوسی.<sup>۱</sup>

در پنج سال اخیر، تعدادی از این دانشگاه‌ها در عراق افتتاح شده است که از آن جمله می‌توان به چهار دانشگاه بین‌المللی در کربلا، یعنی دانشگاه آمریکایی، هلندی، سن کلمنتس و نیز دانشگاه علوم اسلامی اشاره کرد.<sup>۲</sup>

### ج) ساختار دینی - مذهبی عراق

بر اساس ماده ۲ قانون اساسی عراق:

۱. اسلام دین رسمی کشور و منبع اصلی قانون‌گذاری است:

۱. دانشگاه‌های عراق در دانش‌نامه آزاد ویکی پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>

۲. دانشگاه آمریکایی العربیه در کربلا به نقل از پایگاه خبری الموطنی در تاریخ ۲۰/۱۰/۳۱ به آدرس:

<http://mawtani.al-shorfa.com>

الف: تدوین قوانینی که با احکام ثابت اسلامی تعارض دارد، جایز نیست؛  
 ب: تدوین قوانینی که با اصول دموکراسی تعارض دارد، جایز نیست؛  
 ج: تدوین قوانینی که با حقوق و آزادی‌های اساسی ذکرشده در این قانون اساسی تعارض دارد، جایز نیست.

۲. قانون اساسی، حفظ هویت اسلامی اکثریت ملت عراق و همچنین آزادی عقیده اجرای شعائر دینی برای همه افراد مانند مسیحیان، یزیدیان و صائبی‌های مندائی را تضمین می‌کند.<sup>۱</sup>

۹۷ درصد جمعیت عراق مسلمان هستند که از این میزان، ۶۰ - ۶۵ درصد را شیعه و ۳۲ - ۳۷ درصد را اهل سنت تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها حنفی و در رتبه بعد، شافعی هستند و سایر مذاهب، از جمله مسیحیان، یهودیان، ایزدی‌ها و ... نیز ۳ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شوند.<sup>۲</sup> گفتنی است، تا پیش از آوریل سال ۲۰۰۳ م، بیش از یک میلیون مسیحی در عراق زندگی می‌کردند، اما بعد از ورود اشغالگران به این کشور، چیزی کمتر از نیم میلیون نفر از آنها در محل زندگی خود باقی ماندند.<sup>۳</sup>

آشوری‌ها،<sup>۴</sup> بزرگ‌ترین بخش جمعیت غیرمسلمان این کشور را تشکیل می‌دهند. آشوری‌ها بعد از جنگ جهانی اول، به علت مشکلات بسیار، از

۱. جغرافیای کشور عراق، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۲. سایت سازمان CIA در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس: <https://www.cia.gov>.

۳. کلیساها هم همانند مساجد در فلسطین اشغالی مظلومند، رشاد ابو شاور، به آدرس:

<http://www.nedayequds.com>

۴. آشوریان یا کلدانیان بقایای ملت قدیم کلدیه هستند که از ۲۵۰۰ سال پیش در ایران زندگی می‌کردند. در دوره اشکانیان و ساسانیان به دین مسیحیت گرویدند و به یکی از مذاهب قدیمی آن، یعنی نستوری درآمدند. سیمای ایران، ایرج افشار، ص ۹۷.

ایران و به‌ویژه از ترکیه فرار کرده و در شمال عراق ساکن شدند. آنها پس از استقلال عراق از استعمار انگلیس در سال ۱۹۳۲ میلادی (۱۳۱۱ ه.ش)، با دولت عراق اختلاف پیدا کرده و از عراق به سوریه رفتند؛ در سوریه نیز با چالش‌هایی مواجه شدند و در بازگشت مجدد به عراق، با نیروهای عراقی درگیر شده و عده زیادی از آنان کشته شدند.<sup>۱</sup>

از زمانی که اشغال عراق از سوی نیروهای نظامی و مسیحی آمریکایی آغاز شد، مؤسسات و سازمان‌های تبشیری هم سعی کردند در تمام نقاط این کشور نفوذ کرده و به متزلزل کردن بنیان اعتقادی کودکان و جوانان عراقی پردازند؛ به طوری که تنها در سال ۲۰۰۳ یکصد سازمان مسیحی تبشیری در عراق فعال شد.<sup>۲</sup> بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و اظهارنظرهای کارشناسان عراقی و منطقه‌ای، سازمان‌های کشورهای غربی، به واسطه سرویس‌های جاسوسی همچون موساد و سیا، شبکه‌های اجتماعی و ... هم‌اکنون به دنبال گسترش آیین مسیحیت در کردستان عراق هستند.

یهود: مورخان صهیونیست با استناد به سخنان پیامبر یوشا در مورد «گمشدگان دیار آشور»، ادعا می‌کنند که عراق امروزی در زمان آشوریان، سرزمین ده خانواده بزرگ یهودی بوده که اسیر شده بودند. از این رو خاخام‌های یهودی، به محض سقوط رژیم صدام حسین، برای یافتن اسنادی در رابطه با این مدعای تاریخی، راهی شهر تاریخی بابل و دیگر

۱. تاریخ کشور عراق، برگرفته از سایت شناخت جغرافیایی تاریخ عراق در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ به آدرس:

<http://daneshgeography-1370.persianblog.ir>

۲. عراق مسیحی، مهسا خرمی، ۶ اسفند ۱۳۸۲، به آدرس: <http://www.bashgah.net>.

شهرها شده و دست به تحقیقات زدند. محافل یهودی و صهیونیست نیز با استناد به این ادعای احمقانه خاخام‌های یهودی، عراق را جزئی از اسرائیل بزرگ خوانده و الحاق آن را خواستار شدند.<sup>۱</sup>

طریقت قادریه: شیخ محمد کسنزانی حسینی، رئیس طریقت قادریه در جهان است؛ از اقدامات وی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. تأسیس دانشگاه شیخ محمد کسنزان که در آن علاوه بر عرفان، سیاست، قانون، زبان، علوم محاسبات و ریاضیات تطبیقی آموزش داده می‌شود؛

۲. تأسیس مجلس مرکزی صوفیه در عراق؛

۳. تأسیس پایگاه اینترنتی تصوف اسلامی؛

۴. تأسیس پایگاه اینترنتی طریقت قادریه کسنزانیه؛

۵. تأسیس مرکز جهانی تصوف و مطالعات روحی.<sup>۲</sup>

یزیدیه یا ایزدی‌ها یا یزیدیان، از ادیان باستانی رایج در کردستان است که به شیطان‌پرستی نیز معروف است. زبان ایزدی‌ها کردی است و بیشتر آنان در کردستان عراق (بیشتر در اطراف موصل و مغرب آن در ناحیه سنجار) و قسمت کردنشین ارمنستان و اطراف تغلیس زندگی می‌کنند؛ آنان در تمام قسمت‌های کردنشین وجود دارند و تعداد زیادی از آنان نیز در کشورهای اروپایی (به‌ویژه آلمان) پناهنده شده‌اند. شمار ایزدی‌ها حدود ۱۵۰ هزار نفر ذکر شده است.<sup>۳</sup>

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، «موجودیت اسرائیل در عراق»، ۱۳۸۷/۰۲/۱۷.

۲. الموقع الرسمي للطريقة العلية القادرية الكسنزانية، به آدرس: <http://www.kasnazan.com>.

۳. ایزدیان، سایت دانش‌نامه آزاد ویکی پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>.



## یک - توزیع جغرافیای جمعیت مذاهب مختلف

مسلمانان عراق از اقوام کرد و عرب تشکیل شده‌اند. همچنین بیشتر مسیحیان عراق از کلدانی‌ها و آشوری‌ها به شمار می‌آیند.<sup>۱</sup>

جمعیت شیعه از شهر کوت در جنوب بغداد آغاز می‌شود و هرچه به سوی جنوب عراق برویم، بر جمعیت شیعیان افزوده می‌شود. می‌توان گفت، حدود ۹۰ درصد مردم جنوب عراق، شیعه هستند. اینان در استان‌های بصره، نجف، کربلا، المثنی و میسان زندگی می‌کنند و شهرهای عمده آنان کوت، ناصریه، عماره، نجف، کربلا و بصره است. البته باید یک شهر را در جنوب عراق مستثنی دانست و آن شهر زبیر در نزدیکی بصره است که بیشتر مردم آن، سنی‌مذهب‌اند.<sup>۲</sup> به طور کلی می‌توان درصد شیعیان در مناطق مختلف را بدین ترتیب بیان کرد:

بصره: ۹۰٪ یا ۸۰٪، العماره: ۹۵٪، ناصریه: ۹۰٪، الكوت: ۹۰٪، نجف و کربلا: ۹۹٪، بغداد: ۵۰ یا ۵۵ یا ۷۰٪، دیالی: ۴۵٪، کرکوک: ۴۰٪، سلیمانیه: ۱۰٪، موصل: ۱۰٪، سامرا: ۳۵٪، الرمادی: ۵٪، تکریت: ۲٪، دهوک: ۵٪<sup>۳</sup>، حله و واسط: ۷۰٪ یا کمی بیشتر، اربیل: ۱۵٪. و بغداد ۷۰٪. در کل می‌توان گفت که ۹۰٪ یا ۹۵٪ در مناطق جنوبی، ۸۰٪ در مناطق میانی و ۱۰٪ در مناطق شمالی عراق شیعه هستند.<sup>۴</sup>

۱. روزنامه ایران، «مسیحیان عراق»، ش ۴۲۵۹، ص ۲۳.

۲. روزنامه همشهری، «یک کشور چند ملیتی (نگاهی به تکرر سیاسی و اجتماعی عراق)»، یوسف عزیزی بنی‌طرف، ۱۳۸۲/۵/۶.

۳. دیدگاه‌ها، جمعی از نویسندگان، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. همان.

بیشتر کردهای عراقی که سنی‌مذهب هستند، در مناطق شمالی عراق، شامل چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک زندگی می‌کنند. عرب‌های سنی نیز حدود ۲۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و از نظر جغرافیایی در بخش شمالی و مرکزی (اطراف بغداد) تمرکز یافته‌اند.

## دو- شیعیان

حدود ۶۰ - ۶۵ درصد مردم عراق، شیعه هستند و این کشور از مراکز عمده تشیع به شمار می‌رود. استان‌های کربلا، دیوانیه، حله، منتفک، عماره و کوت عراق، کاملاً شیعه هستند. در استان‌های دیالی، بغداد و بصره، اکثریت با شیعه است و در نقاط دیگر نیز شیعیان پراکنده‌اند. کوفه، کربلا، نجف، سامرا و کاظمین از شهرهای مذهبی شیعه هستند.<sup>۱</sup> شیعیان عراق، دوازده امامی بوده و به جز اندکی از مهاجران ایرانی در شهرهای نجف و کربلا، بیشتر آنها عرب هستند.<sup>۲</sup> به دنبال سقوط صدام، شیعیان بر هویت خود تأکید کرده و از این فضای باز جدید در جهت برپایی شعائر دینی‌شان بهره می‌برند.

نیمی از قبایل ترکمان عراق (ترک) که در شهرهایی چون تلعفر، کرکوک و سایر مناطق شمال عراق و در نزدیکی مرزهای ترکیه زندگی می‌کنند، شیعه هستند. همچنین در میان کردها نیز، گروهی به نام فیلی،

۱. سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان)، غلامرضا گلی زواره، صص ۴۵ - ۴۸.

۲. علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس، سید مرتضی کاظمی دینان، صص ۹۵.

شیعه هستند. این عشایر در شمال شرقی عراق، یعنی در بدره، جصان، مندلی، خانقین و غرب ایران، یعنی مهران، ایلام و کرمانشاه، زندگی می‌کنند و اصلیت آنان از پشت‌کوه لرستان ایران است.<sup>۱</sup>

جریان‌های سیاسی شیعیان در عراق یک‌دست نیست، بلکه خود دارای اختلافات و دسته‌بندی‌های درونی است؛ این جریان‌ها عبارت‌اند از: «ملی‌گرای سکولار»، «جریان معتدل» و «جریان تندرو».

ملی‌گرایان سکولار: شیعیان سکولار، میلی به پذیرش نگرشی ندارند که شیعه بودن آنها را نمایان سازد؛ آنها بیشتر مایل هستند، رویکردی فراگیر را دنبال کنند که مطالبات آنها را در چارچوب خواسته‌های تمامی عراقیان بگنجاند. افزون بر این، آنان تأکید بر هویت خاص شیعی را، هم برای منافع شیعیان و هم برای وحدت اجتماعی عراق زیان‌بار می‌دانند. به نظر می‌رسد که شیعیان سکولار را با داشتن چنین نگرشی، می‌توان ملی‌گرایان شیعی نیز نامید.

شیعیان غیرسکولار: شیعیان اسلام‌گرا در عراق با خواسته‌های سیاسی، به دو جریان تقسیم می‌شوند: یکی جریان معتدل که می‌توان آن را در قالب حزب‌الدعوه و سپس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق شرح داد و دیگری جریان رادیکال است که در چهره مقتدی<sup>۱</sup> صدر و جیش‌المهدی تعریف‌شدنی است.

مؤثرترین شخصیت‌های مذهبی شیعه: امروزه عالمان بزرگ و مؤثری در عراق از کیان اسلام و تشیع دفاع می‌کنند؛ مانند آیات عظام،

۱. جغرافیای تشیع عراق، حسین افق، ۱۳۹۱/۱۰/۲ در سایت زمانه به آدرس: <http://zamane.info>

سید محمدسعید حکیم، بشیر نجفی و فیاض. برخی از این علما، عراقی و برخی مهاجر هستند؛ مشهورترین و تأثیرگذارترین ایشان، آیت‌الله‌العظمی سیستانی است.<sup>۱</sup> سایر شخصیت‌های مذهبی عبارت‌اند از: شیخ مهدی‌آصفی، شیخ کاظم مقداری، شیخ باقری، سید کاظم حائری، محمدتقی مدرسی و برادران ایشان، سید صدرالدین قپانچی (امام جمعه نجف اشرف)، خاندان شهید حکیم، خاندان منتسب به شهید صدر اول و ثانی، شیخ باقر ایروانی (استاد حوزه علمیه)، شیخ دکتر جعفر باقری، سید عمار حکیم (مسئول مؤسسه شهید محراب)، شیخ فؤاد مقدادی و سید عمار ابورغیف.<sup>۲</sup>

### سه - مراکز فرهنگی و دینی

حوزه‌های علمیه نجف، کربلا، حلّه و ... نزدیک به هزار سال، مرکز علمی، فرهنگی و مرجعیت جهان تشیع بوده‌اند؛ ولی بعد از روی کار آمدن حزب بعث، به تدریج با فشار حکومت، حوزه‌های عراق ضعیف شد و بسیاری از علمای عراق به ایران و قم مهاجرت کردند. بعد از سقوط صدام، اندکی حوزه‌های علمیه عراق رونق گرفت، ولی با ناامنی‌های وسیع، نتوانست مرکزیت جهان تشیع را باز یابد.<sup>۳</sup> مراکز و مدارس علمیه متعددی در عراق وجود دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. دانشگاه شیخ طوسی، وابسته به مجلس اعلای عراق که دارای

رشته‌های علوم قرآنی و تبلیغ اسلامی است؛

۱. اطلس شیعه، رسول جعفریان، صص ۳۵۹ - ۳۸۶.

۲. دیدگاه‌ها، جمعی از نویسندگان، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۳. اطلس شیعه، صص ۳۵۹ - ۳۸۶.

۲. مدرسه الامام المهدي، زیر نظر آقای قبانچی بوده و در آن دروس حوزوی تدریس می شود؛
  ۳. مدرسه الامام الحکیم که زیر نظر بیت آیت الله حکیم اداره می شود؛
  ۴. المدرسة اللبنانية؛
  ۵. المدرسة البغدادیه؛
  ۶. مجمع اهل البيت که از سوی آیت الله محمد مهدي آصفی، نماینده مقام معظم رهبری اداره می شود؛
  ۷. الجامعة الدينية تحت اشراف و نظارت سید علی البجاج (این مرکز از سوی آیت الله سید محمد کلانتر تأسیس شد)؛
  ۸. مدرسه الامام موسی الکاظم علیه السلام زیر نظر آیت الله سید محمد سعید حکیم؛
  ۹. جامع السبزواری زیر نظر آیت الله شیخ محمد باقر ایروانی.
- فعالیت های ضد شیعه: فعال ترین گروه های ضد شیعه در عراق عبارت اند از: وهابیت (وابسته به عربستان)، تنظیم القاعده (وابسته به اسامه بن لادن و زرقاوی)، سازمان منافقین ایران (که دستش به خون بسیاری از مردم ایران و شیعیان عراق آلوده است) و جماعة السلفیة. همچنین مؤثرترین شخصیت ضد شیعی در عراق، احمد الکاتب است که تحت تأثیر وهابیت، کتب زیادی بر ضد شیعه نوشته است.<sup>۱</sup>

### چهار- اماکن و شهرهای مذهبی

گفته شد که کشور عراق، مهد تمدن های بزرگی بود که به ویژه در منطقه بین النهرین ظهور و غروب کرده اند. اما در این میان، گسترش دین

۱. دیدگاه ها، جمعی از نویسندگان، ج ۱، ص ۳۷۱.

اسلام به این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گرچه زمانی عراق جزو حوزه تمدن ایران محسوب می‌شد و چه‌بسا اکنون نیز بسیاری از مظاهر تمدن ایرانی در آن مشاهده می‌شود، ولی بیش از هر چیز، این تمدن اسلامی است که در این کشور خودنمایی کرده و از زمان ظهور اسلام تا به امروز نیز مهم‌ترین تمدن این منطقه محسوب می‌شود. از جنبه‌ای دیگر، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام پایتخت خود را شهر کوفه انتخاب کرد، منطقه عراق اهمیتی دوچندان یافت و بسیاری از وقایع تاریخی اسلام در این منطقه رخ داد. مهم‌ترین پیامد این مسئله، ظهور مذهب شیعه در این منطقه بود که امروزه نیز بزرگ‌ترین مذهب عراق را از لحاظ جمعیتی شامل می‌شود و بیشترین تأثیرات فرهنگی و مذهبی را نیز به خود اختصاص داده است. یکی از جلوه‌های مهم تمدن اسلامی - شیعی، شهرهای مذهبی عراق است که آرامگاه ائمه اطهار علیهم السلام شیعه است. در ادامه به معرفی مختصر این شهرها می‌پردازیم.

### نجف

شهر نجف اشرف مهم‌ترین شهر مذهبی عراق، مدفن امیرالمؤمنین علیه السلام و مرکز استان نجف است. استان نجف از شمال به دو استان شیعه‌نشین کربلا و قادسیه می‌رسد و از غرب به استان الانبار. نواحی جنوبی این استان با کشور عربستان سعودی مرز مشترک دارد.

بخش مرکزی شهر نجف اشرف در موقعیت جغرافیایی ۳۲ درجه شمالی و ۴۴ درجه و ۱۹ دقیقه شرقی قرار گرفته و زاویه انحراف قبله آن ۲۱ درجه و ۵۳ دقیقه است. ارتفاع این شهر از سطح دریا، ۱۰ الی ۸۰ متر

بوده و مرتفع‌ترین قسمت آن، منطقه حرم و اطراف آن و پست‌ترین قسمت آن، قسمت غربی شهر، یعنی بحرالنجف یا دریای قدیمی نجف است. شهر نجف در ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی کربلا و ۱۶۰ کیلومتری جنوب بغداد قرار گرفته است.

شهر نجف از لحاظ جغرافیایی، به شهر کوفه پیوسته است و در غرب آن قرار دارد. نزدیکی شهر نجف و کوفه به نحوی است که نمی‌توان این دو شهر را از همدیگر مجزا دانست. نجف در قدیم به عنوان یکی از مناطق حاشیه‌ای کوفه محسوب می‌شد؛ ولی امروزه به خاطر اهمیت بالای نجف و موقعیت مذهبی و سیاسی آن، این شهر کوفه است که در ذیل نجف و تحت قیمومیت آن قرار گرفته است.

نجف قدیم به حالت یک منطقه بیضی نامنظم است که قطر شرقی - غربی آن ۹۵۰ و قطر شمالی - جنوبی آن ۷۸۰ متر است؛ دور این منطقه را خیابانی به نام شارع‌المحیط احاطه و خیابان طوسی و الرسول آن را به دو بخش شرقی - غربی و خیابان امام صادق علیه السلام و امام زین‌العابدین علیه السلام که در شمال و جنوب حرم، موازی با هم امتداد دارند، این منطقه را به بخش‌های شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند که حرم و بازار در حد فاصل آنها قرار دارند. در مجاورت حرم مطهر، سوق کبیر یا بازار بزرگ نجف قرار دارد که مهم‌ترین قطب تجاری شهر است و اصناف گوناگونی را در خود جای داده است.

منطقه نجف قدیم به چهار محله مشراق، براق، عماره و حویش تقسیم شده است. به علت وجود مرقد مطهر امام علی علیه السلام و حضور

علمای بزرگ کشور عراق در شهر نجف، از جمله آیت‌الله سیستانی و افراد متعددی از خاندان آیت‌الله حکیم و صدر و همچنین وجود حوزه‌ها و مدارس علمیه متعدد و علما و طلاب علوم دینی، نجف، مرکز قدرت سیاسی شیعیان در عراق به شمار می‌رود. در متون تاریخی، اسامی گوناگونی برای نجف ذکر شده است، از جمله غری یا غریان، مشهد، نجف اشرف، الطور، الطهر، الجودی، الربوه، بانقیا و اللسان.

با وجود سابقه تاریخی برای نجف، تا پیش از آشکار شدن قبر مطهر حضرت علی علیه السلام در عصر اسلامی تا زمان عباسی، نام چندانی از نجف به چشم نمی‌خورد. آشکار شدن قبر مطهر حضرت علی علیه السلام نقطه عطف تاریخ نجف به حساب می‌آید.

حضرت علی علیه السلام در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری قمری به شهادت رسید. پیکر مطهر حضرت بر اساس وصیت ایشان، شبانه دفن شد. فرزندان امام علیه السلام، ایشان را مخفیانه دفن کردند تا خوارج و یاران معاویه، امکان جسارت به قبر مطهر را نیابند.<sup>۱</sup> از مکان قبر امام علی علیه السلام تنها فرزندان و یاران خاص ایشان باخبر بودند و به صورت مخفیانه ایشان را زیارت می‌کردند. امام سجاد علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام به صورت پنهانی در دوران بنی مروان به زیارت قبر حضرت می‌رفتند. امام صادق علیه السلام در عصر بنی عباس، بارها از مدینه به عراق رفتند و قبر جدشان حضرت علی علیه السلام را زیارت کردند. ایشان هر بار عده‌ای از اصحاب نزدیک را با خود همراه می‌ساختند و آنان را به قبر آن حضرت راهنمایی می‌کردند.

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ص ۲۳۴.



سنت زیارت مرقد شریف حضرت علی علیه السلام از زمان امام صادق علیه السلام به صورت محدود و مخفیانه رونق گرفت.<sup>۱</sup> این مکان مقدس بیش از نود سال برای عموم پنهان ماند. با آشکار شدن مزار امام علیه السلام در زمان منصور عباسی به سال ۱۳۵ هـ.ق و در زمان امام صادق علیه السلام، شهر نجف مورد استقبال و توجه عمومی قرار گرفت و عمران و آبادانی آن آغاز شد.<sup>۲</sup>

در حرم قدسی امام علی علیه السلام علمای بسیاری همچون علامه حلی، مقدس اردبیلی، شیخ مرتضی انصاری، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عباس قمی، شیخ جعفر شوشتری، آیت الله خوئی و شهید سیدمصطفی خمینی مدفون هستند.

شهر نجف اشرف و اطراف آن، علاوه بر مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام، اماکن زیارتی فراوانی وجود دارد؛ از جمله قبرستان وادی السلام. وادی السلام نام قبرستانی کهن و یکی از مکان‌های مقدس نجف است که در آن هزاران نفر به خاک سپرده شده‌اند؛ از جمله قبر تعدادی از پیامبران و بسیاری از سادات، صالحان و بزرگان دین نیز در آن است. این قبرستان قدیمی و تاریخی نجف اشرف، در شمال شرقی شهر واقع است و بیست کیلومتر مربع مساحت دارد. قدمت آن به بیش از هزار سال می‌رسد و بسیاری از قبرهای آن دارای بقعه و گنبد است. برای این قبرستان، فضایل زیادی نقل شده است؛ از جمله: امام علی علیه السلام می‌فرماید: در این سرزمین، ارواح مؤمنان دسته دسته با یکدیگر صحبت می‌کنند

۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۸.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۲.

و هر مؤمنی در هر جایی از زمین بمیرد، به او گفته می‌شود: «به وادی السلام ملحق شو که وادی السلام جایگاهی از بهشت است.<sup>۱</sup>»

شخصی می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

إِنَّ أَخِي بِيَعْدَادَ وَ أَحَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا فَقَالَ مَا تَبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ أَمَا إِنَّهُ لَا  
يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي  
السَّلَامِ قُلْتُ لَهُ وَ آيِنَ وَادِي السَّلَامِ قَالَ ظَهَرَ الْكُوفَةَ أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ  
حَلَقٌ حَلَقٌ فَعُوذُ بِتَحَدُّثُونَ.<sup>۲</sup>

برادری دارم که در بغداد زندگی می‌کند و می‌ترسد که در بغداد بمیرد. امام فرمودند، نگران نباشد؛ چون هر مؤمنی در شرق یا غرب زمین بمیرد، روح او به وادی السلام برده می‌شود. پرسیدم وادی الاسلام کجاست؟ حضرت فرمودند: پشت کوفه است؛ مثل اینکه می‌بینم آنها در حلقه‌های دور هم نشسته‌اند و با هم گفت‌وگو می‌کنند.

مدفن پیامبرانی همچون حضرت هود علیه السلام و صالح علیه السلام، مقام امام زمان علیه السلام، مرقد علمای بسیاری مانند آیت‌الله قاضی طباطبائی و مشاهیری همچون شهید رئیس علی دلواری، در وادی السلام است. همچنین مکان‌های پرفضیلت و مهم دیگری نیز در نجف وجود دارد؛ مانند: مقام امام سجاد علیه السلام، مرقد صافی صفا، مرقد کمیل بن زیاد نخعی و مسجد مقدس حنانه.

## کوفه

شهر کوفه در مجاورت شهر مقدس نجف، از قدیمی‌ترین شهرها در جهان اسلام بوده و سابقه بنای آن به سال ۱۷ هجری قمری و دوره

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۳۷، ص ۲۲.

۲. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، باب فی أرواح المؤمنین، ج ۳، ص ۲۴۴.

جنگ‌های مسلمانان برای فتح ایران باز می‌گردد. این شهر در زمان فرماندهی سعد ابی وقاص بنا نهاده شد و در عصر خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پایتخت جهان اسلام بود. زائران گرامی در طول سفر معنوی خود از این شهر و اماکن زیارتی آن بهره‌مند می‌شوند.

### مسجد جامع کوفه

مسجد جامع کوفه، یکی از چهار مسجد مهم و مقدس جهان اسلام (پس از مساجد مکه، مدینه و مسجد الاقصی) است. این مسجد، مسجدی است مربع‌شکل به طول ۱۱۰ متر و عرض ۱۱۶ متر؛ صحنی وسیع و بدون سقف و دیواری عظیم و مرتفع دارد؛ همانند برج و باروهای شهرهای کهن که در دوران عضدالدوله دیلمی ساخته شده است. این مسجد گنجایش ۴۰/۰۰۰ نفر را دارد. مسجد کوفه اولین بنای شهر کوفه بود و در مرکز شهر ساخته شد و مجاهدان مهاجر، خانه‌های خود را گرداگرد آن بنا کردند.

در این مسجد شریف و پرفضیلت، اماکن و مقام‌های معنوی متعددی وجود دارد که بدین شرح است:

۱. باب الثعبان (یا دروازه اژدها)؛ یکی از دروازه‌های نخستین و کهن مسجد کوفه است و در میانه دیوار شمالی مسجد قرار دارد که در اینجا یکی از معجزات امیرالمؤمنین علی علیه السلام ظاهر شد؛

۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام؛

۳. مقام حضرت خضر علیه السلام؛

۴. دکه القضاء؛ سکویی است که بنا بر روایات، جایگاه قضاوت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و در شمال شرقی مسجد قرار دارد؛

۵. بیت الطشت؛ در مجاورت دکه القضاء قرار دارد و جایگاهی است که در آن، یکی از معجزات حضرت علی علیه السلام به وقوع پیوست (تفصیل آن در «مفاتیح الجنان» آمده است)؛
۶. محل به گِل نشستن کشتی نوح که اکنون به صورت حوض زیبایی در میان مسجد مشخص شده است. بنا بر روایات، کشتی حضرت نوح علیه السلام پس از مدت‌ها سرگردانی، در این نقطه به خشکی رسید؛
۷. دکه المعراج؛
۸. مقام حضرت آدم علیه السلام؛
۹. مقام جبرائیل علیه السلام؛
۱۰. مقام امام زین العابدین علیه السلام؛
۱۱. مقام حضرت نوح علیه السلام؛
۱۲. محراب امیرالمؤمنین علیه السلام که محل شهادت آن حضرت نیز می‌باشد؛
۱۳. مقام و محراب امام صادق علیه السلام؛
۱۴. حرم مسلم بن عقیل که آرامگاه حضرت مسلم است. این شخصیت والامقام، در بیرون باروی مسجد کوفه و در سمت جنوب شرقی آن قرار دارد که از طریق راهروی کوتاهی از مسجد، می‌توان به درون صحن آن قدم نهاد. حرم حضرت مسلم علیه السلام، فضای وسیعی در شرق مسجد کوفه را در بر گرفته و از گنبد طلایی بزرگ و چندین رواق، شبستان و ایوان تشکیل شده است؛
۱۵. آرامگاه مختار بن ابی عُبَیْدَه ثَقَفی؛ وی سرداری بود که پس از واقعه کربلا به قیام پرداخت و انتقام خون آن شهدای بزرگوار را از

قاتلان آنان ستاند و آنان را به جزای اعمالشان در این دنیا رسانید. قبر او در گوشه شبستانی در حرم حضرت مسلم، از سمت جنوب قرار دارد.

۱۶. آرامگاه هانی بن عروه؛ آرامگاه وی در برابر حرم حضرت مسلم و در سمت شمالی صحن او قرار دارد. وی از شیعیان باوفا و میزبان و همرمز مسلم بن عقیل در کوفه بود و به همراه او به شهادت رسید.

### مرقد میثم تمار

با فاصله حدود سیصد متر از مسجد، آرامگاه میثم تمار قرار گرفته است. وی یکی از یاران باوفا و فداکار امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود که بر اثر پایداری در ایمان به آن حضرت به شهادت رسید.

### قصر دار الاماره یا مقر والی کوفه

این ساختمان، کهن ترین ساختمان اسلامی در عراق به شمار می آید و به دست سعد ابن ابی وقاص در سال ۱۷ ه. ق، پس از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره، ساختمانی است مربع شکل به ابعاد ۱۱۰/۳۶ متر و ۱۱۰/۲۴ متر که امروزه، تنها پایه ها و برخی دیوارهای فروریخته آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمان های عبرت انگیز روزگار است. مسلم در این قصر به شهادت رسید و سر مبارک امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا نیز در این قصر به نمایش گذاشته شد. سرهای قاتلان آن بزرگواران به دست انتقام گیرندگان نیز همین طور؛ آن گاه ظالمان دیگری سرهای این انتقام گیرندگان را بریدند و در آن به نمایش گذاشتند.

### مسجد سهله

مسجد سهله یکی از مساجد مبارک و پرفضیلت شهر کوفه است و روایات فراوانی در فضیلت عبادت در آن مسجد آمده است. این مسجد در فاصله دو کیلومتری غرب مسجد کوفه واقع است و از صحنی وسیع به ابعاد ۱۴۰ متر و ۱۲۵ متر با دیواری مرتفع تشکیل شده و در آن محراب‌های متعددی قرار دارد که منسوب به معصومان علیهم‌السلام است و در میانه سمت جنوب مسجد، جایگاه بزرگی است که بر روی گنبدی قرار دارد و به «مقام حضرت حجت علیه‌السلام» مشهور است. این مقام در سال‌های اخیر، جهت بازسازی تخریب و بنایی جدید و باشکوه با اشراف آیت‌الله حکیم به جای آن در حال ساخت است.

مقامات مسجد سهله عبارت‌اند از:

۱. مقام امام صادق علیه‌السلام؛
۲. مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام؛
۳. مقام و منزل حضرت ادریس علیه‌السلام؛
۴. مقام حضرت خضر علیه‌السلام؛
۵. مقام انبیا و صالحین علیهم‌السلام؛
۶. مقام امام زین العابدین علیه‌السلام؛
۷. مقام حضرت حجت علیه‌السلام.

### مسجد صَعَصَعَة بن صُوحان

صعصعه یکی از یاران باوفای امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. این مسجد که عبادتگاه وی بوده، در نزدیکی مسجد سهله قرار دارد.

### مسجد زید بن صعصعه

این مسجد مبارک نیز در نزدیکی مسجد پیشین قرار دارد.

#### مقام یونس علیه السلام

این جایگاه که امروزه شکل و هیئت مسجد دارد، در میان مردم، به غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متی علیه السلام شهرت یافته است. در قسمتی از گنبد خانه آن، محرابی است که گفته می شود امیر مؤمنان علیه السلام در آنجا نماز گزارده است. این مقام، امروزه در کنار رودخانه فرات و در فاصله یک کیلومتری از مسجد کوفه واقع است و بنا بر برخی روایات، حضرت یونس علیه السلام در اینجا، از شکم نهنگ بیرون انداخته شد. باید افزود که آرامگاه حضرت یونس علیه السلام در شهر موصل، بر بلندای تپه‌ای قرار دارد و دارای گنبد و صحن و سراسر است.

#### آرامگاه ابراهیم الغم

او ابراهیم، فرزند حسن مُثَنّی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام بود؛ قبر او در سمت مغرب قبر میثم تمار، در محله‌ای به نام «حَیّ کِنْدَه» قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.<sup>۱</sup>

#### کربلا

شهر کربلا مدفن پاک امام حسین علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام و یاران پاکشان و محل وقوع واقعه خونین تاریخ تشیع است. کربلا مرکز استان کربلا بوده و در موقعیت جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۳

۱. اقتباس از: اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، محمدرضا قمی.

دقیقه تا ۳۲ درجه و ۳۹ دقیقه شمالی و ۴۳ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۴۴ درجه و ۳ دقیقه شرقی قرار گرفته است. زاویه انحراف قبله آن ۱۷ درجه است. ارتفاع این شهر بین ۲۰ الی ۴۵ متر از سطح دریا بوده و مرتفع‌ترین قسمت آن مربوط به فضای اطراف حریم مطهر و پست‌ترین قسمت آن، قسمت شرقی شهر، یعنی جاده کربلا - طویریج است که نزدیک به رودخانه فرات قرار دارد. البته با حرکت به سمت جنوب غربی، شهر تا ارتفاع ۵۰ متر از سطح دریا نیز ادامه خواهد داشت. کربلا در ۷۵ کیلومتری شمال غربی نجف و ۸۰ کیلومتری جنوب غربی بغداد قرار گرفته است. فاصله آن تا شهر کاظمین ۱۱۰ و تا شهر سامرا ۲۲۰ کیلومتر است. نزدیک‌ترین شهر مهم عراق به کربلا، شهر حله، مرکز استان بابل است که در ۳۵ کیلومتری شرق شهر کربلا قرار دارد. در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر کربلا، شهر مسیب قرار دارد که رودخانه فرات از آن رد می‌شود و مرقد مطهر طفلان مسلم در آن قرار دارد. در داخل شهر کربلا، شاخه‌ای از رودخانه فرات به نام نهر حسینیه قرار دارد که سبب آبادانی و وجود نخلستان‌های متعدد در قسمت شمالی شهر کربلا شده است؛ آب این نهر به هیچ عنوان قابل شرب نبوده و به دلیل ورود فاضلاب‌های خانگی، بسیار آلوده است. کربلا از جنوب و غرب به بیابان‌های عراق می‌رسد و در شمال غربی آن دریاچه نمک الزازه قرار دارد.

### سیر تاریخی کربلا

این شهر تا سال ۶۱ هجری قمری بیابانی بود و به نام‌های نینوا، غاضریه و طف شناخته می‌شد. بعد از سال ۶۱ قمری و واقعه عاشورا،



این شهر به تدریج مورد توجه شیعیان قرار گرفت و پس از ساخت گنبد و بارگاه برای آن شهدا، به یکی از مهمترین شهرهای زیارتی جهان اسلام تبدیل شد. امام حسین در روز دوم محرم سال ۶۱ قمری، همراه کاروانش به کربلا رسید و پس از اطلاع از نام آن سرزمین فرمود: «به خدا سوگند، این روز کرب و بلاست»؛<sup>۱</sup> سپس آن را بویید و فرمود: «به خدا سوگند، این همان سرزمینی است که جبرئیل به پیامبر خدا ﷺ خبر داده و من در آن کشته می‌شوم».<sup>۲</sup> بنا بر برخی روایات، امام حسین علیه السلام، قسمتی از زمین کربلا را که اکنون شامل مرقد شریفشان و سایر شهدای کربلا می‌شود، به شصت هزار درهم از اهل نینوا و غاضریه خریداری کرد و با آنها شرط نمود که مردم را برای زیارت قبرش راهنمایی کنند و از زائران قبرش تا سه روز پذیرایی کنند.

### معنا و اسامی کربلا

کربلا به معنای محلی است که نزد خدا مقدس و مقرب است یا حرم خداست. وقتی سیدالشهدا علیه السلام به این سرزمین رسید، پرسید اینجا چه نام دارد؟ گفتند، کربلا! چشمان آن حضرت پر از اشک شد و پیوسته می‌فرمود: «اللهم اني اعوذ بك من الكرب والبلاء» و یقین کرد که شهادتگاه خود و یارانش همین جاست و فرمود، اینجا سرزمین رنج و گرفتاری و بلاست؛ اینجا محل فرود آمدن ما و جایگاه ریخته شدن خون‌های ماست. در متون تاریخی، اسامی گوناگونی برای کربلا ذکر شده است؛

۱. دانش‌نامه امام حسین علیه السلام، محمد محمدی ری‌شهری، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲. همان.

مانند نینوا، غاضریه، طف، عقر بابل، نواوویس، الروضه، الحیر، الحائر و ... علت نام گذاری این منطقه به الحائر این بود که در دوران متوکل عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین علیه السلام را به آب ببندند تا ویران شود و هنگامی که آب رودخانه را بدین سو سرازیر کردند، آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام «الحائر» (آب سرگردان) نامیده شد.

### کربلا پس از شهادت امام حسین علیه السلام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، هنگامی که دشمنان، میدان جنگ را با بدن های مطهر شهیدان ترک کردند، طایفه بنی اسد که از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده و مسکن آنان غاضریه بود، در میدان حاضر شده و با راهنمایی امام سجاد علیه السلام، شهدا را دفن کردند. پس از آن با گذشت زمان، قبه و نشانگاهی برای قبر مطهر ساخته شد و پس از مدتی، شیعیان و عاشقان اباعبدالله الحسین علیه السلام در اطراف قبر مطهر ساکن شدند و شهر کربلا ساخته شد. اگر چه در طول تاریخ، شیطان صفتان و خونخوارانی همچون امویان، متوکل عباسی، وهابیان و بعثی ها به حرم مطهر متعرض شدند و کل حرم یا بخش هایی از آن را تخریب کردند، ولی با همت شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام، این حرم بازسازی و تعمیر شد.

در حال حاضر شهر کربلا را می توان به دو قسمت تقسیم کرد؛ بافت قدیمی که شامل حرمین شریف امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و محدوده اطراف آن به شعاع تقریباً ۵۰۰ متر است که ساختار آن به شکل بافت سنتی و قدیمی باقی مانده است و بافت جدید که مناطق نوساخت را

شامل می‌شود. این منطقه نسبت به حرم، فاصله بیشتری داشته و منظم‌تر ساخته شده است و بیشتر در قسمت جنوبی و غربی شهر قرار دارد.

### کاظمین

سابقه تاریخی شهر کاظمین در جوار بغداد، به عصر ساسانیان می‌رسد. از آنجا که بغداد در آن عصر، شهری مذهبی و جایگاه خدا یعنی «بَغ» بود، حاشیه بغداد به «تسوج» معروف بود<sup>۱</sup> که بعدها کاظمین به جای آن شکل گرفت. در جنگ نهروان به سال ۳۷ ه. ق، به دستور امام علی علیه السلام، شهیدان جنگ را در این مکان به خاک سپردند که آن را «مقبرة الشهداء» نامیدند. در عصر عباسی، به هنگام توسعه و احیای بغداد و انتخاب آن به عنوان پایتخت، این قبرستان به «شونیزی» معروف بود و خلیفه، منصور عباسی در سال ۱۴۵ ه. ق، آنجا را برای دفن بزرگان و خاندان عباسی در نظر گرفت و از آن پس، به نام گورستان قریش شهرت یافت.<sup>۲</sup> امامین هم‌امین کاظمین، پس از شهادت در همین قبرستان به خاک سپرده شدند.

امروزه کاظمین بخشی از شهر بغداد در شمال غربی این شهر تاریخی است. کاظمین در واقع منطقه‌ای مثل شهر ری در تهران است که پیش از این شهری کوچک و مستقل بود و بعدها در اثر گسترش شهر بغداد به شهر پیوست. مهم‌ترین قسمت کاظمین، حرم شریف امامین کاظمین علیهم السلام است که مانند نگینی بر شهر می‌درخشد. حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام در بخش مرکزی کاظمین و یک کیلومتری رودخانه دجله

۱. معجم البلدان، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲. همان.

قرار دارد. قبر مطهر دو امام در داخل یک ضریح مشترک قرار دارد که قبر مطهر امام موسی کاظم علیه السلام در قسمت جنوبی و رو به قبله و قبر مطهر امام جواد علیه السلام در پشت آن و در قسمت شمالی ضریح قرار دارد. حرم مطهر امامین کاظمین، تقریباً ۲۰/۰۰۰ متر مربع و محیط آن تقریباً ۶۵۰ متر است. ویژگی اصلی حرم که آن را از تمامی حرم‌های ائمه متمایز می‌کند، داشتن دو گنبد طلایی‌رنگ است؛ در حالی که دیگر حرم‌ها - حتی حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام که در آنها نیز دو امام به خاک سپرده شده است - یک گنبد دارد. حرم، درهای متعددی دارد؛ ولی اصلی‌ترین در آن برای تردد زوار، دو در به نام‌های باب‌المراد و باب‌القبله است.

در داخل حرم مطهر، علاوه بر مضع امامین کاظمین، قبر مطهر شیخ مفید (یکی از عالمان بزرگ شیعه)، خواجه نصیرالدین طوسی و ... نیز قرار دارد. در بیرون حرم نیز قبر مطهر سید رضی، گردآورنده نهج البلاغه و برادر گرامی و صاحب کرامتشان، سید مرتضی علم‌الهدی نیز وجود دارد.

### سامرا

سامرا همچون شهرهای دیگر عراق، قدمت دیرینه‌ای دارد. برخی زمان بنای آن را عصر قبل از اسلام، یعنی دوران اشکانیان و ساسانیان می‌دانند؛ برخی نیز شاپور ذوالاکتاف را بانی این شهر دانسته‌اند.<sup>۱</sup> به گفته یاقوت حموی، سامرا را «سام بن نوح» ساخت.<sup>۲</sup>

سامرا همراه دیگر شهرهای عراق در سال ۱۴هـ.ق. به دست سعد بن

۱. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، ج ۹، ص ۱۹.

۲. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۲.

ابی وقاص فتح شد. از این هنگام تا پایان قرن دوم هجری، تنها یک دیر در سامرا وجود داشت؛<sup>۱</sup> البته برخی از خلیفه‌های اسلامی از جمله منصور و هارون، کوشیدند آن را آباد کنند و حتی هارون قصری اطراف آن ساخت و کانالی در آن حفر کرد. از آن هنگام تا دوران معتصم (قرن سوم هجری) از سامرا سخنی در منابع نیست تا آنکه خلیفه، به احیاء و تجدیدنمای این شهر پرداخت.<sup>۲</sup>

در سال ۲۲۱ ه. ق، به لحاظ آنکه معتصم، ترکان را بر امور نظامی و دیوانی مسلط ساخته بود، هفتاد هزار نفر از نظامیان ترک بغداد را جولان‌گاه تاخت و تاز اسب‌های خویش ساخته و بی‌مهابا در کوجه‌های شهر می‌تاختند و برای مردم شهر مزاحمت و آزارهای زیادی ایجاد می‌کردند،<sup>۳</sup> از آن رو، برخی از مردم به معتصم شکایت کرده و او نیز به چاره‌جویی پرداخت و در اطراف بغداد، نقطه‌ای بهتر و مناسب‌تر از این مکان نیافت<sup>۴</sup> و چون ساخت شهر را به پایان رساند، ترکان را از بغداد به سامرا برد و مردم شهر را از آزار آنان رهانید.<sup>۵</sup> وقتی مردم، شهر جدید را دیدند، خوشحال شدند که از آزار و اذیت ترکان خلاصی یافته‌اند و آنجا را «سر من رأی» نامیدند، یعنی خوشحال شد کسی که آن را دید.<sup>۶</sup>

از آن زمان، پایتخت خلافت عباسی بین سال‌های ۲۲۱ تا ۲۷۶ ه. ق،

۱. تاریخچه شهر سامرا و زندگانی عسکریین، مصلح‌الدین مهدوی، ص ۵.

۲. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۴.

۳. الکامل فی التاریخ، عزالدین ابن الکریم ابن اثیر، ج ۶، صص ۴۴۶ - ۴۵۲.

۴. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن الحسین مسعودی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۵. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۴؛ تاریخ فخری، ابن طقطقی، ص ۳۲۱.

۶. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، مقدسی، ص ۶۳.

به سامرا انتقال یافت و این شهر در دوره معتصم بسیار آباد شد. با توجه به آنچه بیان شد، هرچند گفته می‌شود که سامرا از جهت پیشینه تاریخی، قدیمی‌ترین شهر تاریخ<sup>۱</sup> و از نظر آب و هوا، مرغوبیت خاک و...، مطبوع‌ترین و زیباترین شهر در عراق بوده است، ولی امروزه این‌گونه نیست. روزگاری عراق را قلب زمین و سامرا را قلب عراق می‌نامیدند، ولی حالا همان شهر را نه جلالی مانده و نه جمالی<sup>۲</sup>؛ در این شهر، به جز آستان مقدس عسکرین عليه السلام که چون ماه تابان در شب سیاه سامرا می‌درخشد و چشم هر بیننده‌ای را به خویش جلب می‌کند، چیز جالب توجه دیگری در سامرا باقی نمانده است.

بیشتر سامرا از شهرهای استان بغداد محسوب می‌شد، ولی اکنون مرکز استان صلاح‌الدین است. صدام حسین که خود را متولد شهر تکریت<sup>۳</sup> می‌خواند، با تأسیس این استان و با نام‌گذاری آن به نام صلاح‌الدین ایوبی<sup>۴</sup>، دو هدف متضاد را دنبال می‌کرد، وی که به حق حجاج ثانی و نرون عرب نام گرفته است، با این کار شیطنت‌آمیز، هم می‌خواست خود را فاتح بیت‌المقدس بنامد و به رجزهای دروغین خویش ادامه دهد و هم اینکه می‌خواست خودش را نابودکننده حکومت شیعه ایران بنامد؛ حکومتی که با دست پرکفایت فقیهان فرزانه اداره

۱. مجله النور، «سامرا اقدم مدینة فی التاريخ»، العدد الثامن عشر، ص ۲۴.

۲. مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، ج ۱، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳. تکریت شهری است در شمال استان صلاح‌الدین.

۴. یوسف بن ایوب صلاح‌الدین ایوبی، (۵۳۲ - ۵۸۹ ه.ق) متولد تکریت بود و در دمشق درگذشت. وی را فاتح بیت‌المقدس در جنگ صلیبیین خوانده‌اند؛ او بود که خلیفه فاطمی و شیعی را در مصر عزل کرد و به شیعیان به سختی کینه می‌ورزید و با آل عدالت سر ستیز داشت.

می‌شد و می‌شود. اکنون سامرا مرکز استان - به اصطلاح - صلاح‌الدین است؛ استانی که از شرق به استان تمیم (کرکوک)، از شمال به نینوا، از غرب به استان الأنبار و از جنوب به بغداد می‌پیوندد.

امام هادی علیه السلام، علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا، در دوم رجب سال ۲۱۴ ه.ق، در قریه ابواء، نزدیک مدینه به دنیا آمد و در عصر متوکل، بر اساس اجبار او، در سال ۲۴۳ ه.ق، از مدینه رهسپار سامرا شد؛ زیرا شنیده بود که در مدینه، پیروان و طرفدارانی یافته و او را امام می‌دانند.<sup>۱</sup> آن حضرت بیست سال و نه ماه در سامرا اقامت کرد و سرانجام در روز چهارشنبه، ۲۶ جمادی‌الآخر ۲۵۴ ه.ق، در منزل خود (کوی معروف به «شارع ابواحمد») از دنیا رفت. تشییع جنازه ایشان با شکوه فراوان و گریه و شیون دوستدارانش برگزار شد و او را به منزل خود بازگردانده و در همان خانه به خاک سپردند.<sup>۲</sup> این خانه را امام هادی علیه السلام از فرزند یک نصرانی خریده بود و بسیار بزرگ بود و به نظر می‌آید که در آن دوران، تمامی صحن شریف امروزی را در برمی‌گرفت.

بر اساس منابع، پیکر آن بزرگوار را وسط حیاط خانه‌اش دفن کردند و چندی بعد، فرزند بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ ه.ق) را پس از شهادت، در کنار قبر او به خاک سپردند.<sup>۳</sup> در ضریح

۱. وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ابن خلکان، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۱، صص ۵۱۳، ۵۳۵ و ۵۳۶.

۳. امام حسن بن علی الهادی ملقب به عسکری در هشتم ربیع‌الثانی ۳۲۲ ه.ق، در مدینه به دنیا آمد و همراه پدر بزرگوارش در سن ده سالگی به سامرا مهاجرت کرد. چون ایشان را تحت‌الحفظ نگه داشتند، به عسکری معروف شد؛ وفیات الاعیان و انباء ابناء النهران، ج ۱، ص ۳۷۳.

عسکریین علیهم السلام، علاوه بر این دو امام عزیز، نرجس خاتون علیها السلام، مادر امام زمان و حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام نیز مدفون هستند. همچنین در کنار مرقد منور و مطهر امامین عسکریین علیهم السلام، سردابی وجود دارد که به سرداب مقدس معروف است. خانه امام هادی علیه السلام در سامرا و سرداب واقع در آن، به جهت آنکه معصومان، سال‌ها در آن زندگی کرده و به عبادت و راز و نیاز با خدای خویش پرداخته‌اند، نزد شیعیان جایگاه والایی دارد.

گذشته از شهر بزرگ سامرا، دو شهر مشهور و شیعه‌نشین دیگر نیز با نام «بلد» یا «بلد سید محمد» و «دُجیل» در سمت جنوب این استان و در بین بغداد و سامرا قرار دارد؛ صحن و سرایی مصفا و وسیع که مرقد و مدفن ابو جعفر سید محمد، فرزند امام هادی علیه السلام است و زینت‌بخش این منطقه و منطقه دجیل می‌باشد. این امام‌زاده مبارک که در میان اهالی به «سبع الدجیل» یعنی شیر دجیل معروف است، در سال ۲۲۸ ه. ق، به دنیا آمد و در ۲۵۲ ه. ق، یعنی دو سال قبل از شهادت امام هادی علیه السلام از دنیا رفت. این امام‌زاده بزرگوار، مورد احترام بسیار شیعیان و مردم منطقه است.



# فصل سوم:

## جایگاه عراق در عرصه بین الملل



## ۱. روابط خارجی

### الف) اصول و مبانی سیاست خارجی

بر اساس ماده ۸ قانون اساسی عراق، این کشور اصول حسن همجواری را رعایت کرده و به دخالت نکردن در امور داخلی دیگر کشورها پایبند است و می‌کوشد منازعات را با ابزارهای مسالمت‌آمیز حل و فصل کند و روابط خود را بر اساس منافع مشترک برقرار سازد و تعهدات بین‌المللی خود را رعایت نماید.

بر اساس ماده ۹ قانون اساسی، دولت عراق تعهدات بین‌المللی این کشور در خصوص منع گسترش، توسعه، تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را رعایت و از دسترسی به تجهیزات، فناوری، سیستم‌های ارتباطی و موادی که به توسعه، ساخت، تولید و استفاده از این گونه سلاح‌ها مربوط می‌شود، جلوگیری می‌کند.<sup>۱</sup>

طبق ماده ۱۰۷ قانون اساسی عراق، ترسیم سیاست خارجی، نمایندگی دیپلماتیک، مذاکره درباره معاملات و توافقنامه‌های بین‌المللی،

---

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۲۳۹؛ سیاست خارجی ایران در عراق جدید، ص ۱۸۵.

سیاست‌های دریافت وام و امضاء و انعقاد آن و ترسیم سیاست اقتصادی و بازرگانی خارجی بر عهده مقامات فدرال است. از دیگر وظایف مقامات فدرال، می‌توان به ترسیم سیاست امنیت ملی و اجرای آن، تشکیل نیروهای مسلح و اداره آن و تأمین امنیت مرزهای عراق و حفاظت و دفاع از آن اشاره کرد.<sup>۱</sup>

### ب) عضویت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی

برخی از سازمان‌های بین‌المللی که عراق در آنها عضویت دارد بدین

شرح است:

«بانک عرب» برای توسعه اقتصادی آفریقا، «صندوق پول عربی»، «شورای اتحادیه اقتصادی عرب»، «سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد»، «گروه ۷۷»، «سازمان بین‌المللی هواپیمایی»، «سازمان پلیس بین‌المللی»، «فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر»، «اتحادیه بین‌المللی مالی»، «صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی»، «صندوق بین‌المللی پول»، «کمیته بین‌المللی بازی‌های المپیک»، «بانک توسعه اسلامی»، «اتحادیه دولت‌های عرب»، «جنبش عدم تعهد»، «سازمان کشورهای عرب تولیدکننده نفت»، «سازمان کشورهای تولیدکننده نفت»، «سازمان کنفرانس اسلامی»، «سازمان ملل»، «کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد»، «سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد»، «سازمان جهانی گمرک»، «فدراسیون جهانی تجارت»، «سازمان بهداشت جهانی»،

۱. همان، ص ۲۷۲؛ سیاست خارجی ایران در عراق جدید، ص ۲۱۴.

«سازمان جهانی مالکیت معنوی»، «سازمان جهانی هواشناسی»، «سازمان تجارت جهانی (ناظر)»<sup>۱</sup>.

### ج) نمایندگی‌های سیاسی در خارج

اروپا: اتریش، آذربایجان، بلژیک، بلغارستان، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، گرجستان، آلمان، یونان، واتیکان، مجارستان، ایتالیا، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، رومانی، روسیه، صربستان، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، اکراین و انگلستان.

آمریکای شمالی: کانادا، مکزیک و آمریکا (واشنگتن دی سی: سفارت و دیترویت: کنسولگری).

آمریکای جنوبی: برزیل، شیلی و ونزوئلا.

خاور میانه: بحرین، ایران (تهران: سفارت، اهواز، کرمانشاه و مشهد: کنسولگری)، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان (ریاض: سفارت و جدّه: کنسولگری)، سوریه، ترکیه، امارت (ابوظبی: سفارت و دوبی: کنسولگری) و یمن.

آفریقا: الجزایر، مصر، کنیا، لیبی، مراکش، نیجریه، سنگال، آفریقای جنوبی، سودان و تونس.

آسیا: بنگلادش، چین، هند، اندونزی، ژاپن، قزاقستان، مالزی، پاکستان، فیلیپین، کره جنوبی، سریلانکا، تایلند و ویتنام.

اقیانوسیه: استرالیا.<sup>۲</sup>

1 . <http://en.wikipedia.org>

2 . Ibid

### د) چالش‌های سیاست خارجی

مهم‌ترین چالش کشور عراق در بعد بین‌المللی و منطقه‌ای، اشغال عراق از سوی آمریکا و مطرح کردن طرح خاورمیانه بزرگ در این قالب است که تحولی بزرگ در منطقه را دنبال می‌کند. به عبارتی، آمریکا با هدف ساماندهی خاورمیانه بر اساس آنچه باید بشود، با استراتژی یک‌جانبه‌گرایی وارد منطقه شد و در نظر داشت از عراق، کشوری الگو در منطقه بسازد و دیگران را وادار به پیروی کند.<sup>۱</sup> اجرای طرح خاورمیانه بزرگ با هدف خلق هویت جدید برای مردم و با استفاده از ابزارهای زیر پیگیری شده است که می‌بایست در یک تحقیق جداگانه بررسی شود:

- فشارهای سیاسی و اقتصادی و ظرفیت‌های آمریکا برای تحمیل

طرح به کشورها و رژیم‌های منطقه؛

- توجیه حضور نظامی مستقیم در خاورمیانه؛

- ایجاد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و غیردولتی فعال در منطقه؛

- استفاده از قدرت نرم و توازن نرم‌افزاری آمریکا؛

- تبلیغات، جنگ روانی و رسانه‌های جهانی؛

- ایجاد رسانه‌های مشخص و مربوط به آمریکا برای خاورمیانه؛

- ایجاد الگو در منطقه با حضور مستقیم در عراق؛

- ملت‌سازی.<sup>۲</sup>

مطالعه طرح خاورمیانه بزرگ و تأثیرات آن، خود مجال دیگری می‌طلبد.

۱. کابوس ژئوپولیتیک، عراق؛ تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران، حسن اکبری، ص ۲۱۱.

۲. آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ، اهداف، ابزار و مشکلات، بهادر امینیان، ص ۱۵.

در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی کشور عراق اشاره می‌شود:

### یک - بازپرداخت غرامت‌های ناشی از جنگ‌ها: بازپرداخت غرامت‌های

ناشی از خسارات وارده به کویت در اثر حمله صدام به این کشور در سال ۱۹۹۰ میلادی، یکی از مسائلی است که اقتصاد و سیاست خارجی این کشور را با مشکل مواجه ساخته است. در کنار غرامت به کویت، مسئولان ایران نیز خواهان ایجاد سیستمی مشخص برای بازپرداخت غرامت‌های ناشی از جنگ تحمیلی صدام بر علیه ایران در خلال سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ هستند.<sup>۱</sup>

### دو - بدهی‌های بین‌المللی: یکی از چالش‌های سیاست خارجی عراق،

بدهکاری‌های این کشور به سازمان‌های بین‌المللی مالی و کشورهای قدرتمند دیگر است. عراقی‌ها طی دو سال اخیر، با حمایت‌های آمریکا، یکی از برنامه‌های اصلی وزارت خارجه خود را کاستن از میزان بدهی‌ها در سایه دیپلماسی قرار دادند؛ هوشیار زیباری، وزیر خارجه این کشور توانست در سفرهای متعدد خود به کشورهای طلبکار (مانند ژاپن)، نظر مقامات این کشورها برای بخشش طلب‌های خود را جلب کند. در همین راستا، نخست‌وزیر کویت نیز به بغداد دعوت شد که در این سفر، عراقی‌ها توانستند موافقت وی برای کاستن از مقدار غرامت‌های باقیمانده را به دست آورند. اما با این وجود، همچنان عراقی‌ها در بخش بازپرداخت غرامت‌ها و بدهی‌های بین‌المللی، دچار مشکل هستند.<sup>۲</sup>

### سه - چالش با ترکیه: سازمان تروریستی P.K.K که خواهان خودمختاری

۱. کالبدشکافی ریشه‌های بحران عراق.

۲. همان.

کردهای ساکن در عراق و ترکیه است، در شمال عراق مستقر بوده و ضمن جمع‌آوری کمک‌های مردمی، به حیات خود ادامه می‌دهد. علاوه بر این، دفتر «حزب راه حل دموکراتیک» که دنباله‌روی سیاسی سازمان تروریستی P.K.K در عراق است نیز به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. این سازمان گهگاهی به شمال ترکیه حمله می‌کند که ترکیه نیز به این حملات عکس‌العمل نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

#### چهار - اختلافات سیاسی با سوریه: تحویل ندادن اپوزیسیون

(گروه‌های مخالف و حزب بعث) از طرف سوریه به عراق و همچنین اتهام عراق به سوریه، مبنی بر دست داشتن این کشور در حوادث چهارشنبه خونین بغداد که به کشته شدن بیش از ۱۰۰ تن انجامید، از جمله اختلافات عراق با سوریه به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

#### پنج - گروه‌های تکفیری از عربستان: از اختلافات عراق با عربستان

ورود گروه‌های تکفیری از عربستان به عراق و نقش آنها در ناامنی‌ها و بمب‌گذاری‌های عراق است.<sup>۳</sup> این گروه‌های افراطی که با سلفی‌های تکفیری پرورش‌یافته در مکتب وهابی‌گری در عربستان سعودی ارتباط دارند، عاملان اصلی ناامنی در مناطق مختلف عربستان هستند. اکنون این عناصر در عراق، بیش از آنکه گروه مقاومت و داعیه‌دار اسلام قلمداد شوند، به عنوان تروریست و عوامل دشمن شناخته می‌شوند.<sup>۴</sup>

۱. اردشیر پشنگ، بررسی سیاست ترکیه در قبال عراق به آدرس: <http://ardeshir58.persianblog.ir>

۲. بحرمان در روابط سوریه و عراق، حسن احمدیان، ش ۳۰۰.

۳. روزنامه ایران ۸۸/۹/۲۳.

۴. جغرافیای کشور عراق، ص ۳۲۰.



**شش - آب:** از دیگر اختلافات عراق با سوریه و ترکیه، احداث سد روی رودخانه‌های دجله و فرات است که شاهرگ‌های حیاتی عراق به شمار می‌آیند؛ این مسئله، میزان ورود آب به این کشور را کاهش داده و بر کشاورزی مردم عراق، تولید برق و ... تأثیر منفی گذاشته است.<sup>۱</sup>

**هفت - اسرائیل:** رابطه عراق و اسرائیل، همچون دیگر کشورهای عربی، با فراز و نشیب همراه بوده است. عراق همانند سایر کشورهای عربی، تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی را به رسمیت نشناخت. در سال ۱۹۸۱ میلادی، اسرائیل نیروگاه اتمی «اسیراک» عراق را بمباران کرد. ارتش عراق در جریان جنگ ۱۹۹۱ با آمریکا، اقدام به شلیک ۱۷ فروند موشک زمین به زمین به اسرائیل کرد. در سال‌های بعد نیز اسرائیل از طرفداران سرسخت سقوط رژیم صدام بود. در این زمینه، اسرائیل تلاش دارد نگاه رژیم جدید عراق به مسئله فلسطین و مناسبات به اسرائیل را تغییر دهد. در این راستا، تحت فشار قرار دادن موضع سوریه و سایر کشورهای عربی حاضر در جبهه مقابل اسرائیل، در معادلات اعراب و اسرائیل نیز در برنامه قرار دارد. هدف دیگری که اسرائیل در عراق دنبال می‌کند، بهره‌گیری از محیط سیاسی، اقتصادی و امنیتی جدید عراق به منظور ورود اسرائیل به معادلات خلیج فارس است.<sup>۲</sup>

۱. رک: عراق و همسایه‌ها، سیمین خاتمی.

۲. جغرافیای کشور عراق، ص ۴۰۵.

## ۲. تأثیرات سیاسی - اقتصادی

### الف) تأثیرپذیری

یک - تأثیرپذیری شدید عراق از نظام بین‌الملل: تأسیس کشور عراق، مسئله‌ای متأثر از بازی‌های قدرت در فردای جنگ جهانی اول بوده است. وقوع کودتاهای متعدد نظامیان در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی و سقوط نظام پادشاهی در این کشور، به نوعی متأثر از رقابت دو ابرقدرت در بحبوحه جنگ سرد بود. فروپاشی شوروی، متحد استراتژیک عراقی‌ها نیز باعث ضعف بیشتر این کشور در خاورمیانه شد و سرانجام حمله نظامی آمریکا و در نتیجه سقوط نظام پیشین عراق نیز، حاکی از ادامه همین مسئله است. در آینده نزدیک یا حتی در میان‌مدت نیز، ممکن است شاهد تأثیرپذیری عراق از سیاست‌های آمریکا در منطقه باشیم.

دو- اثرپذیری سیاسی عراق از ایران: در بررسی تأثیرپذیری گروه‌های عراقی از ایران، باید خاطر نشان کرد که در اوایل انقلاب، تأثیرپذیری از نوع فکری بود، ولی با گذشت زمان، جنبه سیاسی تأثیرپذیری، اهمیت بیشتری یافت.<sup>۱</sup>

سه - تأثیرپذیری در عرصه اقتصاد: در زمینه تأثیرپذیری اقتصادی عراق، می‌توان به همکاری بانک جهانی با عراق در حوزه‌های اقتصادی همچون تعیین خط‌مشی جدید بانک‌های دولتی در عراق و نیز پیشرفته‌سازی آنها، به گونه‌ای که همسو با نظام بانکداری در جهان باشد، اشاره کرد. در این

---

۱. رشد اسلام‌گرایی: تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات خاورمیانه، علی‌اصغر محمدی، ۱۹ بهمن ۱۳۸۵ (کد خبر ۱۵۳۲۱) در همشهری آنلاین به ادرس: <http://hamshahrionline.ir>

خصوصاً، عراق به توافقنامه‌ای با صندوق بین‌المللی پول دست یافته است که بر مبنای آن، صندوق، قسمت عمده باقیمانده بدهی‌های این کشور را ملغی خواهد کرد و در مقابل، عراق ملزم به رعایت شروطی است که صندوق در خصوص سیاست‌های اقتصادی و بانکی به این کشور اعلام می‌کند.<sup>۱</sup>

### ب) اثرگذاری

شکل‌گیری نظام سیاسی جدید عراق و قانون اساسی آن، تأثیرات عمده‌ای در منطقه داشته و خواهد داشت که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

یک - الگو قرار گرفتن ساختار سیاسی عراق: همان‌گونه که بیان شد، آمریکا سعی دارد عراق را به عنوان یک کشور دموکراتیک عربی، الگوی کشورهای عربی قرار دهد؛ به نظر می‌رسد که این فرایند، تأثیرات عمده‌ای بر دیدگاه افکار عمومی مردم منطقه داشته باشد.

دو- قدرت گرفتن شیعیان: یکی از مهم‌ترین تأثیراتی که سقوط رژیم صدام و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید در بعد داخلی و خارجی داشته است، قدرت‌گیری شیعیان در ساختار سیاسی عراق است که تأثیرات عمده‌ای در قدرت‌گیری شیعیان در منطقه دارد.

سه - مسئله کردها: کردها در چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه پراکنده‌اند و به عنوان مسائل اساسی این کشورها محسوب می‌شوند. در این راستا، شکل‌گیری ساختار فدرال در عراق و شکل‌گیری

۱. کمک ۹۰۰ میلیون دلاری بانک جهانی به عراق، سایت اعتبار به تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۳۰ به آدرس:

اقلیم کردستان، می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر مطالبات سیاسی - اجتماعی کردها در ایران، سوریه و ترکیه داشته باشد.

## ۲. تأثیرات فرهنگی و آموزشی

در زمینه تأثیرپذیری آموزشی کشور عراق، می‌توان به اعزام دانشجویان عراقی به کشورهای عمدتاً غربی در قالب بورس تحصیلی اشاره کرد؛ به طوری که تاکنون بیش از ۳۰۰۰ بورس تحصیلی به دانشجویان عراقی اختصاص داده شده و بیشتر این افراد به کشورهای اروپایی رفته‌اند. آمریکا در سال گذشته، ۱۵۰ مورد بورس تحصیلی به دانشجویان عراقی اختصاص داد. بریتانیا، رومانی، روسیه و هند نیز به ترتیب ۱۴۶، ۸۰ و ۷۰ و ۵۰ مورد بورسیه به این دانشجویان اختصاص داده‌اند.<sup>۱</sup>

آمریکا پس از اشغال عراق، دو دانشگاه سلیمانیه و العربیه را در عراق تأسیس کرده است که در اینجا به طور خلاصه، توضیحاتی در مورد این دانشگاه‌ها ارائه می‌کنیم.

دانشگاه آمریکایی سلیمانیه: دانشگاه آمریکایی شهر سلیمانیه در سطح کارشناسی در رشته‌های علوم اقتصادی و مدیریت بازرگانی و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های مدیریت بازرگانی، مدیریت بین‌المللی و مدیریت فناوری اطلاعات دانشجویان می‌پذیرد. این دانشگاه، یک مؤسسه آموزشی غیرانتفاعی است که پروانه تأسیس آن از سوی وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی اقلیم کردستان عراق برای فعالیت در مناطق

شمال عراق صادر شده است.<sup>۱</sup> بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، تا سال ۲۰۲۱ میلادی، بالغ بر ۵۰۰۰ دانشجو در این دانشگاه مشغول به تحصیل خواهند شد.<sup>۲</sup>

دانشگاه آمریکایی العربیه: در دانشگاه آمریکایی العربیه در کربلا، رشته‌های مختلفی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد - به جز پزشکی - به دانشجویان ارائه می‌شود و اساتیدی از دانشگاه‌های کربلا، کوفه، بابل، المستنصریه و نیز دانشکده زبان دانشگاه بغداد در این دانشگاه تدریس می‌کنند. وزارت آموزش عالی و پژوهش‌های علمی، مدارکی را که دانشجویان از دانشگاه‌های آموزش آزاد دریافت می‌کنند، به رسمیت نمی‌شناسد.

---

۱. دانشگاه آمریکایی شهر سلیمانیه، فرات الناصری، در تاریخ ۱۴/۳/۲۰۰۸ به آدرس:

<http://www.mawtani.com/>

۲. دانشگاهی در میدان جنگ، سایت اقتصاد ایران به آدرس: <http://www.iraneconomics.net>



# فصل چهارم:

رابطه با جمهوری اسلامی ایران





## ۱. ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

کشور ایران در همسایگی شرقی عراق قرار دارد و روابط پرفراز و نشیبی با این کشور داشته است. جغرافیای انسانی این دو کشور به گونه‌ای است که برخوردهای سیاسی بین این دو کشور را ناگزیر می‌کند. هر دو کشور دارای اقلیت‌های قومی هستند که پیشینه آنها در کشور همسایه قرار دارد. از یک سو شیعیان، جمعیت اکثریت عراق هستند که ایران بر آنها نفوذ بسیاری دارد و از سوی دیگر، ایران دارای اقلیت کوچک عرب در حاشیه جنوب غربی کشور است که در برخی موارد مورد سوءاستفاده حاکمان عراقی قرار گرفته‌اند. در این فصل، سعی می‌شود تا تصویری از رابطه دو کشور، قبل و بعد از سقوط رژیم بعث در عراق ارائه شود.<sup>۱</sup>

### الف) سیاسی

عراق در دوره حاکمیت حزب بعث، یک تهدید امنیتی مهم برای ایران به حساب می‌آمد و جنگ تحمیلی هشت‌ساله، نمونه عینی چنین تهدیدی تلقی می‌شود. پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس، با وجود

---

۱. جغرافیای کشور عراق، ص ۴۳۷.

رفت و آمد مقامات دو کشور، به دلیل وجود قطعنامه‌های تحریم عراق از سوی سازمان ملل، بی‌اعتمادی رهبران دو کشور به یکدیگر و بالاخره وجود گروه‌های معارض در مرزهای دو کشور، هرگز از رفت و آمد در محیط بی‌اعتمادی دوجانبه فراتر نرفت.<sup>۱</sup> با فروپاشی رژیم بعث و مشارکت تمامی گروه‌های عراق در عرصه سیاسی این کشور، رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشور نیز وارد مرحله جدیدی شده است که در پی گسترش و تعمیق روابط دوستانه دوجانبه است. محورهای اصلی روابط خارجی ایران در دوره جدید را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

یک - حمایت از ایجاد دولتی باثبات، به عنوان بازیگر اصلی صفحه سیاسی عراق؛

دو - افزایش همکاری‌ها در زمینه تسهیل تردد زائران عتبات عالیات؛

سه - جلوگیری از تجزیه و حمایت از تمامیت ارضی عراق؛

چهار - جلوگیری از روی کار آمدن دولتی مخالف ایران؛

پنج - جلوگیری از قرار گرفتن عراق به عنوان پایگاه مخالفان ایران

(به‌ویژه سازمان تروریستی «منافقین»)<sup>۲</sup>؛

شش - حمایت از افزایش نقش سازمان ملل در عراق در مقابل

آمریکا؛

هفت - افزایش همکاری در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و ...؛

هشت - تثبیت مرزها و حل و فصل کامل اختلاف‌های مرزی و ایجاد

۱. روابط خارجی ایران و همسایگان در دو دهه انقلاب اسلامی، محمود دهقان طرازجانی، ص ۹۱.

امنیت کامل در طول خطوط مرزی با عراق؛

نه- تعامل سازنده با گروه‌های مختلف عراقی، با هدف ایجاد ثبات و

امنیت در کشور عراق (بازیگران مؤثر داخلی)؛

ده- مقابله با افزایش نفوذ و قدرت استکبار جهانی به سرکردگی

ایالات متحده آمریکا.<sup>۱</sup>

### ب) علمی - فرهنگی

از گذشته دور، به واسطه وجود حوزه علمیه بزرگ نجف و حضور عالمان و مراجع بزرگ شیعه در اعتبار مقدسه کشور عراق، روابط علمی میان دو ملت ایران و عراق برقرار بوده است؛ به گونه‌ای که معمولاً علما و طلاب علوم دینی، بخشی از دوره تحصیل خود را در حوزه‌های علمیه عراق می‌گذرانند. ولی با ضعیف شدن حوزه نجف، این رابطه معکوس شده است؛ به گونه‌ای که اکنون، بسیاری از طلاب علوم دینی عراقی، در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل هستند.

بی‌گمان مهم‌ترین اشتراک فرهنگی ایران و عراق، همان مذهب تشیع است که باید در سیاست خارجی ایران نقش خود را ایفا کند. در دوران حکومت حزب بعث، سیاست‌های ذیل برای حاشیه راندن شیعیان به کار گرفته شد:

یک- مردود شمردن خواسته‌های شیعیان، به این علت که فرقه‌گرایانه،

تفرقه‌افکنانه و الهام‌یافته از ایران شمرده می‌شد؛

۱. جغرافیای کشور عراق، صص ۴۵۰ و ۴۵۱.

دو- پذیرش بسیار اندک و موردی شیعیان در مقام‌های اصلی

حکومتی و حتی پست‌های فرعی یا تشریفاتی؛

سه- تضعیف نهادهای مذهبی شیعی و جلوگیری از رشد آنها؛

چهار- برخورد شدید با فعالیت‌های سیاسی شیعیان و سرکوب

وحشیانه آنها.<sup>۱</sup>

در شرایط جدید، با تغییر ساختار قدرت و سیاست در عراق و قرار گرفتن حکومت مردمی در رأس آن، زمینه‌های فرصت‌سازی جدید برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده است. در سطح ملی و روابط دوجانبه، حضور شیعیان در رأس قدرت، زمینه‌های ایجاد روابط استراتژیک، مبتنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی را فراهم می‌سازد. با توجه به اینکه دولت جدید عراق، وظیفه اجرای هدایت کشور را بر عهده دارد، بنابراین حجم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف، همچون ارتباطات رسانه‌ای، توریسم مذهبی، تبادلات دانشگاهی، سمینارهای علمی، گسترش ارتباطات در حوزه‌های علمیه، طرح‌های مشترک پژوهشی و ... افزایش می‌یابد.

در سطح منطقه‌ای، تقویت عنصر شیعه در عراق جدید، نقش مهمی در متعادل کردن روابط ایران با ملت‌های منطقه و جهان عرب خواهد داشت.<sup>۲</sup> این فرایند با انقلاب اسلامی آغاز شد؛ چنان‌که گراهام فولر می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران به شیعیان جرئت داد تا هویتشان را بیان

۱. شیعیان عرب؛ مسلمان فراموش شده، گراهام فولر و رندرحیم فرانکه، ص ۲۰۳.

۲. سیاست خارجی ایران در عراق جدید، ص ۱۰۶.

کنند و ابزاری در اختیار آنان گذاشت تا حضور خود را برای دیگران محسوس سازند.<sup>۱</sup> البته ایران بر اساس یک سیاست تقریبی، همواره با به رسمیت شناختن همه گروه‌های عراقی، بر این نکته تأکید داشته است که عراق، باید به دست همه گروه‌های عراقی و بدون دخالت نیروهای خارجی اداره شود تا امنیت و ثبات به عراق برگردد و زمینه توسعه و پیشرفت این کشور فراهم شود.

در سطح بین‌المللی نیز تقویت نقش عنصر شیعه در عراق جدید و تأثیرات آن بر سیاست بین‌الملل عراق، می‌تواند زمینه‌های فرصت‌سازی زیادی را در چارچوب تنظیم سیاست بین‌الملل و مسائل استراتژیک ایران فراهم کند.<sup>۲</sup>

در زمینه روابط علمی دانشگاهی نیز می‌توان به امضای تفاهم‌نامه دانشگاه‌های چمران اهواز و بصره عراق اشاره کرد. دانشگاه بصره، نسبت به اعزام دانشجو به منظور ادامه تحصیلات عالی و انجام تحقیقات علمی به دانشگاه شهید چمران اهواز، تمایل خود را در یک بند از این تفاهم‌نامه اعلام کرد. در مقابل، دانشگاه شهید چمران نیز آمادگی خود را برای پذیرش دانشجویان و اساتید بصره به منظور انجام تحقیقات علمی و تکمیل کادر آموزشی خود در چارچوب قوانین و ضوابطی که در آینده نزدیک مدون خواهد شد، اعلام کرد.<sup>۳</sup>

---

۱. شیعیان عرب، مسلمان فراموش شده، ص ۷۳.

۲. سیاست خارجی ایران در عراق جدید، ص ۱۰۷.

۳. امضای تفاهم‌نامه دانشگاه‌های چمران اهواز و بصره عراق، شنبه ۸۹/۰۸/۲۹، خبرگزاری مهر به آدرس:

## ج) اقتصادی

در حال حاضر، صادرات ایران به عراق از پنج میلیارد دلار گذشته است. بیشتر صادرات ایران به کشور عراق، محصولات غذایی، میوه تازه، انواع محصولات کشاورزی، و لوازم خانگی بوده و واردات ایران از کشور عراق، شامل اقلامی مانند مس، سرب و آلیاژهای آلومینیوم است.<sup>۱</sup> ایران سعی دارد با برگزاری نمایشگاه‌های اقتصادی و حضور در بازار عراق، نقش پررنگی در حوزه اقتصاد این کشور داشته باشد. حوزه‌های زیر را می‌توان مهم‌ترین فرصت‌های بالقوه اقتصادی عراق برای ایران دانست:

- بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی: از بخش‌های مهم در این زمینه، کارخانه‌های مربوط به انرژی آبی (ساخت سد)، انرژی حرارتی با سوخت گاز و نفت و انرژی باد است.

- بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز: با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز عراق، می‌توان فعالیت‌های بسیاری در زمینه‌های مربوط به ساخت لوله و انتقال انرژی انجام داد.

- بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه منابع آبی: ایران می‌تواند در زمینه احداث و انتقال کانال‌ها و مخازن آبی، کارخانه‌های آب معدنی و صدور منابع آبی عراق فعالیت کند.

- بازسازی و ساخت شبکه‌های حمل و نقل جاده‌ای و راه‌آهن: از دیگر بسترهای فعالیت ایران در عراق ساخت شاه‌راه‌های ارتباطی بین

---

۱. برای دیدن میزان دقیق و بروز واردات و صادرات ایران و عراق، به سایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به آدرس ذیل رجوع کنید: <http://www.tccim.ir>

ایران و عراق و بازسازی راه آهن و جاده‌ها در عراق، است.

- بازسازی و ساخت پالایشگاه نفت، گازوئیل و پتروشیمی: این امر با توجه به نیاز شدید عراق به واردات فرآورده‌های نفتی، اهمیت بیشتری دارد. با توجه به نیازهای روزافزون عراق به واردات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، استفاده از ظرفیت‌های اضافی ایران برای پر کردن خلأ موجود، یکی از زمینه‌های مهم فرصت‌سازی اقتصادی ایران به حساب می‌آید.

- ساخت کارخانه‌های سیمان و مواد ساختمانی: سرمایه‌گذاری در این بخش، با توجه به نیازهای شدید عراق به سیمان و مواد ساختمانی در بازسازی کشور، اهمیت بسیاری دارد.<sup>۱</sup>

## ۲. جایگاه در استراتژی نظام جمهوری اسلامی

مؤلفه‌های اساسی در استراتژی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور

انجام تحولات سیاسی در عراق و به قدرت رسیدن حکومتی مردمی بر اساس رأی اکثریت، چشم انداز قدرت و سیاست در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است. تقویت و حمایت ایران از دموکراسی در عراق جدید، نه تنها بر اساس تقویت زمینه‌های ایدئولوژیک و دموکراتیک، بلکه در جهت ایجاد ثبات در تحولات قدرت و سیاست منطقه است تا از این طریق، نقش مردم در حوزه‌های رقابت و نفوذ در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس را تثبیت و تقویت

۱. سیاست خارجی ایران در عراق جدید، صص ۹۴-۹۶.

نماید. از این نظر، جایگاه عراق جدید در حوزه سیاست خارجی ایران، بر اساس فراهم آوردن زمینه‌های فرصت‌سازی در جهت شکل‌گیری نظام امنیت جدید منطقه‌ای خلیج فارس تعریف می‌شود.

در واقع جمهوری اسلامی ایران از طریق همکاری با دولت دوست در عراق، می‌تواند به بسیاری از اهداف استراتژیک خود، از جمله تعریف جدید از مشارکت در ترتیبات امنیتی منطقه و تنظیم روابط متعادل با جهان عرب و قدرت‌های بزرگ دست یابد. جنس و ماهیت تهدیدات جدید به گونه‌ای است که نیازمند «همکاری جمعی و متقابل» میان تمامی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.<sup>۱</sup>

از دیدگاه سیاسی - امنیتی، محوری‌ترین راهبرد سیاست خارجی ایران در برخورد با عراق جدید، باید بر حول استراتژی تبدیل عراق از یک تهدید سنتی سیاسی، امنیتی و نظامی به یک کشور دوست و همکار استراتژیک قرار گیرد. بی‌تردید انتقال و بازتعریف عراق در سیاست خارجی ایران از یک دشمن استراتژیک به یک دوست استراتژیک یا حداقل رقیب همکار و سازنده، انرژی بسیاری را از ایران آزاد می‌کند و در پی آن هزینه‌های سیاسی - امنیتی کشور را کاهش می‌دهد.<sup>۲</sup>

---

۱. ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، کیهان بزرگر، ۱۶ بهمن ۱۳۸۵ در آدرس:

<http://www.bashgah.net>

۲. سیاست خارجی ایران در عراق جدید، ص ۱۱۴.



## کتابنامه

۱. ارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ترجمه: رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، بی تا.
۲. اشغال عراق توسط آمریکا، پیامدها و نتایج طرح خاورمیانه بزرگ، محمدصادق الهاشمی، ترجمه: محمدرضا بلوردی، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۴.
۳. اصلاحات اقتصادی در عراق، عبدالحسین محمد العنکی، ترجمه: ابوالفضل تقی پور، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
۴. اطلس شیعه، رسول جعفریان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
۵. اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، محمدرضا قمی، بی جا، نشر مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، بی تا.
۶. آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ، اهداف، ابزار و مشکلات، بهادر امینیان، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۸۳.
۷. آینده خلیج فارس، فیلیپ رابینز و جانان استرن، ترجمه: مهدی افشار، تهران، نشر ایرانشهر، ۱۳۷۰.
۸. بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۰۴۴ ه.ق.
۹. بحران در روابط سوریه و عراق، حسن احمدیان، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۳۰۰.


۱۰. پایان جنگ، محمد دورودیان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
۱۱. تاریخ اقتصادی سیاسی عراق، علی بیگدلی، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸.
۱۲. تاریخ سیاسی جنگ، علی اکبر ولایتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۳. تاریخ کرد و کردستان، صدیق صفی زاده، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۸.
۱۴. تاریخ معاصر کرد، دیوید مک داوول، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات پانید، ۱۳۸۰.
۱۵. تاریخ نوین عراق، فب مار، ترجمه: محمد عباس پور، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۶. تاریخ نهضت های دینی و سیاسی معاصر، علی اصغر حلبی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲.
۱۷. تجربه حکومت، ابراهیم جعفری، ترجمه: محمدرضا بلوردی، تهران، مؤسسه اندیشه سازان نور، ۱۳۸۹.
۱۸. تشیع در عراق مرجعیت و ایران، رسول جعفریان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.
۱۹. جغرافیای جهان اسلام، غلامرضا گلی زواره، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۲۰. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، الاسدایر دراسیل، ترجمه: دره میر حیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی امور خارجه، ۱۳۶۹.
۲۱. جغرافیای کشور عراق، محمدحسن نامی و علی محمدپور، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
۲۲. چالش ها و تعاملات عراق در نیمه نخست قرن بیست، مسعود کوهستانی نژاد، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۲۳. حزب الدعوة اسلامی عراق، پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، حسین و عادل

- ادیب، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳.
۲۴. خبرنامه انرژی (ویژه عراق)، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲۶، بهمن ۱۳۹۰.
۲۵. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، محمدرضا حافظ نیا، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
۲۶. دایرةالمعارف فرهنگ و ملل ( The encyclopedia of countries and culture)، ترجمه گروه صراط، قم، المصطفی، ۱۳۹۰.
۲۷. در اخبار شیعیان، سال هشتم، شماره ۸۴، مهر ۱۳۹۱.
۲۸. دراسات فی السكان و التنمية فی العراق، منصور الراوی، بغداد، طبع بمطابع التعليم العالی، ۱۹۸۹م.
۲۹. دیدگاه‌ها، جمعی از نویسندگان، جلد ۱، جامعه المصطفی علیه السلام، معاونت پژوهش، بی تا.
۳۰. راهنمای اماکن سیاحتی زیارتی عراق، احسان مقدس، تهران، مشعر، ۱۳۸۷.
۳۱. روابط خارجی ایران و همسایگان در دو دهه انقلاب اسلامی، محمود دهقان طرازجانی، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۳۲. روزنامه ایران.
۳۳. روزنامه جام جم.
۳۴. روزنامه جمهوری اسلامی.
۳۵. روزنامه شرق، رضا، شماره ۱۶۱۷، ۱۳/۶/۱۳۹۱.
۳۶. روزنامه همشهری، ۱۳۸۲/۵/۶.
۳۷. زمانه، سید محمود، شماره ۹۵، دی ۱۳۸۹.
۳۸. سامان سیاسی در عراق جدید، امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۳۹. سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان)،

۴۰. سنوات حرب، حزب الدعوة الاسلاميه، تهران، المركز الاسلامي للأبحاث السياسيه، ۱۹۸۴م.
۴۱. سياست خارجي ايران در عراق جديد، كيهان برزگر، تهران، مجمع تشخيص مصلحت نظام، مركز تحقيقات استراتژي، ۱۳۸۶.
۴۲. سيمای ايران، ايرج افشار، بی‌جا، انتشارات آقا بیگ، ۱۳۷۲.
۴۳. الشيعة و الدوله القوميہ فی العراق، حسن العلوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۴. شيعيان عرب، مسلمان فراموش شده، گراهام فولر و رندرحيم فرانکه، ترجمه: خديجه تبريزي، تهران، شيعه‌شناسي، ۱۳۸۴.
۴۵. عراق پس از سقوط بغداد، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سياسي و بين‌الملل، ۱۳۸۴.
۴۶. عراق ساختارها و فرايند گرايش‌های سياسي، حسين سيف‌زاده، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۷۹.
۴۷. عراق، گروه نويسندگان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگاني، ۱۳۶۸.
۴۸. علل خيزش شيعيان حاشيه جنوبي خليج فارس، سيد مرتضي کاظمي دينان، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۸.
۴۹. فرهنگ علوم سياسي، علي آقابخشي و مينو افشاري راد، تهران، چاپار، ۱۳۸۳.
۵۰. فصل‌نامه علمی - پژوهشي شيعه‌شناسي، سجاد دادفر، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۹.
۵۱. فصل‌نامه مصباح، ميرسعید، شماره ۵۴.
۵۲. کردها، کندال، ترجمه: ابراهيم يوسفی، تهران، نشر روز جهان، ۱۳۷۰.
۵۳. کابوس ژئوپولتيک عراق، تأثير اشغال عراق بر قدرت ايران، حسن اکبری، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸.

۵۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، جلد ۳، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۵۵. الكامل فی التاريخ، عزالدین ابن الکرّم ابن اثیر، جلد ۶، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۶. کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، سلیمه دارمی، تهران، ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۹.
۵۷. ماهنامه زمان، سید محمدباقر حکیم (گفتگو)، شماره ۲، آبان ۱۳۸۱.
۵۸. مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، شمس‌الله مریجی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۵۹. مجلّة النور، العدد الثامن عشر، جمادی الاولی ۱۴۱۳.
۶۰. مجلله آیین، مراد، شماره ۱۹ و ۲۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.
۶۱. مجله رواق اندیشه، مرتضی شیرودی، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۸۲.
۶۲. مجله مطالعات راهبردی، شفیق ن. غربا، ترجمه: علی قلی‌زاده، شماره ۱۵، بهار ۱۳۸۱.
۶۳. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن الحسین مسعودی، جلد ۲، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۴. مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، سید رضا صلاحی امیری، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶.
۶۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۱، بی‌جا، انتشارات بهزاد، ۱۳۷۷.
۶۶. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، سامرا، جعفر الخلیلی، موسوعة العتبات المقدسه، قسم السامراء.
۶۷. نفت و سیاست‌های نفتی عراق، حسن لطیف کاظم الزبیدی، ترجمه: جواد اصغری، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
۶۸. نهضت اسلامی شیعیان عراق، ان ویلی جویس، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.
۶۹. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، عبدالله فهد نفسی، ترجمه: کاظم چایچیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۷۰. همشهری دیپلماتیک، هوان کول، شماره ۳۴، دی ۱۳۸۳.

71. <http://ardeshir58.persianblog.ir>
72. <http://ardeshir58.persianblog.ir/post/129>  
<http://daneshgeography-1370.persianblog.ir>
73. <http://edupress.ir>
74. <http://en.wikipedia.org>
75. <http://fa.wikipedia.org>
76. <http://hajj.ir>
77. <http://kanoonmodafean1.blogspot.com>
78. <http://mawtani.al>
79. <http://mawtani.al-shorfa.com>
80. <http://mccim.ir>
81. <http://parliament.iq/Iraqi>
82. <http://strategicreview.org>
83. <http://vazeh.com>
84. <http://www.bashgah.net>
85. <http://www.bashgah.net>
86. <http://www.etebarnews.com>
87. <http://www.farsnews.com>
88. <http://www.iraneconomics.net>
89. <http://www.irteb.com>
90. <http://www.kasnazan.com>
91. <http://www.khabaronline.ir>
92. <http://www.mawtani.com>
93. <http://www.mehrnews.com>
94. <http://www.mofa.gov.iq>

- 
- 
95. <http://www.nedayequds.com>
  96. <http://www.tccim.ir>
  97. <http://zamane.info>
  98. <https://www.cia.gov/library>
  99. [www.Alfadhela.Net.iq](http://www.Alfadhela.Net.iq)